# بسم الله الرحمن الرحیم

# یک‌صد قاعده در روش تحقیق

## مقدمه

کتاب حاضر مشتمل بر مجموعه قواعدی است کاربردی در آموزش روش تحقیق در علوم انسانی که با مثال‌هایی از رشته‌های علوم اسلامی (همچون علوم قرآنی و شیعه‌شناسی) تنظیم شده است. تاکید این اثر بر تعمیق فرهنگ پژوهش و توجه دادن به ویژگی های شخصیتی یک پژوهشگرِ موفق است. تجربهٔ نظام دانشگاهی در دهه های اخیر نشان می دهد که هرچه تاکید بر آموزش خشک قواعد از نوع محفوظات شب امتحانی و عدم معرفی الگوها و جریان های اصیل پژوهش اسلامی در علوم انسانی باشد، گرایش به تقلب در میان دانشجویان بیشتر می‌شود. درس «روش تحقیق» اگر توأم با تجربهٔ «کار عملی» باشد، قلب تپندهٔ علوم انسانی است و باید از پایه اصلاح شود تا دیگر شاهد آن نباشیم که چهرهٔ شهرها و در و دیوار مراکز دانشگاهی مملو از برگه های تبلیغاتی جهت فروش مقاله و پایان‌نامه باشد که همانا یکی از اشکال «کلاه‌برداری» است که باید قاطعانه با آن مقابله کرد. این معضل یکی از پیامدهای بی‌مهری به آثار بزرگانی چون علامه عبدالحسین امینی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، علامه آقابزرگ تهرانی، سید جعفر شهیدی، جلال‌الدین هُمایی (رحمهم الله) و ... در درس روش تحقیق بود تا جایی که در قریب به اتفاق کتاب‌های منتشرشده روش تحقیق در علوم انسانی کشور، حتی اشاره‌ای کوتاه هم به نام آنان نشده است؛ این در حالی است که مهم‌ترین وظیفهٔ درس روش تحقیق، ترغیب دانشجویان به کسب تجربهٔ پژوهش بر اساس الگوهایی اصیل است و نه افزودن کتابی دیگر به مجموعه کتاب‌های شب امتحانی ...

یکی از بزرگ ترین خطراتی که در سال‌های اخیر بلایی برای فرهنگ و دانش کشور

شده است، رها کردن منابع مرجع در آموزش و ورود غیرتخصصی به مباحث عمیق بوده است. برای مثال، در سال‌های اخیر سخن سرایی دربارهٔ حکمت صدرایی به اوج خود رسیده است. افرادی که حتی قادر به روخوانی صحیح متن اسفار[1] ملاصدرا نیستند (تا چه رسد به تفسیر آن) چنان درباره‌اش قلم‌فرسایی می‌کنند که گویی سال‌ها در این حوزه نزد اساطین فلسفه و عرفان اسلامی تحصیل کرده‌اند و دست آخر معلوم می‌شود که حداکثر چند واحدی در دانشگاه، دربارهٔ ملاصدرا چیزی به گوششان رسیده است[2]! مرحوم استاد جلال‌الدین هُمایی می‌نویسد:

> روزی یکی از معاصران خود که از مبادی فلسفهٔ ابن سینا سهل است اصلاً با زبان عربی آشنایی نداشت، شنیدم که می گفت در وقت خواب به جای روزنامه و رمان، کتاب شفای ابوعلی سینا را مطالعه می کنم. من در ابتدا پنداشتم که این سخن را بر سبیل شوخی و مزاح یا برای تحقیر و اهانت به کتاب ابن‌سینا می‌گوید. آن گاه بر تعجب من افزود که دیدم آن سخن را جدی و در مقام خودستایی برای اثبات مفاخر خود می‌گوید. روی

---

۱. جلال‌الدین همایی دربارهٔ استادش مرحوم شیخ محمد خراسانی می‌نویسد: «... مکرر می‌فرمود که اسفار را نباید جزء متون و سطح فلسفه شمرد و بلکه باید آن را به منزلهٔ درس اجتهادی خارج محسوب داشت؛ یعنی کسی اهلیت خواندن اسفار را دارد که همهٔ مبادی فلسفه را آموخته و با کلمات حکما و متکلمان و عرفای اسلامی کاملاً آشنا شده و از تحصیل متون و سطوح فلسفه و کلام و عرفان فراغت یافته باشد همان طوری که در درس خارج فقه شرط است که از تحصیل سطوح و متون فقه فارغ شده و به درجهٔ اجتهاد رسیده باشد.» (نصری، ۱۳۶۷: ۱۵۷–۱۵۸)

۲. حضرت امام خمینی (ره) در نامه‌ای به یکی از شاگردان خود به نام سید ابراهیم خویی معروف به مقبره‌ای که در «صحیفه امام» موجود است، می‌نویسد که او هر آنچه را که از امّهات اصول حکمت متعالیه می‌دانسته به وی منتقل کرده است و چنین هشدار می‌دهد که «مکرر می‌گردانم وصیت خود را به آنچه که مشایخ عظام به ما سفارش کردند؛ و آن، فاش نساختن اسرارِ معارف است مگر به اهلش، و دهان نگشودن به حقایق عوارف مگر در محلش» (نامه امام خمینی به‌تاریخ: ۲۷ بهمن ۱۳۱۷ ش/ ۲۶ ذی الحجه ۱۳۵۷ ق) با این حال اهل و محل و شأن علوم اسلامی در آموزش دانشگاهی رعایت نمی‌شود. مدتی پیش شاهد بودم که یکی از اساتید دانشگاه از این موضوع ابراز خوشحالی می‌کرد که امروزه حتی در واحدهای دانشگاهی در شهرستانهای کوچک هم حکمت صدرایی تدریس می شود و آن را به عنوان نهضتی در راستای مواجهه با تهاجم فرهنگی غرب می‌دانست. چنین طرز فکری صحیح نیست. در آموزش سنتی حکمت صدرایی، که ضامن بقای آن بوده است، افراد قابل با معیارهای دقیقی از سوی اساتید بزرگ حکمت متعالیه گلچین می‌شدند؛ از این رو شاگردان غالباً در سطوح خارج فقه بودند و آنان هیچگاه بدون سالها مجاهده و سیر و سلوک صحیح و چنین بی‌قیدوبند، به تعلیم مضامین بلند حکمت اسلامی نمی‌پرداختند.

سخنم به طالبان مبتدی است که زنهار غرور و خودسری را به خود راه ندهند و اگـر بـه حقیقت، طالب علم و در تحری قبلهٔ معرفت و دانش اند، پای از طواف حریم کعبهٔ اسـتاد نکشند و قدم از طریق سعی و صفا بیرون ننهند.

سعی ناکرده در این راه به جایی نرسد
مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر (نصری، ۱۳۶۷: ۱۶۶)

علوم انسانی با اکتفا به کرامت نامه نویسـی دربـارهٔ علمـای بـزرگ اسـلامی متحـول نمی‌شود؛ بلکه با تحقق اهداف، برنامه‌ها و استفاده از روش‌هـا و شـیوه‌هـای مطالعـاتی آن بزرگان است که می توان بر فضای علوم انسانی و ساحت فکری دانشگاه ها تأثیر گذاشـت. آن ها نیازی به تعریف و تمجیدهای ما ندارند ولی ما سخت نیازمند شناخت معارف آنان (و نه بیان داستان‌هایی دربارهٔ آنان) هستیم. درس روش تحقیق، درسی نظری نیست و البتـه تا زمانی که نظام آموزش عالی کشور بر پایهٔ محفوظات دانشجو و نه خلاقیت هـای او بنـا شـده باشـد، امیـد چنـدانی بـه گسـترش محتـوای درس روش تحقیـق بـه سـایر دروس دانشگاهی نمی‌رود. در گذشته، هرچند حوزه‌های علمیه درس مستقلی به‌نام روش تحقیـق نداشتند اما دید دقیقی نسبت به علم و تعریف آن بر مبنای «موضـوع، مسـایل و مبـادی» داشتند. از سوی دیگر آنان بحـث شـرافت علـم را از بحـث «وثاقـت دلالـتِ آن» تمییـز می‌دادند. از لحاظ شرافت علم، تاکید بر علوم الهی است[۱]؛ زیـرا بـر خـلاف علـوم دنیـوی، امری مقطعی نیست؛ چنانکه حضرت امام صادق [علیه‌السلام] می‌فرماید:

إذا أرادَ الله بعبدٍ خَیراً فَقَّهه فی الدِین

چـون خـدا خیـر بنـده‌ای را بخواهـد او را در دیـن دانشـمند مـی‌کنـد. (کلینـی، ۱۴۲۹: ۱ / ۷۷)

و حضرت امام محمدباقر [علیه‌السلام] می‌فرماید:

الکمالُ کلُّ الکمـال التفقّـه فِـي الـدِین و الصـبرُ علـي النائبـةِ و التقـدیرُ المعیشة

---

۱ برای مثال، مرحوم میرزا احمد آشتیانی ره علوم را بر دو قسم می‌دانست: قسم اول شامل علوم مربوط به عالم جسمانی (عالم ظاهر و محسوس) است که به دانش‌های مربوط به صنایع و حرفه‌ها، عمران و سیاست، علوم پزشکی و ریاضیات و علوم تعلیمی تقسیم می‌شود. قسم دوم به ماوراءالطبیعه و عالم برتر از حس بازمی‌گردد. او در ادامه این بحث را مطرح کرده است که سنخ اول متعلق به دنیای فانی و سنخ دوم متعلق به حیات ابدی انسان است که البته نمی‌توان آن را نادیده گرفت. (آشتیانی: ۱۳۷۴: ۲ – ۴)

> کمال انسان و نهایت کمالش دانشمند شدن در دین و صبر در بـلا و اقتصـاد در زندگی است. (همان، ۱ / ۷۸)

شرافت علم بر پایهٔ ابدی بودن حیات انسان است، آیت‌الله حسن‌زاده آملی تعبیر خـوبی در این زمینـه دارد: «آن کـه خـود را ابـدی شـناخت، فکـر ابـد مـی‌کنـد.» (آملـی، ۱۳۸۲: ۲۳) دانشمندان بزرگ اسلامی به خوبی متوجه این مسئله شده بودند کـه حیـات انسـان ابـدی است و زندگی اصیل در دنیا در گروه توجه به آخرت و تصـحیح نیـت‌هـا و اعمـال اسـت؛ مسئله‌ای که خود را در علومی چون طب و یا هندسه، نشـان داد. چنانکـه در بحـث «ادب طبیب» می‌خوانیم که: پزشک در کارش باید دارای نیتی خـالص بـرای خداونـد باشـد تـا حرفه‌اش از بزرگ‌ترین عبادات و در راسـتای امتثـال سـنت مطهـره در کـاهش دردهـای مسلمانان و کمک به ایشان باشد. (الخطابی، ۱۹۹۸: ج ۱ / ۴۶۳ او به نقل از: ابوعبـدالله العبـدری از کتاب «المدخل» ۱۴۱/۴ – ۱۴۲) و یا مؤیدالدین العرضی (۶۶۴ ق / ۹۳۹ م) در «کتاب الهیئة» در بحث موضوع علم فلک و براهین آن می‌نویسد:

> شرف هر علم یـا بـه شـرف موضـوع آن و یـا وثاقـت بـراهینش و یـا بـه هـر دوی آن‌هاسـت. موضـوع علـم فلـک دربـارهٔ شـگفت‌انگیزتـرین صـنع الهـی و بزرگ‌ترین آفریـدهٔ او و حکیمانـه‌تـرین افعـال اسـت و بـراهین ایـن علـم، هندسـی و حساب به تمـامی اسـت. اندیشـه در آن مجـالی بسـیار وسـیع و دلیلـی قـاطع بـر وجـود صـانع – سـبحانه و تعـالی – دارد. (همـان:۲ / ۷۱۶ –۷۱۷. او بـه نقـل از مؤیـد الدین العرضی در «کتاب الهیئة» ص ۲۷ – ۳۱)

اما مسئلهٔ «وثاقت دلالت» در کنار ارتباط تنگاتنگ خود با شرافت علم، امری مرتبط با موضوعات روشی علوم است. به تعبیر راغب اصفهانی استحکام علوم دینی بر پایهٔ وحی است؛ درحالی‌که در علم طب بر پایهٔ «تجارب» است. (همان: ۲ / ۵۶۰. او به نقل از راغب اصفهانی در کتاب الذریعة إلی مکارم الشریعة، ص ۱۴۲ – ۱۴۳) اگر خوب توجه شود مشخص می‌شود که بحث شرافت علم در سنت‌های فکری جهان اسلام به معنای طرد بحث وثاقت علم در سنت‌های علمی و فکری جهان اسلام نیست و حتی می‌توان گفت که بدون توجه به مبحث وثاقت نمی‌توان به چُنان شرافت بزرگی نائل آمد؛ زیرا کسب علوم الهی مستلزم استفاده از روش‌ها و منابع صحیح آن است.

گذشتگان ما از کودکی با قرآن و گلستان و بوستان سعدی و اشعار حافظ و نیز احکـام

شرعی آشنا می‌شدند و با خواندن آثاری چـون جـامع‌المقـدمات و شـرح الفیـه (چـه شـرح سیوطی و یا ابن عقیل) و کتاب مطول تفتازاتی و مانند آن، علاوه بر آموزش زبان عربـی و تقویت مبانی زبانشناسی آن، از همان ابتدا ارتباطی مستقیم با متون مرجع داشـتند؛ از ایـن رو بسیاری از محصلان آن نظام آموزشی طبعی موزون داشتند و بر دقـایق ادبـی تسـلطی کامل. آنان در ادامه تحصیل خود، دروسی چون منطق، ریاضیات و هندسه، اصـول فقـه و فقه و بنا بر ذوق و استعداد خویش، اصـول حکمـت و عرفـان را مـی آموختنـد؛ امـا نظـام دانشگاهی، نظامی واحدی و شتاب‌زده است که در آن دانشجو بـی آنکـه مقـدمات لازم را طی کند، به صورتی مصنوعی وارد این علوم می‌شود. از ایـن حیـث، وظیفـهٔ اصـلی درس روش تحقیق در رشته‌های دانشگاهی علوم دینی را باید «محدود کردن» یا «مهار کردن» دانشجو قلمداد کرد تا او بداند نباید بـی‌مهابـا وارد هـر عرصـه‌ای شـود و همـواره متوجـه خطراتِ جهل مرکب باشد.

با در نظر گرفتن توضـیحات مـذکور، ایـن کتـاب چنانکـه از نـامش پیداسـت، شـامل مجموعه ای از قواعد روش تحقیق است. قاعده در لغت به معنـای اسـاس و ریشـه اسـت. چنانکه ستون های خانه را «قواعد» می نامند و مراد از قواعد روش تحقیق عبارت اسـت از اصولی عمومی که به‌کارگیری آن‌ها در جهت کسب شناخت علمی الزام‌آور است. برخـی از اصول روش شناسی در همهٔ رشته هـای علمـی مشـترک‌انـد و برخـی دیگـر بـه اقتضـای تخصص ها متفاوت از دیگری هستند. برای مثـال، رعایـت اخـلاق، قاعـده‌ای بنیـادین در انجام هر پژوهشی است. باید از اتهام زنی بدون دلیل خودداری کرد. باید از به کـار بـردن الفاظ زننده و زشت در قبال آنان که موافق ما اندیشه نمی کنند خـودداری کـرد. بـه جـای بدگویی، بهترین پاسخ به مخالفان یک دیـدگاه و یـا عقیـده، اسـتدلال محکـم، در قالـب بهترین عبارات است. باید امانت علمی را در نقل دیدگاه ها و اندیشه ها رعایت کرد و فضل صاحبان اندیشه را در طرح مسئله‌شان پاس داشت. این موضوعات مسایلی عمومی اند کـه ضرورت آن در انجام هـر پژوهشـی احسـاس مـی شـود. یـا ایـن قاعـده کـه هـر علمـی روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد، در همهٔ علوم و به ویژه علوم اسـلامی، مطلبـی مهـم است. هر پژوهش دارای موضوعی است و هر موضوعی روش مطالعـهٔ خـود را مـی طلبـد. وظیفهٔ محقق آن است که از خلـط روش‌هـا و علـوم بپرهیـزد و در تـاریخ بـه روش‌هـای تاریخی، در فقه به روش‌های فقهی و در تفسیر به روش‌های تفسیری متمسک شود.

یا به عنوان یک قاعده، در نقد علمی یک اثر یا دیدگاه، علاوه بر رعایت انصاف، باید نقد را به گونه‌ای مطرح کرد که مبدل به یک «قاعدهٔ کلی» شود و منحصر به انتقاد شوندگان نشود. این امر موجب می‌شود تا منتقد خودش را در تیررس انتقادش ببیند و خود نسبت به رعایت نقدش احساس مسئولیت کند و یا قواعدی مانند: «توصیف غلط موجب تحلیل غلط می‌شود. بنابراین مسئله تنها بیان حقیقت نیست، بلکه بیان همهٔ حقیقت مؤثر در موضوع است.»، «اگر نقل‌کننده هستی پس سند»، «اگر مدعی هستی پس دلیل»، «اول کسب شناخت، سپس حکم کردن»، «گمان قابل اتکا نیست.» و ...

این کتاب حاصل تدریس این‌جانب در دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (واحد تهران) است که به تدریج با یاری و همراهی دانشجویان گرامی به صورت حاضر درآمده است؛ اما چنانکه مکرر بیان شده است، تأکید جزوه بدون فعالیت و ممارست عملی فایده چندانی ندارد و این فعالیت عموماً شامل موارد زیر هستند:

-نگارش مقالات کوتاه (در حدود سه تا پنج صفحه)

-نقد هفتگی مقالات علمی که از انواع پژوهش‌ها انتخاب می‌شود.

-تمرین جهت آمادگی نگارش طرح نامه های پژوهشی

انشاء الله روزی فرارسد که پژوهش‌های اصیل در حوزه و دانشگاه احیا شوند و شاهد ظهور بزرگانی دیگر در عرصه های علوم انسانی و الهی باشیم. والْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهـذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ ... وَ ما تَوْفِیقِی إِلَّا بِاللَّهِ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ أُنِیبُ.

**کامیار صداقت ثمرحسینی**[1]

**عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**

**مهر ۱۳۹۳**

---

۱ kamyarsedaghat@gmail.com

# فصل اول
# شخصیت پژوهشگر

پژوهش پیش از آن که یک «فن» باشد، یک فرهنگ است. به کارگیری فنون پیشرفتهٔ پژوهش، بدون داشتن شخصیت و پی ریزی فرهنگ محکمی، برکت و ثَمری ماندگار ندارد. باهر شیوهٔ زندگی نمی توان به مراتب بالای علمی دست یافت. تولید علم بدون زحمت نیست و شخصی حاضر به قبول این زحمت می شود که به ارزش کسب آن ایمان داشته باشد. بسیاری از دانشمندان اسلامی نظیر مرحوم علامه عبدالحسین امینی، آیت‌الله شیخ جواد بلاغی نجفی، مرحوم آیت الله علامه حاج شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ – ۱۳۴۸ شمسی) و ... که فخر اسلام بودند و علوم و مؤلفاتشان جهان دانش را روشن کرد، در اوج سختی به کمالات عالی علمی و معنوی نائل شدند. البته باید مشکلات مالی پژوهشگر تا سطح قابل‌قبولی بر طرف شود، امّا نباید ارزش‌های پژوهشگری قربانی آن شود. نمی‌توان پژوهش را از طریق حفظ کردن پاره‌ای از قواعد آموخت. پژوهش تنها با «عمل کردن» به اصول تحقیق و در وهلهٔ اول رعایت فرهنگ آن ممکن می‌شود. ممکن است شخصی قواعد پرسشگری را خوب بشناسد، امّا تا به صورت عملی خود را درگیر پرسیدن و مهم تر از آن، توجه به «از چه پرسیدن» نکند، طبعاً معرفتی نیز برای او مطرح نخواهد بود. با توجه به آنچه بیان شد، در این بخش به اختصار به برخی از عوامل مهم در شکل گیری شخصیت یک پژوهشگر اشاره می‌شود:

## ۱. داشتن اهدافی والا

اقتضای فعالیت در علوم دینی پاکی دل و نیت صادقانه است. علمای دین همواره تاکید کرده اند که درس و بحث باید لله باشد: «قُلْ إنَّ صَلَاتِی وَ نُسُکِی و مَحْیَایَ وَ مَمَاتِی لله

رَبِّ العَلَمِیَن» (قرآن مجید، انعام: ۱۶۲)

علم بهر کمال باید خواند

نه به سودای مال باید خواند (اوحدی)

عالمان بزرگ جهان اسلام برای رسیدن به سطوح عالی سختی‌های بسیاری را تحمل کردند. هدف اصلی آنان احیای اسلام بود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

قال صلی‌الله علیه و آله و سلم: مَن جاءَه المَوتُ وَ هُوَ یَطلُبُ العِلْمَ لِیُحیی بِهِ الإسلامَ کانَ بَیْنَهُ و بَیْنَ الأنبیاءِ دَرَجَةٌ واحِدَةٌ فی الجَنَّةِ.

کسی که مرگ او را دریابد درحالی‌که در طلب علم و دانش است **تا بتواند اسلام را زنده کند**، در بهشت تنها یک درجه با پیامبران فاصله دارد. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۲ / ۷۰۰)

گزارش مرحوم علامه محمدتقی جعفری (۱۳۰۲ – ۱۳۷۷) در وصف زندگی خود در زمان تحصیلش در نجف اشرف شگفت‌آور است. او گاه تا پنج، شش روز غذایی برای خوردن نداشت، در یک مورد از شدت گرسنگی از حال رفت و گاه دو تا سه ساعت در روز کار یدی می کرد و با این حال اشاره دارد که شوق به فراگیری علم، سختی ها را آسان و قابل‌تحمل می‌کرد: (جعفری، ۱۳۷۷: ۷)

رنج راحت شد، چو شد مطلب بزرگ

گرد گله توتیای چشم گرگ (شیخ بهایی)

موفقیت آنان بدین دلیل بود که نیتی پاک و الهی از پژوهش ارائه داده بودند و از «ظاهرسازی» سخت اجتناب می‌کردند. پیشوایان دینی معیارهای دقیقی برای تمییز عمل حقیقی از عمل ریایی و ظاهرسازی ارائه داده‌اند:

ثلاث علامات للمُرائی: یَنشطُ إذا رأی الناس و یَکسَلُ إذا کانَ وَحدَه و یُحِبُّ أن یُحمَدَه فی جمیع أُموره

نشانه های ریاکار سه چیز است: نشاط او در مقابل دیدگان مردمان و کسالت او در زمان تنهایی و اینکه دلش خواهان تعریف و تمجید مردمان در همه امور است. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۶۵۴/۱)

همچنین توسل به خاندان پاک پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم یکی از برجسته‌ترین مشخصه‌های فرهنگی پژوهشگران شیعی است. زندگی تمامی دانشمندان برجستهٔ شیعی مملو از شور و شوقی عظیم به این خاندان بزرگوار است.

نیز عالمان شیعه علاوه بر ایمان راسخ به اهدافشان، در پژوهش های خـود نیـز کـاملاً هدفمند ظاهرشده اند. برای مثال، آقابزرگ تهرانـی بـا نگـارش «الذریعـهٔ إلـی تصـانیف الشیعهٔ» که دائرهٔ المعارف بزرگ کتاب شناسی شیعه است، کوشید تا حضور علمای شـیعی را در سراسر تاریخ اسلام نشان داد آن اثر پاسخی بود به کسـانی کـه شـیعه را مـتهم بـه نداشتن دانشمندان و تألیفات و منابع علمی می کردند. علامه سید محمدحسین طباطبـایی با تفسیر المیزان کوشید تا تفسیر نویسی بر پایهٔ مـنهج اهـل بیـت علیهم السلام را در روزگـار معاصر احیا کند. آیت‌الله محمدهادی معرفت با تمرکز موضـوعات تحقیـق خـود در حـوزهٔ تفسیر و علوم قرآن کوشید تا مطالعات علوم قرآنی در حوزه را رونقی دوباره بخشد. علامـه مصطفوی با نگارش کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» کوشش کرد تا افق های جدیـدی در دلالت‌های مفهومی الفاظ قرآن ارائه کند. او نشان داد که الفـاظ قـرآن معـانی مجـازی ندارند و معانی همهٔ آن‌ها بر پایهٔ دلالت‌های حقیقی استوار هستند.

علامه عبدالحسین امینی در کتاب «الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب» عـلاوه بـر احیای میراث مکتوب الغدیر، در مباحث ادبی آن کتاب نشـان دادنـد کـه فهـم شـاعران و ادیبان بزرگ اسلامی از واژهٔ مولی در حدیث غدیر، سرپرستی و زعامت جامعه بوده اسـت. او این مسئله را در بسامد میراث غدیر قرن به قرن نشان می‌دهد.

نیت و انگیزهٔ خیر از انجـام پـژوهش، اولـین مشخصـهٔ یـک پژوهشـگر خـوب اسـت. پژوهشگر خوب در پی حل مشکلی از مشکلات جامعـه و کـاهش دردهـا و مصـائب آن و افزودن بر رفاه و سلامت اعضای جامعه‌اش است؛ بنابراین دغدغه‌های بزرگی دارد مانند:

- ایجاد امکاناتی بهتر برای آموزش کودکان،
- تحقیق برای زدودن افکار خرافی از جامعه،
- تحقیق برای گسترش امکانات وحدت اسلامی و ...

پژوهشگر خوب می داند به دنبال چیست؟ کسی که بدون داشتن پرسشـی روشـن، بـه جمع آوری داده های تحقیق می پردازد، ممکـن اسـت روزی تـا شـانزده سـاعت یادداشـت بنویسد. امّا از آنجا که کارش جهت مشخصی ندارد، هدف و نتیجه مشخصی هم نخواهـد داشت.

**بیندیشیم**

- چه اهدافی از تحصیل داریم؟
- چه کسانی الگوی ما هستند؟
- پایبند به چه اصولی در پژوهش هستیم؟

## ۲. موفقیت در گرو خودشناسی

موفقیت یک پژوهشگر در گرو خودشناسی است. دانشجوی موفق کسی است که می‌کوشد تا بر نقاط قوت و ضعف خودآگاهی یابد و از تجربه‌ها درس بگیرد؛ نه آنکه دائماً یک اشتباه را بارها و بارها تکرار کند. برای مثال، یکی از جنبه‌های خودشناسی، شناخت پیش‌فرض‌های مورد قبول خویش است. پیش‌فرض‌ها اصول و پایه‌های کلی‌ای هستند که جریان شناخت را متأثر از خود می کنند. محقق باید نسبت به آنچه در پژوهش خود، بدیهی و از پیش مسلم و قطعی می‌داند، آگاه باشد. او هر چه پیش‌فرض‌های مورد پذیرش خود را بهتر بشناسد، محتاط‌تر گام بر می‌دارد و منظم‌تر عمل می‌کند؛ زیرا پایبند اصولی است که پیش از تحقیق بدان آگاهی داشته است. برای مثال، پیش‌فرض‌های تفسیر در بیان مرحوم آیت‌الله عمید زنجانی عبارت‌اند از:

۱. قرآن کلام خداست.
۲. متن قرآن معجزه است.
۳. قرآن شمولیت و جاودانگی دارد.
۴. قرآن دارای خلاقیت است.
۵. برای معضلات انسان و جامعه در قرآن پاسخ و راه‌حل موجود است.
۶. قرآن موجب تأسیس شریعت است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۰ – ۲۳)

محقق با شناخت پیش فرض های خود، در واقع شرایط فکری حاکم بر خویش را به صورت روشنی ترسیم می‌کند. البته برخی پیش‌فرض‌ها به بدیهیات عمومی میان مسلمانان مبدل شده‌اند و برخی دیگر از آن‌ها محدودتر یا شخصی‌ترند. ممکن است پیش‌فرض (امر مسلم) یک نفر در نظر دیگران فرضیه یا همان امر محتمل، باشد. شخصی که با پیش‌فرض «صامت بودن» قرآن کریم وارد حوزهٔ تفسیر کلام الهی می شود، بسیار

متفاوت از مفسرانی برجسته چون علامه طباطبایی (ره) می اندیشد که قرآن را کلامی ناطق می‌دانند که برخی آیات آن مفسر برخی دیگرند. باید در قبال پیش‌فرض‌های خود آگاه بود؛ چرا که آن‌ها در موارد بسیاری بر جهت‌گیری کلی پژوهش، تأثیر قاطعی دارند.

همچنین پژوهشگر زمانی موفق است که شناخت مطلوبی از توانایی‌های خود داشته باشد و بر پایهٔ آن شناخت، به توسعهٔ توانایی هایش بپردازد. در انتخاب حوزهٔ فعالیت ها، باید به توانایی‌ها و محدودیت‌های خود توجه کرد و حوزهٔ توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را توسعه داد؛ امّا فراتر از آن کاری نکرد. محدودهٔ تحقیق بر پایهٔ محدودیت های فرا روی پژوهشگر ترسیم می‌شود. معمولاً پژوهش‌هایی که بیش از اندازه، گسترده و یا محدود هستند، نتایج مطلوبی ندارند. تعیین محدودهٔ پژوهش بدون تعریف و توجه به محدودیت‌های پژوهشگر امکان‌پذیر نیست. در اینجا خودشناسی کمک می‌کند تا محقق محدودهٔ پژوهش مناسب‌تری انتخاب کند. در این زمینه توجه به پرسش‌های زیر سودمند است:

- آیا دارای زمان کافی در امر پژوهش هستم؟
- آیا به کتاب‌های «لازم» برای پژوهش دسترسی دارم؟
- آیا قادر به ایجاد و مدیریت گروهی برای پژوهش هستم؟
- آیا مسلط به زبان مورد نیاز پژوهش هستم؟
- آیا امکانات مالی متناسب با موضوع انتخابی خود را دارم؟ و ...

خانم دکتر طاهره صفار زاده در کتاب خود با عنوان «ترجمهٔ مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی)» نشان می دهد که به صورتی هدفمند و مستمر، مطالعات قرآنی خود را با علاقه‌ای درونی دنبال کرده است. او به نکات بسیار آموزنده‌ای اشاره دارد:

> سعی من در تألیف این کتاب معرفی اهمیت شناخت اسماءالحسنی و دیگر مفاهیم بنیادی قرآن مجید بوده است. زیرا در هیچ‌یک از آثار پیشینیان و معاصران کوششی به مقصد شناساندن ارتباط اسماء الهی با آیات قرآن نیافتم ... سرمایهٔ اصلی من در این سیر و سفر علمی که رد پایی برای اطاعت و دنبال کردن در پیش روی خود نمی دیدم، توکل به خداوند دانای توانا و اتکا به الهامات الهی بود. ابزار کار عبارت بودند از حدود سی سال مطالعهٔ مشتاقانه و پژوهشگرانه توأم با یادداشت‌برداری از تفاسیر کشف الأسرار، ابوالفتوح، مجمع البیان، مواهب علیه، منهج الصادقین، طبری، سورآبادی، نسفی، کمبریج، المیزان، نمونه و آثار مفسران و مترجمان معاصر ... ابزار مؤثر دیگر در تألیف این کتاب و ترجمهٔ قرآن به دو زبان این ها بودند: بیش از چهل سال کار با قلم همراه با

پژوهیدن و تمرین برای کاربرد واژه در شعر و نثر، حدود چهل سال آشنایی با زبان انگلیسی از تحصیل دانشگاهی تا تدریس دانشگاهی به ویژه نوزده سال تدریس نقد عملی ترجمه در دانشگاه‌های کشور و نیز دوازده سال ویراستاری کتاب‌های علمی به زبان انگلیسی. ... (صفار زاده، ۱۳۸۰: ۱۳-۱۴)

متن فوق نشان از علاقهٔ نویسنده و تناسب اثرش با تخصص و علاقه‌اش دارد. نیز نشان از برنامه‌ریزی طولانی مدت محقق جهت فعالیت در یک حوزهٔ مطالعاتی دارد.

همچنین پژوهشگر خوب توجه ویژه‌ای به شیوهٔ زندگی‌اش دارد. برای مثال، نمی‌توان بدون دارا بودن برنامهٔ منظم و هدفمند مطالعاتی خود را پژوهشگر خواند. نمی توان بدون استمرار در یادگیری، «ملکهٔ پژوهش» را در خود محقق کرد. استمرار در مطالعه سنخیتی با تحمیل مطالعهٔ بیش از حد بر خود که نقش مخربی بر روحیهٔ پژوهشگر دارد، ندارد. نمی توان با روزی پنج ساعت تماشای فیلم و برنامهٔ تلویزیونی خود را دانشجو نامید. متأسفانه توان عظیمی از نیروی اندیشهٔ نسل جوان کشور، در پای بسیاری از برنامه های بی‌محتوای تلویزیون و بازی‌های رایانه‌ای از میان می‌رود. در مباحث کلاسی در سال ۱۳۸۳، برخی از دانشجویان اشاره کردند که روزانه بین سه تا شش ساعت از اوقات خود را در پای تلویزیون مصرف می کنند. بدیهی است که با چنین شیوه‌ای نمی‌توان امید به آینده‌ای درخشان داشت.

همچنین اصلاح معاشرت‌ها و ارتقای سطح دوستان، یکی از عوامل مهم موفقیت چه در نظام حوزوی و یا دانشگاهی است. آیا باهر نوع معاشرتی می توان امید به پیشرفت علمی خود داشت؟ رسول خدا (ص) فرمودند:

المَرْء علی دین من یجالس، فلیَتَّقِ اللهَ المَرْءُ وَلْیَنْظُرْ مَنْ یُجالِسُ

انسان بر دین هم نشین است؛ پس باید از خدا بترسد و بیندیشد که با چه کسانی نشست‌وبرخاست می‌کند. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱/ ۴۰۴)

و حضرتش (صلی‌الله علیه‌وآله و سلم) یکی از ویژگی‌های عالمی را که باید در مجالس آنان نشست، «رهنمون سازی افراد از شک به یقین» می‌داند. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱ / ۲۸ او به نقل از البحار، ۱ / ۲۰۵، ر ۲۸)

همنشین تو از تو بِهْ باشد
تا تو را عقل و دین بیفزاید.

برخی از ویژگی‌های یک محقق خوب عبارت‌اند از:

حق‌جویی،
امانت‌داری،
جدیت و پشتکار،
تواضع (بدون مبالغه)،
قبول اشتباه،
عدم تحقیر دیگران و ...

**بیندیشیم**

- من به عنوان یک پژوهشگر چه کسی هستم؟
- من متأثر از چه پیش‌فرض‌هایی هستم؟ این پیش‌فرض‌ها موجب شکل‌گیری چه نوع جهت‌گیری‌هایی می‌شود؟

## ۳. روحیه نقادی و انتقادپذیری

مرحوم آیت‌الله معرفت (ره) به درستی اشاره کرده است که «قداست تنها مخصوص اقوال معصومان علیهم‌السلام است؛ امّا اقوال بزرگان احترام دارد نه قداست و تجلی احترام آنان به نقد و بررسی نظریاتشان است و نه پذیرش تعبدی آن‌ها»؛ بنابراین نباید مقهور نام افراد شد. هدف از نقد علمی بیان «نقاط ضعف» و «نقاط قوت» یک اثر است. نقدی که توأم با اخلاق علمی باشد، موجب می شود تا محقق مقهور نام دانشمندان نشود و عادت به بررسی منابع و مدارک و شیوهٔ هر استدلالی کند. نویسنده بارها با افرادی در کسوت استاد و محقق مواجه شده است که حتی تاب شنیدن این عبارت ساده را که «نظرشان مورد بررسی قرار خواهد گرفت»، نداشتند. باید از چنین فرهنگی فاصله گرفت و از آن الگو نگرفت. یک محقق خوب از واکنش‌های شتاب‌زده پرهیز می‌کند. تحمل خواندن و شنیدن نظرات و عقاید مخالف نظر خود را دارد. برای مثال، اگر فردی (باهر نیتی) نظری نادرست نسبت به اسلام بیان کند، بهترین پاسخ، انجام پژوهش کافی دربارهٔ موضوع و انتشار آن در فضای دانشگاهی است. ممکن است که پاسخ شتاب‌زده و توأم با عصبانیت، بازتابی منفی داشته باشد و حتی به اشاعهٔ آن دیدگاه نادرست بینجامد. از زمرهٔ وظایف هر محققی، ارائهٔ

راه‌حل‌ها و اصلاح نظریات نادرست است. به جای عصبانیت و واکنش‌های احساسی به راه‌حل‌های مسئله باید اندیشید و توان خود را در مسیر کمک به حل مشکلات علمی و رسیدن به حقیقت به کار گرفت.

## ۴. ارتقای مستمر سطح خواندن و نوشتن

نباید وقت خود را به مطالعهٔ هر اثری اختصاص داد. به فراخور نیاز پژوهشی، همواره باید ارتباط خود را با منابع مرجع و اصلی حفظ کرد. مطالعهٔ آثار برجسته، موجب ارتقای خواننده می شود. همچنین، مطالعه باید آگاهانه و هدفمند یعنی برای پاسخ دادن به پرسشی و یا حل موضوعی باشد.

کسب مهارت در نگارش و نویسندگی، نیازمند تمرین «نوشتن» است. بدون تجربهٔ نوشتن و درس‌های عملی آن، نباید انتظار موفقیت داشت. دانشجو باید کار خود را با نگارش مقالاتی کم حجم (حداکثر تا پنج صفحه) شروع کند و بکوشد با طرح پرسشی مشخص، پاسخ را با ارائهٔ دلایل و مدارک متقن پاسخ دهد. به تدریج، علاوه بر ایجاد ملکهٔ پژوهش، نحوهٔ جمله‌بندی‌ها با تأثیرپذیری از متونی شایسته، پخته و استوار می‌شود. مستندسازی پژوهش، (ذکر دقیق منابع در زیرنویس) به اعتبار پژوهش می‌افزاید.

متن نوشتهٔ خود را با معیارهای فرهنگستان زبان فارسی مطابقت دهید. رعایت قواعد دستور خط فارسی و نیز واژه‌های مصوب «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» در نگارش پایان‌نامه الزامی است. در این زمینه، وب‌گاه فرهنگستان زبان فارسی قواعد دستور زبان فارسی و نیز واژه‌های مصوب خود را به نشانی زیر قرار داده است:

- **دستور خط فارسی**

http://www.persianacademy.ir/fa/das.aspx

- **واژه‌های مصوّب فرهنگستان زبان و ادب فارسی**

http://www.persianacademy.ir/fa/wordspdf.aspx

نیز حتماً پس از تایپ مقاله یا پایان‌نامه خود، آن را با نرم‌افزار ویراستار که افزونه‌ای برای مایکروسافت وُرد است، مورد بازبینی مجدد قرار دهید. از قابلیت های ویراستیار می‌توان به اصلاح خطاهای املایی، اشتباهات ویرایشی و نشانه‌گذاری و نیز استانداردسازی متون فارسی اشاره کرد. این نرم‌افزار را می توان از سایت آن که متعلق به

(دبیرخانه شورای عالی اطلاع رسانی – شورای عالی انقلاب فرهنگی) است، به رایگان دریافت کرد. (آخرین شماره ویرایش آن در نیمهٔ سال ۱۳۹۲ (۲. ۵. ۴) بود.)

- **نرم‌افزار ویراستار**

http://www.virastyar.ir/

متن نگاشته شدهٔ خود را باید چندین بار خواند و آن را به دوستانِ هم رشته و علاقمند به موضوع نشان داد. آیا آنان نیز همان برداشت نویسنده را از نوشته دارند؟ آیا نویسنده در «انتقال» موضوع به مخاطبان خود خوب عمل کرده است؟ اولین ویرایش متن را نباید آخرین آن دانست. داناترین مردمان، در صورتی که قادر به انتقال علم و آگاهی‌شان نباشند، نمی‌توانند بهره‌ای از علمشان نصیب جامعه کنند.

سخن باید که چون از کام شاعر
بیاید، در جهان گردد مسافر
نه زان گونه که در خانه بماند
به جز قائل مر او را کس نخواند. (فخرالدین اسعد گرگانی)

هیچ محققی بی‌نیاز از مشورت با اهل فن نیست. در موارد بسیاری نویسنده نمی‌تواند خود ایرادات پژوهش را دریابد، امّا افراد مطلع قادر به مشاهدهٔ خطاهای او هستند. مشورت موجب می شود تا افق های جدیدی برای پژوهشگر گشوده شوند. پس اجازه دهیم تا افراد مطلع به انتقاد از کارهای ما بپردازند.[1]

تجربه‌ای که در نوشتن توأم بافکر کردن کسب می‌شود بسیار ارزشمند است. برای تمرین، خوب است دفتری تهیه شود و با ذکر تاریخ و مشخصات کامل منبع، هر نکتهٔ ارزشمندی را که از تجربیات عملی زندگی و یا مطالعات خود به دست می‌آید، یادداشت کرد. مسایل بسیار زیادی موجود است که می توانند موضوع تمرین دانشجویان شوند و تجربه ای بر تجربیات آنان بیفزایند. نوشتن باید آگاهانه و هدفمند باشد. قاعدهٔ سادهٔ زیر را که غالباً در لابه‌لای وصله‌پینه‌های نقل‌قول‌های حجم افزا به فراموشی سپرد می‌شود،

---

۱. «ترز ال بیکر» افراد مطلع را سه‌دسته می‌داند: ۱. محققان ذی‌ربط که موضوع مشابهی را مطالعه کرده‌اند. ۲. خودی‌ها، افراد محیطی که مورد تحقیق هستند. ۳. دوستان روشنفکر، افرادی که در میان گذاشتن طرح واندیشه‌هایتان با آنها پر بار است. (بیکر: ۱۳۷۷: ۱۰۷ – ۱۰۸)

همواره باید به خاطر داشت: «اول تحقیق، سپس نگارش آن» بدون انجام تحقیق، چیـزی برای ارائه وجود ندارد.

**بیندیشیم**

باید عادت کرد تا هیچ مقاله‌ای را بدون تجزیه و تحلیل رها نکرد و دربـاره موضـوعات مهم با دوستان علاقمند مباحثه و تبادل نظر کرد. به عنوان یک تمرین عملی، مقالـه‌ای را که پیش‌تر خوانده‌اید، این بار با پاسخ دادن به پرسش‌های زیر بخوانیـد: (ایـن کـار را بایـد دائماً تکرار کرد.)

الف- هدف نویسنده از نگارش اثر خود چه بوده است؟ چه پرسشی برای او مطـرح بوده است.

ب- نویسنده چه پاسخی به مشکل معرفتی‌اش می‌دهد؟

ج- نحوهٔ استدلال و دلایل او چیست؟

آیا تا کنون نوشتهٔ خود را به منظور شناخت شخصیت خود مورد تحلیل قـرار داده ایـد؟ می‌توان با طرح این پرسش که «سبک و شیوهٔ نگارش من چیست؟»، نوشـته‌هـای قبلـی خود را مروری دوباره کرد. نوشتهٔ ما تا حدودی نشان‌دهنده شخصیت ما است.

## ۵. رعایت اعتدال در زندگی

پژوهیدن بخشی از زندگی محقق است که باید بدون هرگونه افراط و تفریط، هماهنگ با سایر جوانب زندگی محقق شود. نباید بیش از اندازه به خود فشار آورد و از سـوی دیگـر نباید اوقات خود را به بطالت سپری کرد. مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی سید شهاب‌الـدین مرعشی نجفی (ره) (۱۲۷۶ – ۱۳۶۹ ش) که تمام زندگی‌اش وقف علوم آل محمد (ص) شـد، در وصیت‌نامه خویش چنین سفارش می‌کند:

> و سفارش می کنم او را به: دوری جستن از بیکـاری و بطالـت و صـرف عمـر عزیـز در چیزهایی که نفعی ندارد. پس روایت شده است که: «إن الله تعالی شأنه یـبغض الشّـاب الفارغ (مرعشی نجفی، ۱۳۷۰: ۱۶)
>
> غافل منشین نه وقت بازی است
> وقت هنر است و سرفرازی است

دانش طلب و بزرگی آموز
تا به نگرند روزت از روز
چون شیر به خود سپه شکن باش
فرزند خصال خویشتن باش (نظامی)

مطالعه بدون به کارگیری روشی معتدل، پایدار نخواهد ماند. تحمیل فشار بیش از حد به خود، گاه موجب خستگی و دل‌زدگی از کار می شود که آفت خطرناکی برای ادامه و استمرار تحقیق است؛ پس باید همواره نشاط مطالعه را در خود تقویت کرد و از تهیهٔ برنامه های صوری و غیرقابل اجرا پرهیز کرد. خوب کار کردن در مقابل «پرکاری بیش از حد» است. بااحساس خستگی باید دست از کار کشید و پس از استراحت بار دیگر بر پژوهش و فعالیت خود متمرکز شد.

**بیندیشیم**

چند ساعت در روز را به مطالعه و پژوهش اختصاص داده ایم؟ چه میزان از آن بر اساس هدفی مشخص و پاسخ دادن به مشکلی اساسی بوده است؟

## ۶. ضرورت استمرار در کار

استمرار در کار، لازمهٔ فعالیت هر پژوهشگری است. از طریق استمرار می توان صفات خوب (مانند عادت به خوب پرسیدن، نقادی و روحیهٔ نقدپذیری و ...) را تبدیل به ملکه (صفت راسخ و استوار) کرد. پژوهشگر خوب دائماً از این شاخه به آن شاخه نمی‌پرد. در روایت است که حضرت امام باقر [علیه‌السلام] فرمودند:

أحب الأعمال إلی الله عز وَجَلَّ ما دام علیه العبد و إن قَلَّ
نزدیک ترین اعمال نزد خدای باعزت و جمال، اعمالی است که بنده بر آن مداومت کند؛ هرچند کم باشد. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۲ / ۷۷)

علم بی حلم، شمع بی‌نور است
هر دو باهم چو شهد زنبور است. (سنایی)

متأسفانه در مواردی، زندگی اداری دانشگاهی بر زندگی علمی افراد سیطره می یابد. هدف از روابط اداری دانشگاه یاری محقق جهت پیشبرد تحقیقش است؛ نه آنکه زندگی

علمی تنها محدود به شرایط و محیط اداری شود. برای مثال، سه ماه تابستان و یا تعطیلات مربوط به آغاز سال خورشیدی از لحاظ اداری تعطیل است؛ امّا این به معنای تعطیل شدن فکر و به کنار نهادن پرسشگری نیست. اگر باهر تعطیلی در اداره، زندگی علمی نیز تعطیل شود، باید در اصالت هدف و کار تردید کرد.

## ۷. شاگردی اساتید بزرگ

ما معمولاً در جریان تحصیل خویش، درس ده‌ها استاد مختلف را تجربه می کنیم، امّا باکمی تأمل در می یابیم که تنها متأثر از معدودی از ایشان (شاید کمتر از انگشتان یک دست) بوده ایم. در واقع در برخی از دروس صرفاً شاگردی رسمی بر اساس مقررات اداری مراکز علمی بوده و در برخی دیگر، شاگرد راه و روش زندگی بزرگانی می شویم که شاید حتی مسیر زندگی و مبدأ میل ما را به کلی عوض کنند. تا جای ممکن باید کوشید تا آشنایی بی‌واسطه‌ای با این گروه از اساتید پیدا کرد.

معنای احترام به اساتید و بزرگان آن نیست که هرچه آنان گفته‌اند حتماً بی کم‌وکاست باید قبول کرد. هدف از تحصیلات دانشگاهی و حوزوی این است که در نهایت بتوان با محوریت حق جویی نظرات مختلف را بررسی و نقد کرد. دانشجویی که تصور می کند باید تابع محض اساتید (ولو اساتید اداری) باشد و یا استادی که بررسی دیدگاهش توسط دانشجویانش را بی احترامی به خود می پندارد، اصالت ندارند و هردو مردودند. فرق است میان کسی که شاگرد پروری می‌کند باکسی که با سوءاستفاده از نام مقدس معلم و استاد، در پی دکان بازی و خود پروری است. باید جانب ادب را نگاه داشت، اما باید تنها و تنها مطیع حق و حقیقت بود.

## ۸. فعالیت عملی

فعالیت عملی در زمینهٔ کاری خود، احتمال موفقیت را بالا می برد. برخی از زمینه هایی که می‌توان در آن‌ها فعالیت کرد، عبارت‌اند از:

– مجالس و نشست‌های علمی سطح بالا را پیدا کرد و حتی‌الامکان در آن شرکت کرد.

– مراکز و پژوهشکده ها و مجلات تخصصی موجود در رشتهٔ خود را یافت و در مـورد زمینه‌های همکاری با آن‌ها تحقیق کرد.

– با راهنمایی اساتید (بر پایهٔ انتخـابی صـحیح) و بـا کمـک دوسـتانتان مبـادرت بـه فعالیت‌های گروهی علمی در دانشگاه یا حوزه کرد.

**بیندیشیم**

فعالیت‌های عملی خود را (اعم از همکاری با مجلات، شرکت در نشست‌ها، حلقه‌هـای علمی و ...) در رشتهٔ تحصیلی‌تان بشمارید. چه برنامه‌ها و اندیشه‌هایی برای آینده دارید؟

## گفتاری از مرحوم علامه استاد جلال‌الدین همایی

در خاتمه این بخش مناسب است تـا گفتـاری از اسـتاد جـلال‌الـدین همـایی در بـاب سرقات ادبی نقل شود که درس‌های بسیاری در آن موجود است.

> نو کردن جامهٔ انشاء و تغییر نام کتاب
>
> یکی از انواع سرقت ها که در قدیم هم معمول بوده و در ایّام ما نیز مابین اشخاص تنک مایه؛ که آرزوی نشر چیزی تازه دارند رواج یافته، این است که نتیجهٔ یک عمر زحمت و رنج کسی را می‌گیرند و جامه انشاء دیگر در آن می‌پوشانند و بـدون اینکـه حـق مؤلـف سابق را شناخته و گزارده و از وی نام‌برده باشند، آن را تألیف تازهٔ خود قلمداد می کننـد. این عمل هرگاه با تغییر موضوع همراه باشد، مشمول همـین سـرقت نقـل اسـت؛ و در صورتی که تحت همان موضوع مؤلف باشد، جزو سلخ و المام[1] است و اگـر دسـتبرد بـه

۱. سلخ در اصل به معنی پوست باز کردن و المام: به معنی قصد کردن و نزدیک‌شدن به چیـزی اسـت و در اصطلاح آن است که فکر و مضمون نظم یا نثری را از دیگری بگیرند و آن را در قالب عبارتی دیگری بریزند،، بدون اینکه موضوع آن را تغییر داده باشند؛ چنانکه مثلاً کتابی را که به سبک خود مؤلـف نوشـته شده است، با یوهٔ انشاء دیگر بنویسند و بدون اینکه نامی از مؤلف اصل برده باشند، اصل آن تـألیف را بـه خود نسبت دهند، این عمل جزو دزدی و خیانت فاحش است. اما هرگاه قصد تحریر و تنقیح داشته باشند، و مثلاً کتاب مشکل قدیم را به نثر فصیح سادهٔ قابل فهم امروز تبدیل کنند، خود صـنعتی بـدیع و هنـری ارزنده است، به‌شرط اینکه حق مؤلف اصل را فراموش نکرده باشند و بگویند که اصل کتـاب از کیسـت و ما در آن چه تغییری داده و چه تصرفی کرده‌ایم. (همایی، ۱۳۸۹: ۳۶۳)

عین عبارت هم زده باشد، داخل مسخ و اغاره [۱] می شود؛ و در هر حال نوعی از «سرقت ادبی» است.

۵. شیادی و دغل‌کاری یا دزدی بی برگه و بی‌نام و نشان.

همان سرقت مدارک و مآخذ تحقیقی فضلا و دانشمندان است که در آغاز فصل سرقات ادبی بدان اشاره کردیم و تفضیلی را که در آنجا وعده دادیم بدین قرار است که: شخص دانشمند محقق زحمتکش چه‌بسا که ماه‌ها و سال‌ها، رنج تتبع و تصفح می‌برد و سرگشته و سراسیمه از این کتاب به آن کتاب و از این کتابخانه به آن کتابخانه می دود تا مطلبی تازه به چنگ می‌آورد و آن را در کتابی یا مقاله‌ای می‌نویسد و برای اینکه نوشتهٔ خود را مستند و مستدل کرده باشد، مأخذ و سند نوشتهٔ خود را هم در حاشیه غالباً با ذکر صفحه و دیگر خصوصیات نسخه، به دست می‌دهد، غافل از اینکه وسیلهٔ دزدی بی برگه و بی‌نام و نشان به دست سارقان شیادتر دست ادبی داده است که نوشتهٔ او را انتحال می کنند و به جای اینکه از مؤلف کتاب و نویسندهٔ مقاله نام ببرند، مآخذ او را سند کار خود قرار می دهند، با اینکه، شاید در تمام عمر خود، اصلاً آن مآخذ را ندیده و نخوانده باشند. بر فرض هم که ببینند، از عهده فهم آن بر نمی‌آیند.

چنانکه من خود یکی از این جماعت را دیدم که «شفای» ابوعلی سینا را سند نوشتهٔ خود قلمداد کرده بود و در برخورد با وی معلوم شد که اصلاً در عمر خود کتاب «شفا» را ندیده است و آن را از افسانهٔ «امیر ارسلان» و «سه تفنگدار» امتیاز نمی‌دهد.

و پاره‌ای از این جماعت گستاخی را چنان وانمود می‌کنند که اصلاً آن سند و مأخذ را پیش از مؤلف دیده بوده‌اند و حال آنکه شاید ابداً آن مأخذ را ندیده باشند و حدود معلومات و تتبعات و وضع کار ایشان هرگز مناسب با آن دعوی نباشد.

و گاه هست که نوکاری نوآموز، برای اینکه اهمیت و اعتبار به نوشته‌های خود داده باشد، کتب مهمی را از قبیل همان شفای ابوعلی و اسفار ملاصدرا یا در ریاضیات قدیم، امثال تحریر مجسطی و تحفهٔ شاهی قطب‌الدین شیرازی و شرح تذکرهٔ بیرجندی را جزو مآخذ خود ثبت می‌کند درحالی‌که آن کتاب‌ها را اصلاً ندیده و نخوانده و از عهدهٔ فهمش نیز خارج است. (همایی، ۱۳۸۹: ۳۶۹-۳۷۱)

مرحوم همایی در باب خیانت و سرقت در ترجمه نیز سخنی بسیار مهم دارد که باید مورد توجه هر دانشجو و محققی قرار گیرد:

---

۱. مسخ یعنی تغییر صورت دادن چیری را از گونه‌یی به گونهٔ دیگر بدل کردن و اغاره به معنای غارت کردن در اصطلاح آن است که اثر دیگری را از لفظ و معنی بردارند و در آن به تقدیم و تأخیر کلمات و بسط عبارات، یا نقل کردن به مرادفات و امثال این امور، تصرف کنند. (همان: ۳۶۱)

خیانت و سرقت در ترجمه

ترجمهٔ اشعار و متون عربی و زبان های دیگر به فارسی فصیح؛ و همچنین از فارسی بـه زبان‌های دیگر، هنری بس عالی و زیبنده و ارزنده است، به شرط اینکه: اولاً ترجمهٔ تـامّ و تمام بدون حذف و اسقاط باشد؛ و اگر مصلحتی در انداختن جمله و عبارتی بوده است؛ یا قصد تلخیص و اختصار داشته‌اند، آن را صریح و واضح اعـلام کننـد. ثانیـاً: امانـت در نقل و حفظ نام و شئون مؤلف اصل را مراعات کنند.

اما عملی که مابین پاره‌ای از مردم بی‌مایه شیّاد زمان ما اعمّ از فارسی و عربی و غیـره، معمول است که کتب و رسایل و مقالات علمی و ادبی دیگران را از زبانی به زبان دیگر برمی گردانند و بدون گزاردن حق نویسندهٔ اصل، آن را جزو مؤلفات مستقل خود به خرج می دهند، سرقت فاحش و مورد حکم الهی «السارق و السارقهٔ فاقطعوا ایـدیهما» اسـت، چیزی که هست می‌توان قطع ید را در این موارد بر بریدن دست و جارحه و اندام ظاهر؛ حمل نکنند؛ یعنی نه چنان باشد که اگر مثل دزدان اموال، در دزدی اول چهـار انگشـت پنجهٔ دست راست او را قطع کردی، با باقیماندهٔ انگشت دست راست و تمام دست چپ، همان دزدی را تکرار کند، بلکه بریدن دست را اینجا شاید به «قطع ید» معنـوی تأویـل کنند؛ یعنی چنان کنند که دزدان ادبی برای همیشـه دسـت از ایـن عمـل زشـت قبـیح بردارند؛ و دستشان از این قبیل کارها بریده شود. (همان: ۳۸۱-۳۸۲)

# فصل دوم
# علم و روش علمی

علم در لغت به معنای وضع یا کیفیت دانستن و دانایی در برابر نادانی یا آگاهی نادرست است. برای مثال، گفته می شود که بدون علم نباید دربارهٔ موضوعی سخن گفت. همچنین علم به معنای بخشی از آگاهی های نظام یافته، نظیر یک رشتهٔ تحصیلی (برای مثال، علم سیاست یا علم زمین شناسی) است. در اصطلاح دانشمندان «علم» به هر دانسته و شناختی اطلاق نمی‌شود؛ بلکه علم معرفتی دقیق و شناختی تیزبینانه است.

در این فصل به بیان تعریف علم و برخی از مهم ترین قواعد روش شناسی تحقیق در مطالعات علوم اسلامی می‌پردازیم.

## ۹. علم شناختی منضبط و سازمان‌یافته است.

یک مقاله، کتاب و یا پایان‌نامه زمانی دارای اطلاعاتی «علمی» است که مبتنی بر ویژگی‌هایی مطابق تعریف علم باشد. آن ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- علم شناختی نظام‌یافته است؛ یعنی نظم و ترتیبی به هم پیوسته دارد و ارائه‌دهندهٔ شناخت منسجمی است. چنانکه بر پایهٔ چینش مقدمات صحیح به نتایج یقین آور برسد.
- علم بر واقعیتی دلالت دارد که بی نیاز از وجود و یا عدم وجود پژوهشگر است. علامه جعفری می‌نویسد: «علم عبارت است از: انکشاف واقعیتی که وجود و جریان کلی آن بی نیاز از من و عوامل درک انسانی بوده باشد که با آن ارتباط برقرار کرده است. قضیه و مسئله‌ای را که از چنین انکشافی حکایت کند، قضیهٔ علمی می‌نامیم.» (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۶)
- علم مبتنی بر استدلال و ادلهٔ منطقی است. هر گزارهٔ علمی دربردارندهٔ دلایلی است که به تبیین چرایی و یا اثبات موضوع خود می پردازند. ضمن آنکه لازم است تا همزمانی دو پدیده باهم از مفهوم «اسباب» جدا شو؛ چنانکه فارابی (۳۳۹ ق / ۹۵۰

م) اشاره دارد که می دانیم که «حرارت» ناشی از اسبابی چون آتش، خورشید و نظایر آن است؛ امّا امور دیگری نیز هستند که هرچند همزمان باهم‌اند ولی در رابطهٔ علی باهم قرار ندارند. چنانکه علت تولد و یا مرگ فردی به جهت تقارن آن با غروب خورشید و یا طلوع آن نیست. (الخطابی، ۱۹۹۸: ۱۱۹)

- علم افادهٔ یقین صد در صد می کند. (با حصول علم، شک از آن رخت بر می بندد.) فرضیه متضمن گمانی بیش از پنجاه درصد است و از این رو تا زمانی که تأیید، اصلاح و یا رد امری از طریق روش علمی (متناسب با موضوع آن علم) به یقین منتهی نشود، آن را نمی‌توان علم نامید. توجه به این نکته ضروری است که در مطالعات اسلامی «با ظن و گمان نمی توان اصول دین را بنیان نهاد زیرا (ان الظن لا یغنی من الحق شیئا)» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۳۶)
- علم از طریق روش معتبر و متناسبی با موضوع خود قابل وصول است. علم حدیث، علم فقه، فلسفه و علوم عقلی، علوم قرآنی، علم تاریخ، علم طب و...، هر یک نیازمند به کارگیری روش خاص خود هستند. مرحوم علامه حسینی تهرانی (۱۳۴۵ – ۱۴۱۶ ق) در وصف مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد:

> از مرحوم ملا محسن فیض کاشانی {۱۰۰۷ – ۱۰۹۱ ق} بسیار تمجید می کردند و می فرمودند: این مرد جامع علوم است و به جامعیت او در عالم اسلام کمتر کسی را سراغ داریم و ملاحظه می شود که در علوم مستقلاً واردشده و علوم را باهم خلط و مزج نکرده است. در تفسیر صافی و أصفی و مصفّی که روش تفسیر روایی را دارد، ابداً وارد مسایل فلسفی و عرفانی و شهودی نمی شود، در اخبار کسی که کتاب وافی او را مطالعه کند می‌بیند یک اخباری صرف است و گویی اصلاً فلسفه نخوانده است، در کتاب‌های عرفانی و ذوقی نیز از همان روش تجاوز نمی کند و از موضوع خارج نمی‌شود. با اینکه در فلسفه استاد و از مبرزان شاگردان صدرالمتألهین بوده است. (حسینی طهرانی، بی تا: ۲۶)

## ۱۰. پژوهش‌ها بر اساس اهداف پژوهشگران انواع مختلفی دارند.

یکی از انواع پژوهش‌ها **«نوجویی و یافتن مسایل جدید علمی»** است که از اساسی‌ترین پژوهش‌هایی هستند که مستقیماً به تولید علم می‌انجامند. بزرگ ترین کشف انسان ادراک قوه در کنار امر بالفعل بوده است. این امر استعدادی عالی است و البته شهامت و جسارت بسیاری را نیز می‌طلبد. برخی از کتاب‌ها و مقالات و رساله‌های

دانشگاهی چیز جدیدی بر حوزهٔ علمی مورد نظر می‌افزایند و یا مسئله را از زاویه‌ای مطرح می‌کنند که تا آن زمان مورد توجه کسی واقع نشده بود. این امر مستلزم آشنایی کامل با پیشینهٔ تحقیق و اشراف بر آن است تا بتوان با اتکا بر آن از مرزهای فعلی علم فراتر رفت. برخی از محققان، این نوع پژوهش‌ها را پژوهش‌های ابتکاری یا نوجویی در برابر پژوهش‌های «تأییدی یا نوگستری» می‌نامند. پژوهش ابتکاری به دنبال یافتن یا کشف آنچه بر دیگران مجهول است؛ اما پژوهش تأییدی تنها شامل گستردن یا تفصیل چیزی می‌شود که به صورت اجمالی بر دیگران معلوم است. (آریان پور، ۱۳۵۸: ۱۰) گاه ممکن است که نوآوری یک تحقیق به استنباط یک دانش نوین بینجامد که در این صورت ارائهٔ «موضوع» جدیدی را می‌طلبد که بر اساس مسایل آن ابواب و فصول علم نوین را ترسیم کنند. به عبارت دیگر محقق در ضمن تحقیقات خود مسایل و مباحث نوینی استنباط کرده و می‌کوشد تا با بین‌الاذهانی کردن آن‌ها با دیگران، کاربردشان را تعمیم دهد.

در این زمینه به نکات زیر توجه شود:

۱. هیچ‌گاه نباید موضوعات بدیهی را به عنوان پرسش تحقیق خود مطرح کرد.

۲. با توجه به انبوه نیازمندی‌های فرهنگی و معرفتی جامعه خود، می‌توان در مسیر پژوهش‌های نوین قرار گرفت.

۳. نو و جدید بودن یک پژوهش، فی‌نفسه امتیازی برای آن نیست؛ بلکه بیش از نو بودن یک مطلب، نقش مفید و سازندهٔ تحقیق در ارتقای سطح معارف دینی و فرهنگی جامعه اهمیت دارد. هر سخن تازه‌ای واجد ارزش نیست؛ اما اگر نوآوری با محتوایی عمیق به دنبال «حق‌یابی» و «حق‌خواهی» و رفع نیازهای فرهنگی جامعه باشد، در آن صورت محقق توفیقی بزرگ داشته است. برخی دیگر از پژوهش‌ها به «**تکمیل امور ناقص و ناتمام گذشته**» اختصاص دارند. معمولاً یافته‌های جدید دربارهٔ موضوعات علمی منجر به تجدیدنظر و یا اصلاح تحقیقات پیشین می‌شوند. ابن خلدون دربارهٔ دلایل انجام این دسته از پژوهش‌ها به موارد زیر اشاره کرده است: ۱. اطلاع از وجود نقصان در آثار پیشین و کوشش در جهت رفع آن، ۲. تکمیل آنچه ناتمام باقی مانده است. (در قالب مسایل و یا فصولی بر آثار مورد نظر) (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۱۲۳) در اینجا بحث اصلی نه در رفع اشتباه پژوهش‌های قبلی، که در گسترش کمی و کیفی آن‌هاست و البته می‌تواند به رفع

اشتباهات دیگر پژوهش‌ها بینجامد. برای مثال، پژوهش‌های بسیاری دربارهٔ چگونگی گسترش امر نماز در جامعه صورت پذیرفته است؛ اما ممکن است محقق متوجه عدم عنایت کافی آن‌ها به ارائهٔ راه‌حل‌های عملی منطبق با شرایط شهرهای مختلف کشور شود. او از سویی نیازمند تکمیل کارهای پیشین است و از سوی دیگر وارد پژوهشی ابتکاری و نوجویانه می‌شود.

یکی دیگر از انواع پژوهش‌ها «**مختصر کردن آثار مفصل پیشین**» (بدون تغییر در محتوای آن) است. این پژوهش‌ها عمدتاً به خلاصه کردن متون طولانی و مطول، جهت اهداف آموزشی اکتفا می‌کنند. طبیعی است که در یک نیمسال تحصیلی در دانشگاه (حداکثر ۱۷ جلسه) نمی‌توان کتابی بسیار قطور را به عنوان منبع درسی قرار داد. گلچین کردن مطالب و خلاصه کردن چنین اثری، به صورتی که مباحث اصلی به اندازهٔ کافی انتخاب شوند و نیز محتوای کتاب مخدوش نشود، کار چندان ساده‌ای نیست. هرچند محصول نهایی، نسبت به اثر اصلی، منبع درجهٔ دوم محسوب می‌شود. برای مثال، اگر بخواهیم یک دورهٔ تفسیر قرآن را به جهت استفادهٔ مخاطبان خاص خود (مانند نوجوانان) خلاصه کنیم، وارد این شیوه از پژوهش شده‌ایم که نگارش آن مستلزم حذف آن دسته از مطالب تخصصی است که مناسب فهم مخاطبِ خاص ما نیست. این کار برطرف کنندهٔ یک نیاز اساسی جامعه است و بر خلاف باور اولیه دقت و مهارت بسیاری را می‌طلبد؛ اما باید در نظر داشت که عادت به خلاصه خوانی و اکتفا بر آن، اثری منفی بر رشد علمی‌مان دارد.[1] لذا به رغم مفید بودن این شیوه در امر آموزش و یا جذب مخاطبان خاص، از تبدیل آن به فرهنگ مطالعاتی حذر باید کرد.

گونه‌ای دیگر از پژوهش‌ها شامل «جمع آوری مطالب پراکنده و سازمان دهی آن در مجموعه‌ای نظام‌مند» می‌شود. این روش دارای نوآوری اساسی نیست اما زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی خواهد بود. برای مثال، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جمع‌آوری اشعار فارسی مربوط به مسجد،
- گردآوری افعال جامد در زبان عربی در قالب یک فرهنگ،

---

۱. یکی از انتقادات ابن‌خلدون در دوران انحطاط علمی در اندلس اسلامی و شمال آفریقا، رواج تکیه بر خلاصه‌ها به جای منابع اصلی بود. (ابن‌خلدون: ۲۰۰۰، مقدمة ابن خلدون، صص ۴۵۷ - ۴۵۸ نیز ابن خلدون: ۱۳۷۵، مقدمه ابن خلدون، ج۲، صص ۱۱۲۴ - ۱۱۲۵)

- سازمان‌دهی موضوعی تفسیر «المیزان»
- انجام کتاب‌شناسی‌های موضوعی (مثلاً دربارهٔ داستان حضرت یوسف علیه‌السلام)

گاه ممکن است که این روش به شکل‌گیری علمی نوین بینجامد؛ چنانکه برخی از محققان آغاز پیدایش علم بیان را بر پایهٔ این نوع از پژوهش‌ها می‌دانند. چه آنکه عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ ق)، ابو یعقوب یوسف سکاکی (متوفی ۶۲۶ ق) مسایل علم بیان را در کتب نحوی پراکنده یافتند، ضمن آنکه پیش‌تر، جاحظ (متوفی ۲۵۲ ق) در کتاب «البیان و التبیین» بسیاری از مسایل آن دانش را گرد آورده بود. این توجه منجر به تلاش در جهت کشف موضوع این علم و جدا کردن آن از دیگر علوم با عنوان علم بیان گردید تا جایی که کتب مشهوری دربارهٔ آن نگاشتند. حال آنکه پیش‌تر چیزی جز مجموعه مطالبی پراکنده به نظر نمی‌رسید. (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۱۲۴)

«**ترجمهٔ آثار علمی**» نیز از زمرهٔ دیگر پژوهش‌های علمی به شمار می‌رود. ترجمه تنها انتقال سادهٔ یک متن از زبانی به زبان دیگر نیست؛ بلکه در درجهٔ اول انتقال فرهنگ و تمدن از زبانی به زبان دیگر است. تمامی نهضت‌های ترجمه در جهان اسلام بر سیر تفکر و فرهنگ آن‌ها تأثیرگذار بوده و منجر به بروز واکنش‌هایی در جوامعشان شده است. برای ترجمه، نخست باید با مطالعهٔ دقیق آن، نکات نیازمند تحقیق را استخراج کرد؛ سپس با نگاشتن مقدمه و بخش معرفی کتاب، ترجمهٔ متن اصلی را انجام داد. این ترجمه می‌تواند به صورت ترجمهٔ علمی و دقیق (بدون دخل و تصرف و همراه با تحقیق واژگان آن) و یا ترجمهٔ آزاد (اعمال سلیقهٔ مترجم، در کنار رعایت معنا) باشد. مرحوم دکتر طاهره صفار زاده (از مترجمان برجستهٔ قرآن) می‌نویسد:

> موفقیت یک ترجمه عبارت از مجموعه پاسخ‌های مثبتی است که به این پرسش‌ها باید داده شود:
>
> أ. آیا مفهوم متن اصلی رسانده شده؟
> ب. . آیا لحن نویسنده حفظ‌شده؟
> ت. . آیا مترجم زبان خاص و متناسب متن را یافته؟
> ث. . آیا واژگان درست و دقیق انتخاب‌شده؟
> ج. . آیا تطابق دستور زبانی به عمل آمده؟
> ح. آیا در برگرداندن جمله‌ها طول کلام نویسنده رعایت شده؟

خ. آیا به علامات نقطه‌گذاری اهمیت کافی داده‌شده؟ (صفار زاده، ۱۳۸۰: ۲۹)

دربارهٔ ترجمه تعاریف و تعابیر مختلفی موجود است. برای مثال، «کولی» Cowley می‌نویسد: ترجمهٔ کلمه به کلمه و یا خط به خط به این می‌ماند که دیوانه‌ای حرف‌های دیوانهٔ دیگری را نقل کند. «نایدا» Nida ترجمه را عبارت از آن می‌داند که از نزدیک‌ترین معادل زبان مورد ترجمه، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک، بهره‌مند باشد و «ارنست سیمونز» Ernest Simmons معتقد است که ترجمهٔ خوب، ترجمه‌ای است که مفهوم و پیام متن اصلی را به‌علاوهٔ فرم (شکل بیان) تا سرحد امکان حفظ کرده باشد. (نک: همان، ۲۶ – ۲۷)

جلال‌الدین همایی نیز دربارهٔ ترجمه می‌نویسد:

> ترجمه یعنی مطلبی را از زبانی به زبان دیگر برگردانیدن و این کار که خود هنری در جزو هنرهای گران ارز ادبی شمرده می‌شود، در نظم و نثر — هردو — روا و شایع است. ترجمه بر دو قسم است:
>
> ۱. یکی «پایخوان» یعنی ترجمهٔ تحت‌اللفظ که آن را حرف به حرف و کلمه به کلمه حتی با صورت جمله‌بندی بی‌کم‌وزیاد از زبان دیگر نقل کرده باشند، چنانکه در ترجمهٔ کتب مذهبی آسمانی معمول است.
>
> ۲. قسم دیگر، ترجمهٔ به معنی که روح مقصود و حاصل مراد گوینده و نویسنده‌ای را بگیرند و آن را در قالب زبانی دیگر بریزند، چنانکه خصوصیات ادبی و دستوری زبان ترجمه هم کاملاً مراعات شده باشد؛ و این خود هنری بسیار عالی و گران‌مایه است و جز از کسی که در هر دو زبان منقول منه و منقول‌الیه، نهایت تبحر و براعت استادی داشته، از ذوق و سلیقهٔ مستقیم ادبی نیز کاملاً برخوردار باشد، ساخته‌وپرداخته نیست. (همایی، ۱۳۸۹: ۳۷۳)

همچنین شرایط یک مترجم خوب عبارت است از:

۱. تسلط وی به هر دو زبان،

۲. رعایت امانت،

۳. احاطه علمی به موضوع متن مورد نظر،

۴. آشنایی مترجم با بستر فرهنگی‌ای که نویسندهٔ اثر بدان تعلق دارد.

ترجمه زمانی می‌تواند به عنوان یک رسالهٔ پژوهشی دانشگاهی مورد پذیرش واقع شود که متن انتخاب‌شده از بهترین آثار مربوط به آن رشته باشد و دانشجو علاوه بر ترجمهٔ اثر، حتماً به شیوه‌ای علمی، به نقد محتوایی آن بپردازد.

از دیگر انواع پژوهش‌ها «**شرح آثار دشوار یا تحقیق در نسخ خطی**» است. برای مثال، «الفیه ابن مالک» (حدود ۶۰۰ – ۶۷۲ ق) در علم نحو عربی به توسط شخصیت‌های بسیاری شرح داده‌شده و حتی بر برخی از شروح آن نیز شروحی دیگر نوشته شده است. برخی از شارحان در خلال فعالیت علمی خود کوشیده‌اند تا مطالب الفیه را از حالت اجمال به تفصیل و از پیچیدگی مباحث به آسانی درآورند. به طور کلی، تحقیق در زمینهٔ آثار خطی شامل موارد زیر است:

۱. شناسایی هویت نسخهٔ اصلی.

۲. شناسایی نسخ خطی دیگر به ترتیب اولویت پژوهشی و وثاقت نسخه.

۳. مقایسهٔ دیگر نسخه‌ها با نسخهٔ اصلی.

۴. بررسی دورهٔ تاریخی مورد نظر و اشراف بر فضای مفهومی واژگان فرهنگی آن.

۵. شرح لغات، اصطلاحات علمی و دیگر دشواری‌های موجود در متن.

مرحوم جلال‌الدین همایی عمل تصحیح را غیر از مقابله کردن نسخ می‌دانست. او کسانی را که چند نسخه مختلف از یک کتاب را جمع می‌کنند و در آن میان یک نسخه را اصل قرار می‌دهند و بقیه را نسخه بدل نام می‌نهند و نسخه بدل‌ها را نیز بدون مشخص کردن صحت و سقم آن‌ها، با علامات خاص در حواشی ثبت می‌کنند، ارزش کارشان تنها در این است که فقط خواننده را از مجموع نسخه‌هایی که به دست آورده‌اند، مطلع می‌سازند. او می‌گفت:

> من هر وقت این قبیل نسخه بدل‌نویسها را می‌بینم به یاد قصهٔ مثنوی مولوی دربارهٔ آن مرد دو مو می‌افتم که عروس نوگُزیده بود و پیش سلمانی رفت که موهای سفید او را از سیاه جدا کند. سلمانی همهٔ ریش او را یکجا بریده و پیش او گذاشت که من فرصت این کار را ندارم، خودت موهای سفید و سیاه را از هم جدا کن. (نصری، ۱۳۶۷: ۱۷۱. او به نقل از مختاری نامه، ص ۷۴)

هُمایی معتقد بود که شأن اهل تحقیق مقابلهٔ نُسَخ نیست و روش دقیق تصحیح که سنت گذشتگان نیز بوده است، علاوه بر جمع‌آوری نسخه‌های گوناگون و مقابلهٔ آن‌ها با یکدیگر، یافتن تحریفات و تصحیفات نسّاخ، است که متضمن احاطه و تبحر در موضوع کتاب را پیداکرده و نسخه یا نسخ ارجح را عرضه کند. کاری که هم نیازمند آشنایی با

موازین علمی و فنی این کار است و هم تبحر در موضوع و دقت و پشتکار است. او با دردمندی چنین می‌گوید:

> متأسفانه در این ایام که آن را دورهٔ آشفتگی بازار ادبیات فارسی می‌توان نامید، در جزو سایر تخلیطات و اشتباه کاری‌ها، عمل تصحیح و مقابله نیز به یکدیگر مخلوط و مشتبه شده و این کار مثل اکثر امور فرهنگی دست‌خوش مداخلات نااهلان گردیده است. هر که را بینی به تقلید و تشبه اساتید فن دو نسخهٔ عکسی از کتب‌خانه‌ها تهیه‌کرده و باد در گلو افکنده که لقمهٔ از حوصله بیش مشغول تصحیح دیوان یا فلان کتاب علمی و ادبی نثر قدیم است و گاهی که محصول این کوشش‌های بی‌فایده به بازار می‌آید، مایهٔ فضیحت و خجلت و شرمساری است. (همان: ۱۷۲)

شکل دیگری از پژوهش‌ها در کوشش پژوهشگر به منظور «**اصلاح اشتباهات نویسندگان دیگر**» مشاهده می‌شود. برخی از نویسندگان در آثار خود به عمد یا غیر عمد، مطالب نادرستی دربارهٔ دین و معارف اسلامی ارائه داده‌اند که حساسیت‌های فرهنگی بسیاری به دنبال دارد. در نتیجه، وظیفهٔ پژوهشگران رفع اشتباهات موجود در این دسته از آثار است؛ ضمن آنکه باید توجه داشت که «دانشمندی که آن لغزش‌ها را رد می‌کند، ناگزیر باید دلایل خود را بنویسد و به صورت مکتوب به یادگار بگذارد تا خواننده بر آن آگاه شود.» (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۲ / ۱۱۲۳)

## ۱۱. پژوهشگر باید متوجه کاربردهای پژوهش خود باشد.

پژوهش‌ها را به اعتباری به پژوهش‌های پایه (بنیادی) و پژوهش‌های کاربردی تقسیم کرده‌اند. پژوهش پایه‌ای می‌تواند زمینهٔ «پژوهش کاربردی» باشد ولی به صورت مستقیم متوجه علمی کاربردی در زندگی انسان‌ها نیست. درحالی‌که پژوهش‌های کاربردی دارای مستقیماً متوجه حل مشکلات جامعه و بشریت هستند. در ضرورت انجام هر دو این پژوهش‌ها شکی نیست. تصمیم‌گیرندگان سیاسی هر کشور به جهت کسب توانایی در ادارهٔ عملی جامعه، نیازمند پژوهش‌های کاربردی هستند و این دسته از پژوهش‌ها خود متکی بر پژوهش‌های پایه‌ای هستند. برای مثال، ما علاوه بر نیاز به تشریح دقیق زندگانی و سنت پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نیازمند طرح پرسش‌هایی کاربردی غالباً با ادوات پرسشی «چه»، «چگونه»، «چطور» و نظایر آن در جهت عملی ساختن آن در زندگی خویش هستیم.



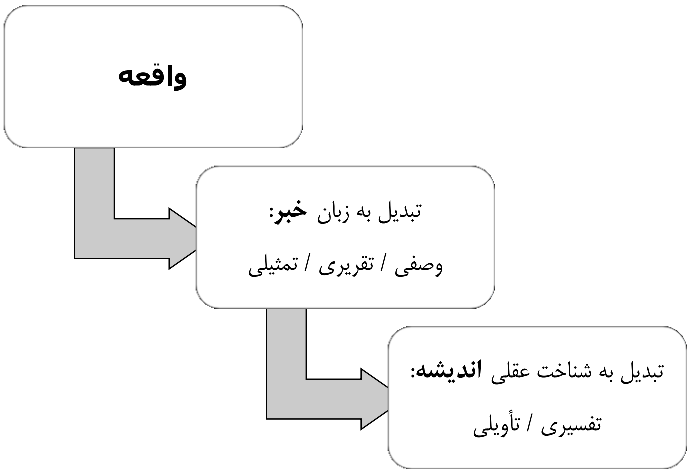

مطالعات کاربردی معمولاً به زوایایی از آسیب‌شناسی موضوع نیز می‌پردازند. برای مثال، پژوهشی که به منظور حل معضل تفرقه در جهان اسلام نوشته می‌شود، باید به موانعِ تفرقه نیز بپردازد؛ بنابراین ارائهٔ راهکار پس از شناختِ مشکل ضروری است. این به معنای ضرورت ۱. وجود مسئله‌ای برای حل کردن و نیز ۲. داشتن انگیزه برای رفع تهدید است تا پژوهش از حالت یک گزارش تکراری خارج شود و به گزارشی راهبردی مبدل شود.

## ۱۲. اقتضای برخی از پژوهش‌ها استفاده از روش‌های ترکیبی است.

برخی از پژوهش‌ها از روش‌های ترکیبی بهره می‌گیرند. برای مثال علم تاریخ واجد دو جنبهٔ روشی است. که عبارت‌اند از: الف- نقل ب- عقل. علم تاریخ تنها گردآوری روایت‌های تاریخی و یا مقایسهٔ آن‌ها جهت شناخت حوادث گذشته نیست؛ بلکه این علم در درجهٔ اول به تفسیر آن وقایع می‌پردازد. فایدهٔ اصلی تاریخ کسب تجربه و عبرت از گذشته برای حلِ مشکلات امروز است و گر نه هدف مورخانی بزرگی چون ابوالحسن مسعودی (متوفی ۳۴۶ ق) احمد ابن ابی یحیی یعقوبی (متوفی ۲۸۴ ق) و ابوریحان بیرونی

(متوفی ۴۴۰ ق) بیان تنها وقایعی جزئی برای سرگرمی نبوده است. از این رو تاریخ نوعی حکمت است و جنبه‌ای عملی و اخلاقی نیز دارد.

با این حال در مطالعات جدید، برخی علم تاریخ را از علوم نقلی به حساب آورده‌اند که در مقابل فلسفه (علوم عقلی) است. پیوند میان این دو به «فلسفهٔ تاریخ» منجر شده است. در فلسفهٔ تاریخ از سویی با تبدیل «واقعهٔ تاریخی» به «خبر»، شناخت واجد صورتی زبانی شده و از سویی دیگر روایت تاریخیِ منقول با «استنتاج نظری» صورتی تحلیلی پیدا می‌کند که در نهایت به شناخت واقعه یاری می‌رساند. (حمیش، ۱۹۹۸: ۴۳) همچنین لوازم و تبعات روشی جنبهٔ زبانی آن متفاوت با جنبهٔ نظری و استنتاجی‌اش است؛ اما هستند بسیاری از فلاسفه و نیز مورخانی که یا فاقد چنین تصوری از رابطهٔ تاریخ و فلسفه بوده و یا اصولاً آن را انکار می‌کنند. برای مثال، تاریخ را امری جزیی و فلسفه را امری کلی و غیرقابل جمع با یکدیگر می‌دانند. (همان منبع، ۲۴ - ۱۲۵) بنابراین، بسیاری از تعارضات بین‌رشته‌ای خود را در شیوهٔ طبقه‌بندی علوم نمایان می‌کنند.




فلسفهٔ تاریخ – تبدیل واقعه به روایت زبانی و در نهایت استنتاج نظری

## ۱۳. مطالعات توصیفی، تحلیلی و نظریه‌پردازی

مطالعات توصیفی مطالعاتی است که به ارائۀ گزارشی از یک پدیده و یا موضوع، بـدون علت‌یابی شکل‌گیری و پیدایش آن هستند. در این‌گونه پژوهش‌ها، بر گزارش یک واقعه و یا یک اندیشه، از آن جهت که «موجود است» و نه «چرایی بـه وجـود آمـدن آن» توجـه می شود. برخی از محققان مطالعات توصیفی در حوزۀ وقایع تاریخی (مربوط به گذشـته) را با عنوان مطالعات تاریخی، از مطالعات توصیفی جدا کرده‌اند؛ اما صرف‌نظـر از جنبـه‌هـای خاص روش‌شناسی مطالعات تاریخی، آن قسمت از مطالعات تاریخی که صرفاً نقل روایـت از پدیده‌ای تاریخی است، در حوزۀ توصیف خواهد بود.

از دیرباز شیوه های مختلفی از مطالعات توصیفی در جهان اسلام رایج بوده است. برای مثال، بسیاری از دانشمندان اسلامی در خلال ادای فریضه حج - کـه در گذشـته معمـولاً مسـتلزم عبـور از سـرزمین‌هـای بسـیاری بـود - بـه توصـیف مشـاهدات و وقـایع سـفر می‌پرداختند. برخی از این آثار عبارت‌اند از: رحلـۀ ابـن‌جبیـر (۵۷۹ - ۵۸۱ ق / ۱۱۸۳ - ۱۱۸۵ م)، الدلیل اثر هروی (متـوفی ۶۱۱ ق / ۱۲۱۴ م)، الرحلـۀ المغربیـۀ اثـر العبـدری (متـوفی ۶۸۸ ق / ۱۳۲۱ م) ایـن سـفرنامه‌هـای توصـیفی از اهمیـت تـاریخی بسـزایی برخوردارند. برای مثال، ابن‌جبیـر در سـفرنامه‌اش، ضـمن مشـخص کـردن محـدودۀ قبـر حضرت اسماعیل و مادرش حضرت هاجر (علیهما السلام) تصریح بر زیارت مردم و تبرک‌جـویی آنان و نمازخواندنشان در آنجا دارد. از دیگر نمونه‌های پژوهش‌های توصیفی مـی‌تـوان بـه گیاه‌شناسی دانشمندان اسلامی اشاره کرد. نمونه‌هـایی از آن در پـژوهش‌هـای ابـن‌العـوام (متوفی ۵۸۰ ق / ۱۱۸۴ م) و نیز ابن الرومیه (متوفی ۶۳۷ ق / ۱۲۳۹ م) مشهود است. ابن الرومیه به جهت مطالعۀ انواع گیاهان مسافرت های بسیاری کـرد و کوشـید تـا در آثـارش نظیر «الرحلة المشرقیة» با دقت زائدالوصفی اجزای نباتات و ویژگی‌های آن‌ها را تشـریح و از یکدیگر تمییز دهد. (ابو خلیل، ۲۰۰۴: ۵۴ – ۵۵) همچنین می‌توان به کتاب «الجامع فـي الادویة» اثر ابن بیطار (متوفی ۶۴۸ ق/ ۱۲۴۸ م) اشاره کرد که در نوع خـود بـزرگ‌تـرین دایرۀالمعارف گیاه‌شناسی در زمان خود بود. در علم جغرافیا نیز می‌توان به پـژوهش‌هـای ادریسی (متوفی ۵۶۰ ق / ۱۱۶۴ م) اشاره کرد که با مسافرت های بسیار به شـمال آفریقـا،

آسیای صغیر و اروپا به ترسیم نقشه های جغرافیایی مهمی مبادرت کرد. نقشه‌ای کـه او در زمانش از جهان ترسیم کرد، پیشرو بودن اطلاعاتش را نشان می دهد. همچنین بخشـی از پژوهش های رایج در پزشکی که شامل گزارشی از انـواع بیمـاری هـا و توصـیف ابـزار آن است، نیز نظیر آنچه در آثار شیخ الرئیس حسین بن عبدالله بن حسن بن سینا (۳۷۰ – ۹۸۰ ق / ۴۲۸ – ۱۰۳۷ م) در کتاب قانون و ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی (متـوفی ۴۲۷ ق / ۱۰۳۵ م) در کتاب «التصریف لمن عجز عن التألیف» دیده می‌شود

امروزه جدا کردن پـژوهش هـای توصـیفی از تحلیلـی کـار دشـواری اسـت و معمـولاً تحقیقات جدید مشتمل بر هم توصیف و هم تحلیل است. توصیف اهمیـت بسـیار زیـادی دارد و حتی می توان گفت که نقش آن در پژوهش بیش از تحلیل است؛ زیرا هر کجـا کـه تحلیل است، توصیف نیز وجود دارد و در صورت توصیف نادرست و یا نارسا، تحلیل نیز بـه همان سرنوشت دچار می شود. یکی از دلایل ناکامی بسیاری از پژوهش ها در حـوزۀ علـوم انسانی کشور، عدم توجه کافی به پژوهش‌های توصـیفی و دسـت‌کـم گـرفتن آن‌هاسـت؛ بنابراین، بدون وجود توصیف کاملی از وضعیت موجود، نباید بـه تحلیـل علـل چرایـی آن پرداخت.

نحوۀ مواجهه علمی با مشکلات به شیوه های مختلفی صـورت مـی‌پـذیرد و از همـین پژوهش‌ها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند که یکی از آن‌ها تقسیم شان به پژوهش‌های توصیفی و پژوهش های تحلیلی است. توصیف بیان علمی وضعیت موجود است (معلول ها) و تحلیل ریشه‌یابی شکل‌گیری آن. (علت‌ها) پژوهش‌هـای معتبـر جدیـد از هـر دو شـیوه استفاده می کنند و نمی‌توان آن‌ها را به طور کامل توصیفی و یا تحلیلی دانست.

مطالعات تحلیلی مشتمل بر مجموعه روابط علّی و معلولی در توضیح یک وضـعیت یـا یک مسئله هستند. برای شناخت آن‌ها باید با مفهوم «نظریه» آشنا شد. متأسفانه آشـفتگی بسیاری در خصوص مفهوم نظریه موجود است و الفاظ معانی واقعی خود را به دلیل کاربرد نابجـای آن‌هـا از دسـت داده‌انـد. اینکـه فـردی خـود را بـا الفـاظ پـر طمطراقـی ماننـد «نظریه‌پرداز»، «تئوری‌پرداز» دل‌خوش کند، ولی پایبند به معانی واقعی آن نباشد، تنهـا در کوتاه مدت می تواند با بازی کلمات و الفاظ، عده‌ای را بفریبد. نظریه پرداز کسی اسـت کـه توصیف و تحلیلی جامع از موضوع نظریه اش ارائه کند. برای شناخت نظریه ابتدا باید نوعی

از قضایای شرطی موسوم به «قانون» را شناخت. قانون علمی، قضیه ای است شرطی که حداقل سه ویژگی زیر را داراست:

۱. اسلوب بیانی شرطی دارد؛ مانند:

هر چه (الف) بیشتر/ کمتر شود، پس (ب) بیشتر/ کمتر می‌شود.

اگر (الف) روی دهد/ ندهد، پس (ب) روی خواهد داد./ نخواهد داد.

۲. در بخش اول (الف) یا همان شرط، «علت» یا «عامل تأثیرگذار» و بخش دوم (ب) یا همان جواب شرط، «معلول» یا «تأثیرپذیر» آورده می‌شوند.

۳. قانون علمی از نظر «موضوع» و «زمان» و «مکان» نامحدود است. با محدود و معین شدن آن - متناسب با نوع پژوهش – قانون مبدل به فرضیه می‌شود.

اکنون می توان مفهوم نظریه را تشریح کرد. نظریه دستگاه منسجم فکری است که حداقل شامل سه قانون علمی به هم پیوسته باشد؛ به شکلی که متغیرهای آن به شکلی مستقیم یکی پس از دیگری توضیح‌دهنده هم باشند. در اینجا دو نوع متغیر موجود است. متغیر مستقل همان «علت» یا «عامل تأثیرگذار» است و متغیر وابسته، همان معلوم یا تأثیرپذیر است. برای مثال، به جملات زیر توجه شود:

– اگر گروه مرجع مثبت سیاسی جامعه‌ای، گروه مرجع بیگانه شود، پس ارزش‌های جامعهٔ فوق نیز متأثر از آن تغییر خواهند کرد.

– اگر ارزش های یک جامعه به ارزش های بیگانه تغییر کند، پس به همان میزان از مشروعیت نظام سیاسی‌اش کاسته می‌شود.

– اگر از مشروعیت نظام سیاسی کاسته شود، پس به همان میزان از پایداری نظام سیاسی آن کاسته می‌شود.

– اگر گروه مرجع مثبت جامعه ای، گروه مرجع بیگانه شود، پس به همان میزان از پایداری نظام سیاسی کاسته می‌شود.

با دقت به آخرین قانون، مشخص می شود که این قانون نتیجهٔ منطقی سه قانون پیش از خود است. در واقع عبارت است از: شرط قانون اول + نتیجهٔ قانون سوم

گروه مرجع بیگانه ⟵ پایداری نظام سیاسی

البته روابط علی ممکن است روابطی متقابل با یکدیگر برقرار کنند؛ یعنی تغییر هر یک بر دیگری اثر متقابلی داشته باشد. برای مثال، ارزش های اجتماعی نیز بر اثر عوامل دیگر

دست‌خوش تحول شوند که در نتیجه موجب تغییر گروه‌های مرجع مثبت جامعه شود. همچنین نظریهٔ جامع آن است که مبدأ روابط علی و معلولی را از سرچشمه ها شروع کند. در مثال آموزشی فوق، شروع نظریه از سرچشمهٔ اصلی نیست؛ زیرا این سئوال پیش می‌آید که پس تغییر خود گروه مرجع مثبت اجتماعی معلول چه عواملی است؟ پاسخ می‌تواند به زنجیره ای دیگر از روابط علی و معلولی در ابعاد داخلی مانند اقدامات نظام سیاسی کشور در قالب برنامه‌های توسعه‌ای و در ابعاد خارجی مانند نقش بنگاه‌های تجاری غربی مطرح شود. در هر صورت باید کلیهٔ متغیرهای موجود در یک نظریه را به دقت تعریف کرد.

برای آزمون نظریه، باید قضایای شرطی را به صورت مناسبی محدود کرد. پیش تر اشاره شد که نظریه قالب بیانی نامحدودی دارد؛ اما محقق در تبیین پدیده ها زمان و مکان آن را مشخص می کند. ساخت یک نظریهٔ جامع و مشتمل بر روابط علی – معلولی کافی و پرداختن به همهٔ آن‌ها نیازمند داشتن موارد زیر است:

۱. مهارت عملی در ساخت روابط علی و معلولی،
۲. داشتن زمان کافی،
۳. مطالعات وسیع دربارهٔ پدیده‌ها،
۴. وسعت نظر و هوشمندی بالا.

مثال‌هایی از پژوهش‌های تحلیلی (به روابط علی و معلولی توجه شود.)

- بررسی تأثیر عقاید معتزله بر زمخشری، (مطالعهٔ کتاب الکشاف)
- بررسی نقش ارزش‌های قرآنی در تکوین هویت ایرانی،
- بررسی تأثیر منطق ارسطویی بر تکوین علم نحو عربی،
- بررسی تأثیر فرهنگ قرآنی در ادبیات منظوم فارسی (با مطالعهٔ دیوان حافظ شیرازی)
- علل اختلاف نظر مفسران قرآن،
- بررسی نقش فریضهٔ حج در شکل‌گیری وحدت فرهنگی در جهان اسلام،
- بررسی نقش زمان دعا بر استجابت آن در قرآن و سنت،
- بررسی نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی (مطالعهٔ موردی شیعیان لبنان)
- بررسی تأثیر قرآن کریم بر ساختار زبان فارسی،
- بررسی ارتباط میان شرکت در فعالیت‌های ورزشی بر پیشرفت تحصیلی،

– بررسی نقش متقابل نوع معماری بر اعتقادات دینی. (این فرضیه اشاره دارد که هر دو متغیر بر یکدیگر دارای تأثیرگذاری متقابل‌اند. به عبارت دیگر از سویی انسان‌ها فعالانه بناهای معماری را می‌سازند و از سوی دیگر خود متأثر از آن‌ها می‌شوند.)

– بررسی ارتباط میان وسایل کمک آموزشی با یادگیری قرآن کریم (در مدارس راهنمایی شهرستان کرج)

جهت مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ «نظریه» به آثار دکتر فرامرز رفیع مانند «کندوکاوها و پنداشته ها» (آموزش روش تحقیق) و کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» و «توسعه و تضاد» که دو نمونهٔ عملی از نظریه‌پردازی هستند، مراجعه شود.

- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸ ش) ***کندوکاوها و پنداشته‌ها مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی.*** تهران (چاپ دهم) شرکت سهامی انتشار.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶ ش) ***توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسایل اجتماعی ایران.*** تهران: دانشگاه شهید بهشتی. چاپ چهارم، ۱۳۷۹، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع پور، فرامرز. ۱۳۷۰ (۱۳۶۴). ***جامعه روستایی و نیازهای آن: پژوهشی در ۳۲ روستای برگزیده استان یزد.*** تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ سوم.

## ۱۴. پاره‌ای از مطالعات مبتنی بر آینده‌پژوهی هستند.

آینده‌پژوهی (Futures Study) شیوه‌ای از مطالعات علمی است که محقق به توسط آن می کوشد تا مشکلات فراروی پدیدهٔ مورد تحقیقش را پیش از وقوعشان بیابد، آینده‌های بدیل و نحوهٔ تحقق آن‌ها را بررسی کند و از آنجا که هر چه حالا انتخاب شود موجب تغییر آینده خواهد شد، درک صحیحی از اولویت‌ها و حق تقدم‌ها در فرایند تصمیم‌گیری کسب کند؛ بنابراین آینده‌پژوهی به معنای داشتن چشم‌اندازهای قابل تحقق (مثلاً پنجاه سال آتی) است که گاه در قالب یک «سناریو» نوشته می‌شود.

یکی از دلایل انجام پژوهش های تحلیلی ترسیم زنجیره های علت – معلولی

توضیح‌دهندهٔ وضعیت جاری است که به محققان در یافتن راه‌حل یاری می‌رسانند. ارائهٔ راه‌حل به معنای توجه به امکان تغییرات مطلوب است. در اینجا تفاوت کار آینده‌پژوهان از دیگر محققان، در تفاوت طرح مسأله شان مشاهده می شود که آلوین تافلر آن را با عنوان «چشمان تازه‌ای به واقعیت» تعبیر می کند؛ به عبارت دیگر آینده‌پژوهان روابط علت و معلولی را نه تنها برای تبیین وقایع گذشته و حال، بلکه برای شناخت و یا ساختن آینده مطلوبشان مورد توجه قرار می دهند؛ بنابراین آینده پژوهی علم تغییر وضعیت جاری برای ساختن آیندهٔ مطلوب و گریز از آینده های نامطلوب مطرح است. شناخت متغیرهای سازندهٔ آینده محور اصلی آینده‌پژوهی است.

مثلاً ممکن است محققی در یک پژوهش توصیفی و اکتشافی این پرسش را مطرح کند که «مهم‌ترین مسایل و مشکلات فرهنگی ایرانیان در حال حاضر کدام‌اند؟» و پس از یافتن پاسخ این پرسش به دنبال یافتن «علل شکل گیری و تداوم آن ها» (زنجیرهٔ علت - معلولی) باشد و نهایتاً پیرامون «راه حل های برون رفت از وضعیتِ موجود» بیندیشد؛ اما پرسش‌های آینده‌پژوهان ناظر به ترسیم آینده جهت اتخاذ تصمیمات بهتر در زمان حال است. لذا نوع پرسش‌های آنان به گونه‌ای دیگر طرح می‌شوند مانند آن‌که:

- «مشکلات فرهنگی ایرانیان در آینده (مثلاً دههٔ آتی) کدام‌اند؟ (در برابرشان چندگونه آیندهٔ ممکن مطلوب و یا نامطلوب موجود است؟)
- «آینده‌های جایگزین آن‌ها کدام‌اند؟ (حل مسایل در آینده)»

تافلر در این خصوص می‌گوید: «نگاه کردن به آینده چیزی که هیچکس نمی‌تواند، مگر به شیوهٔ انتزاعی، وسیله‌ای است برای بهتر کردن تصمیم‌هایی که در زمان حال گرفته می‌شوند.»

اهمیت آینده پژوهی از آن روست که فهم زمان حال نیازمند فهم آینده است و کسی که دیدگاهی دربارهٔ آینده نداشته باشد، نمی تواند با زمان حال تعامل کند و از این رو فرهیختگان مسلمان باید بتوانند آیندهٔ کشورهای خویش را خود ترسیم کنند؛ به ویژه آن که موضوعاتی مانند جهانی شدن باعث شده است تا آیندهٔ ملت‌های مسلمان بیش از پیش به هم وابسته شود. حسرت خوردن از پایان گذشته‌ای پرافتخار و یا اکتفا کردن به نقد وضعیت کنونی راه حل های مناسبی برای مواجهه با پدیده هایی چون تهاجم فرهنگی و یا جهانی شدن فکر و فرهنگ غربی نیستند؛ این فهم زمان حال برخاسته از معرفت به آینده است که می تواند قدرت مسلمانان را در حل مسایل و معضلاتشان افزایش دهد؛

مشروط به آن‌که برخاسته از علمی معطوف به عمل باشد. یکی از معیارهای شناخت مطلوب زمانه آن است که محقق غفلتاً با حوادث آینده مواجه نمی شود. کسی که دید روشنی از آینده نداشته باشد به درستی نمی داند که چگونه با زمان حال مواجه شود. آینده از امروز آغاز می‌شود و جوامع اسلامی نیازمند بهبود سیاست‌هایی هستند که هم‌اکنون اتخاذ می‌نمایند تا به آینده‌ای بهتر نائل شوند. همچنین آینده‌پژوهی موجبِ کسب آمادگی مطلوب برای زندگی در آینده می شود. مهیا شدن برای آینده منوط به داشتن برنامه در زمان حال است. موفقیت کسی که تنها به زمان حاضر می اندیشد، پایدار و ماندنی نیست؛ مثلاً آینده پژوهی وظیفهٔ هشدار قبلی و آمادگی قبلی در قبال مسایل آتی و معین کردن درجهٔ احتمال وقوعشان را بر عهده می‌گیرد و موجب مطالعه در زمینهٔ امکانات و توانایی های بالفعل و بالقوهٔ افراد جامعه به منظور توسعهٔ توانایی های آن می شود. برخی از پیش‌فرض‌های آینده‌پژوهی عبارت‌اند از:

۱. آینده از ابتدا مقدر نشده است. (قابل‌تغییر و جایگزینی است.)
۲. شناخت آینده پیش از آن‌که برای اصلاح زمان حال باشد برای ساختن فردایی بهتر است.
۳. زمان حال را نمی توان بدون درک گذشته و تصویری از آیندهٔ مقابل شناخت؛ اما چنین نیست که هر چه در آینده پدید آید، در گذشته و یا زمان حال موجود باشد. آینده دارای عناصر و روابطی است که پیش‌تر از آن موجود نبوده‌اند.
۴. هر جامعه دارای آینده‌های ممکن بسیاری است که برخی از آن‌ها بدیل دیگری‌اند.
۵. هرگونه توسعه‌ای در گرو ترسیم آیندهٔ خویش است. توسعهٔ موفق توسعه‌ای است که تصویر آینده خویش را به گونه ای بومی و بر پایهٔ نیازهای واقعی خویش ترسیم کرده است.

**بیندیشیم**

مطالعهٔ روابط علی و معلولی مندرج در متون فرهنگی جهان اسلام، ضمن تقویت قدرت استدلال خواننده، نتایج فرهنگی مثبتی را در ساخت نظریه دارد. با مطالعهٔ چند زیر، به روابط علی و معلولی مندرج در آن توجه کنید:

متنی از قابوس‌نامه:

و هر کسی را که وزارت دادی، وی را در وزارت تمکینی تمام کن تا کارهای تو و شغل مملکت تو برو بسته نباشد و به اقرباء و پیوستگان او نیکویی کن، به معاش دادن و خوبی کردن تقصیر مکن، اما خویشان و پیوستگان وی را عمل مفرمای که یکباره پیه به گربه {در نسخه ای دیگر: گرگ} نتوان سپردن که وی به هیچ حال حساب پیوستگان خویش به حق نکند و از بهر مال تو خویشان خویش را نیازارد و نیز کسان وزیر صد بیداد بکنند بر خلقان که بیگانه از آن صد، یکی نیارد کردن و وزیر از کسان خویش در گذرد و از بیگانه در نگذرد. (عنصرالمعالی کیکاووس، ۱۳۸۰: ۲۲۹)

متنی از سیاست‌نامه خواجه نظام الملک:

عُمال را که عملی[۱] می‌دهند، ایشان را وصیت باید کرد تا با خلق خدای، تعالی، نیکو روند و از ایشان جز مال حق نستانند و آن نیز به مدارا و مجاملت طلب کنند و تا ایشان را دست به ارتفاعی[۲] نرسد، آن مال نخواهند، که چون پیش از وقت خواهند، رعایا را رنج رسد و درمگانه ارتفاعی که خواهد رسید، از ضرورت، به نیم درم بفروشند و از آن مستأصل و آواره شوند و اگر کسی از رعیت در ماند و به گاو و تخم حاجتمند گردد، او را وام دهند و سبک‌بار دارند تا بر جای بماند و از خانه خویش به غربت نیفتد. (خواجه نظام الملک، ۱۳۶۴: ۲۴)

و یا همین نویسنده می‌نویسد:

چاره نیست پادشاه را از آنکه هر هفته‌ای دو روز به مظالم بنشیند و داد از بیدادگر بستاند و انصاف بدهد و سخن رعیت به گوش خویش بشنود بی‌واسطه‌ای و چند قصه[۳] که مهم تر بود، باید که عرضه کنند و در هر یکی مثالی[۴] دهد، که چون این خبر در مملکت پراکنده شود که خداوند جهان، متظلمان و دادخواهان را، در هفته‌ای دو روز، پیش خویش می‌خواند و سخن ایشان می‌شنود، همه ظالمان بشکوه‌اند[۵] و دست‌ها کوتاه دارند و کس نیارد[۶] بیدادی کردن و دست‌درازی کردن از بیم عقوبت. (همان: ۱۲)

متنی از فصول منتزعه اثر حکیم ابونصر فارابی:

---

۱. خدمت دیوانی

۲. برداشت محصول

۳. عرض حال و نامه

۴. فرمانی

۵. بترسند

۶. جرئت نکند

به سه دلیل نباید گذاشت که هیچ‌کس کنش‌های گوناگون انجام دهـد و دارای بـیش از یک پیشه باشد، بلکه شاید کسی در جامعه آمـادهٔ فراگـرفتن پیشـه و کـاری اسـت کـه دیگری سزاوار آن نیست و دیگری شایسته کاری دیگر است که آن یکی آمادگی انجام آن را ندارد. دلیل دوم، آن است که همین که انسانی یک کار و یک پیشه را بر گزینـد و از کودکی به همان کار و پیشه بزرگ شود و کار دیگری نپذیرد، او در سازمان بخشیدن همان پیشه و کار رساتر و برتر و در انجام همان پیشه و کار چیره دست‌تـر و اسـتادتر از دیگران خواهد بود. دلیل سوم، آنکه همهٔ کارها، زمان‌های معین و اوقـات ویـژه‌ای دارد، همین که پدید آوردن کنش ها دیر شود و زمان آن به تأخیر افتد، از میان خواهد رفـت و گاهی پیش می آید که انجام دو کار در یک زمان اسـت، پـس همـین کـه او بـه یکـی سرگرم شود، دیگری از میان خواهد رفت و در وقت دوم به آن دست نخواهـد یافـت. از این رو شایسته است که هر انسانی به یک کار دست یازد تا هر یک از دو کار به هنگـام خود انجام گیرد و فرصت تباه نشود و زمان از میان نرود. (ابونصر فـارابی، ۱۳۸۲: ۶۵ – ۶۶)

## ۱۵. رعایت «اخلاق و ادب»

تحقیق علمی توأم باتقوا و رعایت پاکی و سلامت در کلام اسـت. عاقبـت بـه خیـری انسان‌ها (محقق و غیر محقق) در صدق و راستی آن‌هاست:

هذا یَومُ یَنْفَعُ الصَادِقِیْنَ صِدقُهُم

این روزی است که راست‌گویان را راستی‌شان سـود بخشـد (قـرآن مجیـد، مائـده، بخشی از آیه ۱۱۹)

اگر هدف از شناخت علمی، بیان واقعیت از سر صدق و راستگویی است، پس نمی توان اخلاق را از طریق علم جدا دانسـت. در عـین نقـد علمـی، احتـرام بزرگـان دینـی را بایـد نگاهداشـت. اسـتدلال منطقـی را نبایـد فـدای هیجانـات زودگـذر کـرد و در مـدح و ذم موضوعات علمی نباید جز بر مدار حق شد.

## ۱۶. «اول شناخت، سپس حکم»

تا مسئله‌ای به درستی شناخته نشود، امکان ورود علمی به آن ناممکن اسـت. یکـی از اشتباهات رایج در نگارش برخی از مقالات و پایـان‌نامـه‌هـا ناشـی از تعجیـل نویسـنده در صدور حکم و قضاوت نهایی، بدون فراهم کردن مقدمات لازم است. پژوهش را باید در دو

مرحلهٔ پی در پی انجام داد:

۱. شناخت صحیح مسئله یا موضوع تحقیق،

۲. ارزیابی و داوری.

برای مثال، فخر رازی (۵۳۴ – ۶۰۶ ق) کتاب (جامع العلوم «ستّینی») را در دوران جوانی خود نگاشته است.[۱] نکات زیر در بررسی این اثر حائز اهمیت است:

۱. با شناخت این اثر تنها می‌توان در محدودهٔ این اثر و نه همهٔ آثار فخر رازی، قضاوت کرد.

۲. اعتبار قضاوت دربارهٔ آرای فخر رازی در این کتاب، در پرتو مقدار شناخت حاصله از آن است و از آنجا که این اثر مربوط به دوران جوانی فخر رازی است، پس این امکان موجود است که دیدگاه وی در گذر زمان تغییر کرده باشد.

۳. لذا نمی‌توان به صرف شناخت افکار جوانی فخر رازی، حکم کلی‌ای را به تمامی مراحل حیات فکری او تعمیم داد.

۴. حال اگر دربارهٔ انتساب این رساله به فخر رازی نیز اختلاف نظر باشد، حکم و قضاوت دربارهٔ آن مشکل‌تر خواهد شد.

## ۱۷. «تناسب روش با علم مورد نظر»

روش علمی عبارت است از مجموعه قواعد و راه هایی است که در شناخت هر علم به کار می‌رود. از دیرباز دانسته شده بود که علم از راه‌های مختلفی کسب می‌شود. که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: حس ۲. خبر ۳. نظر. (خطابی، ۱۹۹۸: ۲/ ۵۵۷) از دیدگاه راغب اصفهانی (۴۰۲ ق / ۱۰۱۱ م) راه‌های کسب علم بر چهار گونه است:

- علوم حاصل از بدیهیات عقل یا از امور حسی.
- علوم حاصل از جنبهٔ نظری مبتنی بر مقدمات عقلی و یا مقدمات محسوس
- علوم حاصل از خبر که بر پایهٔ شنیدن و یا خواندن است و تا حالت گمانی خبر مرتفع نشود، تبدیل به علم نخواهد شد.

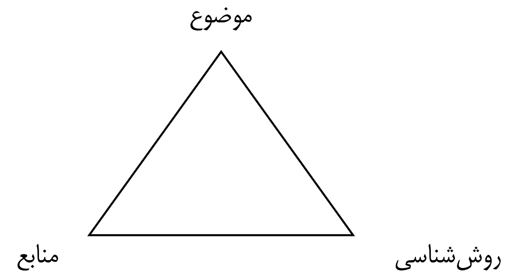
---

۱. این اثر با این مشخصات به چاپ رسیده است: رازی، فخرالدین (۱۳۸۲ ش) **جامع العلوم «ستینی»**، (تصحیح) سید علی آل‌داود، تهران (چاپ اول) مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

- علوم حاصل از طریق وحی. (همان: ۲/ ۵۶۰-۵۶۲)

علم (Science) به معنای شناخت حاصل از مشاهده، آزمایش و روش تجربی است. این‌گونه از شناخت ارزشمند است ولی باید روش تجربی را بر مفهوم علم تحمیل نکرد (اجتناب از حصر مفهوم علم در روش‌شناسی تجربی) نه می‌توان تمام علوم را منحصر به روش‌شناسی تجربی کرد و نه می‌توان کارایی روش تجربی را در موضوعات تجربی زیر سئوال برد.

هر علمی از منطق روشی خاص خود تبعیت می‌کند و تعمیم اصول روش‌شناسی هر یک به دیگری نادرست است؛ بنابراین در فقه باید ملتزم به قواعد و روش‌های فقهی بود و در تاریخ از اصول شناخته‌شده میان مورخان استفاده کرد و در تفسیر و علوم قرآن ملتزم به روش‌های تفسیری بود. علم به اعتباری شامل موضوع، منابع (داده‌ها) و روش تحلیل آن داده‌هاست. برخی از اندیشمندان مسلمان (شیعه و یا اهل سنت) که حداقل در یکی از سه عرصهٔ مذکور، متأثر از جریان‌های فکری مغرب زمین بوده‌اند که دلایل مختلفی دارد که از زمرهٔ آن‌ها می‌توان به تأثیرپذیری از سنت‌های مطالعاتی شرق‌شناسی بر اثر نهضت ترجمه، اعزام دانشجو به مراکز فرهنگی و آموزشی غرب، ورود اساتید غربی به جهان اسلام، سیاست دولت‌های غرب‌زده در جهان اسلام و مانند آن اشاره کرد.



مثلث اجزای اصلی یک پژوهش

برای مثال نصر حامد ابوزید (۱۹۴۹ - ۲۰۱۰ م) که روش تفسیر او از قرآن که متأثر از سنت‌های تفسیری غربی است و موجب تکفیرش که شرح مفصلی از آن در کتاب (تفکر در عصر تکفیر) و نیز در ضمیمهٔ کتاب معنای متن، پژوهشی در علوم قرآن (ابوزید، ۱۳۸۷: ۴۸۲ -۴۹۲) آمده است، در کتاب «**رویکرد عقلانی در تفسیر قرآن**» با محوریت دادن به

نقش عبدالله بن سبأ، شیعیان را به سه دسته تقسیم می کند: ۱. غلات (مؤسس آن: عبدالله بن سبأ)، ۲. امامیه، (مؤسس آن: مختار بن عبید) و ۳. زیدیه، (مؤسس آن زید بن علی زین‌العابدین) او در چنین سیاقی می‌اندیشد که اعتقاد به مهدویت در مقابل حکومتِ دنیوی بنی امیه مطرح شد. (ابوزید ۱۳۸۷: ۳۱) اعتقادی که به زعم او اساساً با کارآیی انسان که معتزله همواره به تاکید بر آن و دفاع از آن تلاش می کردند؛ متناقض است. (ص ۵۳) و یا محمد عابد الجابری (۱۹۳۶–۲۰۱۰ م) متأثر از لویی ماسینیون، اعتقاد به امامت در شیعه را امتداد هرمس گرایی[1] می‌داند و شیعیان را نخستین هرمس گرایان اسلام می خواند. (جابری، ۱۳۸۹: ۳۳۹–۳۴۰ و ۴۱۵)

نیز روژه آرنالدز شرق شناس فرانسوی، در بیان دیدگاه محمد ارکون دربارۀ اسلام می گوید که گرچه او دربارۀ قرآن و سنت صحبت می کند ولی محقق غربی سریعاً متوجه این موضوع می‌شود که در حال بازگویی نظریه‌ای غربی است. (الشیخ، ۱۹۹۹: ۶۳) مثال‌ها در این زمینه بسیار است.

تعاریف و تعابیر مختلفی از علم بیان شده است. پذیرش هر تعریفی از علم منوط به پذیرش تفسیری از تاریخ علم است. برای مثال، تفاوت مفهوم Science (علم) با Knowledge (شناخت در مفهوم کلی) از دیدگاه غربی، به سیر تاریخی تحول فکری و فرهنگی جوامع غربی بازمی گردد. توجه به این تاریخ به ما نشان می‌دهد که چگونه در فضای مفهومی این واژه، دنیا و مظاهر مادی آن در کانون توجه دانشمندان قرار گرفت و از درک پدیده‌ها در قالب مخلوقات الهی انصراف حاصل شد و چگونه علم در روش شناسایی واحدی «حصر» شد و در نهایت چگونه علم و از جمله علوم انسانی در ذیل مفهوم طبیعیات تفسیر شدند. البته این موضوعی مربوط به تاریخ علم و از برخی جهات فلسفۀ علم است و در این مجال همین قدر کفایت می کند که متوجه بستر تاریخی و فلسفی خود در حین تعریف علم باشیم و البته باید اوهام و خیالاتی از قبیل دوره های سه گانه اوگوست کنت (مبنی بر دوران متافیزیکی، دوران فلسفی و دوران تحققی) را از معنای تاریخ علم جدا کرد. (جعفری، ۱۳۷۷: ۲ / ۲۳–۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱ / ۶۴۲)

---

۱. مکتب هرمس از تلاقی تمدن‌های یونانی و مصری در اسکندریه ایجاد شد. سید حسین نصر نشان می‌دهد که چنین اعتقادی با نهضت ترجمه متون فلسفی در دوران عباسیان وارد جهان اسلام شد. در زمینۀ هرمس و نوشته‌های هرمسی در جهان اسلامی نک: (نصر، ۱۳۴۸: ۵۹ – ۹۰)

یکسان دانستن علوم طبیعی با علوم انسانی امری متفاوت با پذیرش وجود رابطه میـان آن‌ها است. برای مثال، متفکری (در علوم انسانی) که تصویر ماهواره‌ای چرخش وضـعی و انتقالی زمین را دیده باشد، یقیناً به نسبت پیشینیان خود که فاقد چنـین تجربـه ای بودنـد، بهتر دربارهٔ زمین اندیشیده و دارای افق فکری وسیع‌تری خواهد بود؛ امّا این امر به معنـای تعمیم روش علوم تجربی بر تفسیر قرآن نیستند. چنانکه مفسران بزرگ قرآن بر ایـن امـر تاکید دارند که در تفسیر قرآن، نباید از ظن و گمان و آنچـه حجیـت و اعتبـار عقلـی و یـا شرعی ندارد، پیروی کـرد. در ایـن زمینـه آیـت الله معرفـت معتقـد اسـت کـه اسـتفاده از فراورده‌های علمی به عنوان ابزار درک قرآنی برای خود صاحب‌نظـران قهـری اسـت؛ امّـا دیگران که می خواهند از این نظریات استفاده کنند اولاً باید این نظریات به سر حد کمـال رسیده باشد و ثانیاً با کلمهٔ محتمل در تفسیر مطرح شود نه آنکه به طور جدی گفتـه شـود معنای آیه همین است و لا غیر. (نک: معرفـت، ۱۳۸۴: ۶۰؛ خـویی، ۱۳۸۲: ۵۲۶–۵۲۷؛ طباطبـایی، ۱۳۶۳: ۱/ ۷ – ۲۱)

## ۱۸. تمییز قیاس از استقراء

بحث استقراء و قیاس یکی از مباحث مهم تعریف علم است. اسـتقرای تـام، اسـتقرای برهانی است که کاملاً معتبر و مفید یقین است؛ امّا معمولاً انجام استقرای کامل در سطوح مطالعهٔ وسیع ممکن نیست. در این حالت، استقرا تنها افادهٔ ظن غالب مـی‌کنـد. امـروزه در علوم انسانی (به ویژه در علوم اجتماعی) پذیرفته شـده اسـت کـه پایـهٔ پـژوهش از حـوزهٔ قیاسی و نه استقرایی آغاز می‌شود و استقرا به عنوان پایهٔ علم قابل‌قبول نیست. (رفیـع پـور، ۱۳۷۸: ۹۲) معمولاً در مطالعات اکتشافی و نیز تکمیل جورچین روابـط علـت – معلـولی در نظریه (قیاس)، به استقراء توجه می‌شود.

تجربه متفاوت با استقرا است. استقراء در مقابل قیاس قرار دارد؛ امّـا معمـولاً آن را بـه اشتباه، با «تجربه» یکی می دانند. تجربه ناظر به ماهیت شیء (بما هـو شـیء) بـوده و بـه دنبال دریافت خاصیت درونی شیء است. درحالی که استقراء متوجه شناخت رابطهٔ شیء بـا خارج است. ضمن آنکه در تجربه مسئلهٔ قیاس خفی مطرح می شود چنانکه مرحـوم شـهید مطهری (۱۲۹۹ – ۱۳۵۸ ش) می‌نویسد:

> ... وقتی که مسئله، خاصیت خود شیء شد و ما هستیم و آهـن «بمـا هـو آهـن» یعنـی طبیعت آهن، می گوییم پس آهن چنین خاصیتی دارد. وقتی که در ده مورد فهمیدیم که

> این خاصیت مربوط به خود آهن هست، چون هیچ عامل دیگری غیـر از خـود آهـن در اینجا وجود ندارد، اینجاست که «قیاس خفی» که بـو علـی سـینا و خواجـه نصـیرالدین می‌گویند در کار می‌آید. آن وقت امر دایر به این است که: آهـن از آن جهـت کـه آهـن است خاصیت متحدالشکلی داشته باشد، یعنی این طبیعت واحد، اثر واحـد داشـته باشـد، این جاست که یک قیاس خفی در کار می آید و شما می گویید: «حکم الامثـال فـی مـا یجوز و فی ما لا یجوز واحد» یعنی اموری که مانند یکدیگر هسـتند، اگـر صـد در صـد مانند یکدیگر باشند، نمی‌تواند احکام مختلف و متناقضی داشته باشد، مثل این است کـه بگوییم در یک جا پنج ضربدر پنج، بیست و پنج می شود، ولی در جـای دیگـر بیسـت و شش می شود! چنین نیست. پنج ضرب در پنج در همه جا یک خصلت واحـد دارد. پـس به حکم قاعدهٔ کلی که حکم امثال یکی است، آهن در همه جـا یـک خصـلت دارد، بـه دلیل اینکه این موضوع مربوط به رابطهٔ آهن با شـیء دیگـر نیسـت، یعنـی مربـوط بـه خصلتی که آهن قابل باشد و دیگری به او داده باشد، نیست، عکس‌العملـی اسـت کـه آهن در مقابل عامل از خود نشان می‌دهد. (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۲۵–۱۲۶)

## ۱۹. «هدفمندی در تحقیق»

خواندن و نوشتن بی هدف کاری عبث و بیهوده است؛ بنابراین، به جهت هدفمند کردن پژوهش باید رابطهٔ اقدامات خویش مانند انتخاب منابع، مطالعـه، یادداشـت‌بـرداری و ... بـا «پرسش‌های اصلی تحقیق» را مشخص کرد. در ادامه بیـان مـی‌شـود کـه پرسـش‌هـای تحقیق قطب‌نمای آن هستند.

در قبال انجام هر بخش از تحقیق خود، باید بتوان دلیل انجام آن را و نیز توجیه عـدم انجام برخی اقدامات نزدیک به پژوهش بیان کرد. برای مثال:

- چرا این موضوع تحقیق انتخاب‌شده است؟
- چرا محقق از این زاویه وارد مسئله شده است؟
- چرا برخی از منابع مطالعاتی انتخاب‌شده و از برخی دیگر چشم‌پوشی شده است؟

نویسنده موارد بسیاری از نگارش بی‌هدف پایان‌نامه‌های دانشجویی را مشـاهده کـرده است که در برخی از موارد، دانشجو قادر به توضیح علت انتخاب فصلی از رساله اش نبـوده است.

## ۲۰. «عدم اعتماد به گمان»

هیچ گاه نباید نتایج تحقیق خود را مبتنی بر «امور ظنی» و «احتمالات» کرد. در این صورت نتیجه‌گیری تحقیق، مقید به قید «شاید» و نظایر آن خواهد شد. (شاید باشد، شاید نباشد!) در نتیجه به رغم صرف وقت و هزینه‌های بسیار، گویی کاری انجام نشده است.

نباید دنباله روِ چیزی بود که بدان علم نداشت. «و لا تقف ما لیس لک به علم» (قرآن مجید، اسرا: ۳۶. نیز نک: زخرف: ۸۶ / یونس: ۳۶ و ۶۶ / بقره: ۱۶۹) در بررسی قرآن و سنت نباید متأثر از روش‌های فرض گروی رایج در مطالعات علوم طبیعی بود. در مطالعات علوم اسلامی، فرضیه تا پیش از رسیدن به علم از راه های معتبر، قابل استناد و اتکا نیست. با این حال به طور طبیعی هر محققی در بررسی یک مسئله با مراتب مختلفی از شناخت سروکار دارد که در قاعدهٔ بعدی به آن اشاره می‌شود.

## ۲۱. «تعیین درجهٔ تشخیص شناخت»

محقق باید دانسته‌های خود را بر اساس میزان شناختش درجه‌بندی کند و یقین خود را از نقل‌قول‌هایی که نمی‌پذیرد، جدا کند و دلایل شناخت علمی خود را در اسلوب مناسبی بیان کند. خواننده باید بداند که در گزارش تحقیق کجا «علم» است و کجا «احتمال» یا «شک» یا «ظن» و یا «اطمینان» است. لذا متن علمی نیازمند گنجاندن قیدهایی است که در صورت نبود یقین، درجهٔ شناخت را نشان دهد. این بدان معناست که محقق باید آگاهی صحیحی از ساختار دانسته هایش داشته باشد تا بتواند به انتقال صحیح اطلاعات به خواننده مبادرت کند. مرحوم علامه جعفری در تعریف اصطلاحات فوق درجه‌بندی زیر را مطرح کرده است: (امید و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۲؛ نیز نک: طباطبایی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۷۱-۳۷۲)

- علم: انکشاف صد در صد واقعیت در ذهن.
- اطمینان: انکشاف ۷۰ – ۹۹ درصد واقعیت در ذهن.
- ظن: انکشاف ۵۱ – ۹۹ درصد واقعیت در ذهن.
- شک و تردید: انکشاف پنجاه درصد واقعیت در ذهن.
- احتمال: انکشاف زیر پنجاه درصد واقعیت در ذهن.

البته همواره این دقت مورد توجه نیست، پس به‌طورکلی می توان گفت که در یک

پژوهش علمی همواره شناخت علمی از شناخت غیرعلمی جدا می‌شود و از خلط شناخت‌ها که موجب سردرگمی خواننده می‌شود باید اجتناب کرد. دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در پانوشت بخشی از ترجمه کتاب «البدء و التاریخ» اثر محمد بن طاهر مَقدسی، با عنوان «آفرینش و تاریخ» در عباراتی بسیار آموزنده که مبتنی بر روح تحقیق و پژوهش است، توجه خواننده را به عباراتی از کتاب مقدسی می‌دهد که او آن را به درستی متوجه نشده است. شوق به دانستن در عبارات او موج می‌زند و آفرین بر سلامت نفس او در تحقیق:

> عبارات این بخش را به درستی درنیافتم و تردیدی ندارم که افتادگی‌های بسیاری در آن راه یافته است. با این همه ممکن است اهل تحقیق عبارات متن درست را تشخیص دهند، در آن صورت بر عجز و جهل من ببخشایند و از راهنمایی دریغ نفرمایند، اینک متن عبارت کتاب: إلا أن لا شیء فی الغائب الا جسم او عَرَض لأنه لا یری فی الشاهد غیر حدث ... (مقدسی، ۱۳۸۱: ۱ / ۱۵۰)

## ۲۲. «اگر نقل کننده هستی پس سند»

به طور کلی هر نقلی مرکب از حداقل دو جزء اساسی است: ۱. سند و ۲. متن و ساختار محتوایی آن. در حین نقل مطالب، اسناد مربوط به آن ها، هر یک با اتکا به روش خاص خود، باید مورد بررسی شود. از لحاظ بررسی روایات معصومین علیهم‌السلام، سند شناسی مشتمل بر دو علم رجال و حدیث است. علم رجال به بررسی افراد راوی حدیث و علم حدیث به سلسله ای که راویان در آن قرار می گیرند، اختصاص دارد. البته صحت سند روایت در اثبات حقیقی و واقعی بودن آن کفایت نمی‌کند، بلکه با لحاظ سایر معیارها می‌توان به درستی و یا نادرستی آن حکم کرد. در نقل‌قول‌ها باید به منابع اصلی آن‌ها توجه کرد. برای مثال، به نقل فردی دروغ‌گو و یا بی‌دقت نباید اعتماد کرد و پذیرش سخنان آن ها را باید به تأیید صحت آن از طریق منابع دیگر موکول کرد. ضعف سند لزوماً به معنای جعلی بودن روایت نیست؛ هرچند که اعتبار روایت را بسیار پایین می‌آورد. یکی از راه های تشخیص صحت محتوای یک روایت، هماهنگی آن با قرآن کریم و عدم تناقضش با مسلمات یقینی اسلامی است. قرآن مجید درست ترین معیار و میزان برای سنجش صحت و سقم روایات و اخبار است. همچنین از برخی از مسلمات تاریخی نیز می توان در تشخیص صحت نقل استفاده کرد. در روایتی از امام جعفر صادق (علیه السلام)

چنین وارد شده است:

إذا أردتَ أن تَخْتَبِرَ عَقْلَ الرجُل فی مجلسٍ واحدٍ فَحَدِّثْهُ فی خِلالِ حَدیثِک بِما لا یکونُ، فأنْ أنْکَرَهُ فَهُوَ عاقِلٌ، وَ إنْ صَدَّقَهُ فَهُوَ أحْمَقٌ

هرگاه خواستی عقل کسی را با یک نشست‌وبرخاست بیازمایی، در خلال سخن خود، چیزی بگو که تحقق آن محال باشد، اگر آن را نپذیرفت بدان که عاقل و خردمند است و اگر آن را پذیرفت بدان که کم خرد و نادان است. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۱)

تناقض یک خبر با امور قطعی تاریخی برای رد و عدم پذیرش آن کافی است. از همین قبیل است، هر گاه راوی مدعی شود که از فلان فرد حادثه ای را دیده یا شنیده است، درحالی که آن فرد پیش از تولد راوی مرده یا پس از وفات او به دنیا آمده باشد. در مواردی نیز وجود چند روایت متناقض دربارهٔ یک موضوع، به خودی خود نشان می دهد که یک یا چند مورد از آن، باید جعلی باشد. همچنین نقل باید با احکام فطری و عقلی سازگار باشد. هیچ یک از تعالیم، اقوال، افعال و مواضع رسول الله و ائمه اطهار علیهم‌السلام مخالف عقل و فطرت نیستند. حکم عقل به وجوب عصمت پیامبر و امام از خطا و گناه نمونه‌ای از آن است؛ بنابراین متنی که خطا یا گناهی به ایشان نسبت می‌دهد، مردود است.

## ۲۳. «اگر مدعی هستی پس دلیل»

ادعا سخنی است که درستی و یا نادرستی آن مشخص نیست. زمانی که گفته می شود: ادعای فوق بر حق است. حقانیت آن ادعا به مجموعه دلایلی کافی و متقن منسوب می شود. بر همین اساس «ادعای ناحق» ادعایی است که با دلایل متقن رد شده است. لذا نحوهٔ استدلال نقش قاطعی در سلامت تحقیق دارد.

## ۲۴. «بیان حقیقت، همهٔ حقیقت»

هیچ گاه نباید پژوهش مبتنی بر مطلبی غیر واقعی شود. هیچ خیری در دروغ نیست و عدم پذیرش حقیقت در درجهٔ اول تحقیر و فریب خود است. بسیاری از مورخان اروپایی، هر جا در بیان احوالات پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله به تأویل و تفسیری دست یابند که متضمن ایراد یا انتقادی بر ایشان باشد، آن را به هر تفسیر و یا تأویل دیگری ترجیح می‌دهند. (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۱۹۰) و این امر نه پژوهشی علمی، که چیزی جز عناد و

کینه جویی نیست. پژوهشگر باید خود را ملتزم به بیان حقیقت بداند و همهٔ حقیقت مـرتبط با پاسخ پرسش تحقیق را بیان کند.

## ۲۵. «پرهیز از ابهام و تعقید در متن»

ابهام به دو یا چند معنایی بودن گفتـاری اطـلاق مـی شـود کـه بخشـی از دلایـل آن محتوایی (مانند عدم کفایت در دلیل) و برخی دیگر ساختاری (مانند مشخص نبودن مرجع ضمیر) است. از آنجا که نمی توان بدون روشن شدن گفتار تحقیق خود حتی یـک گـام در جهت انتقال اطلاعات علمی برداشت، پس همـواره نیـاز بـه رعایـت صـراحت، روانـی در گزارش پژوهش موجود است. استدلال نباید چنان مطرح شود که بـرخلاف منظـور اصـلی محقق، قابل تفسیر به شیوه‌های مختلفی باشد. از شعارهای اصلی هر تحقیق علمی چنـین است: «پیچیده فکر کنید، روان بنویسید.»

در زمینه سخن شیوا و روانی و استحکام آن، مطالعهٔ کتاب زیر پیشنهاد می‌شود:

- جلال‌الدین همـایی (۱۳۸۹ ش) **فنون بلاغت و صناعات ادبـی**. تهـران (چاپ سی‌ام) نشر هما. (به ویژه ص ۳ الی ۲۳)

نیز به منظور آشنایی با الگویی نمونه در شیوهٔ نگارش مطالعهٔ منبع زیر توصیه می‌شود:

- عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۹۲) ***فرار از مدرسه دربارهٔ زندگی‌واندیشهٔ ابوحامد غزالی***. تهران (چاپ دوازدهم) انتشارات امیرکبیر.

## ۲۶. «وحدت رویه در تحقیق»

اجزای یک پژوهش باید یکدست و هماهنگ باشند. برای مثال، لازم اسـت تـا ارتبـاط منطقی بین پرسش، فرضیه و عنوان پژوهش برقـرار باشـد. بایـد ارتبـاطی منطقـی میـان نتیجه‌گیری تحقیق با پرسش مورد نظر ایجاد شود. نتیجه‌گیـری پژوهشـی کـه ربطـی بـا پرسش خود ندارد، فاقد اعتبار کافی است.

مثالی دیگر، وحدت رویه میان علم و روش شناسایی آن است. برای مثال، نبایـد روش تجربی را بر تفسیر قرآن تحمیل کرد. نیز در انجام تحقیق، باید از یک منطق روشی واحـد بهره گرفت. لذا پیش از انجام تحقیق، لازم است برنامهٔ روشی خود را تبیـین کـرد. غالـب

متفکران اسلامی به ویژه مفسران قرآن نظیر علامه طباطبایی، شیوه‌ای مشـخص و قابـل پیش‌بینی در تفسیر قرآن دارند و از خلط مباحث و روش‌ها انتقاد می‌کنند. به مثال‌های زیر توجه شود:

– خلط بحث «محکم و متشابه» با بحث پیرامـون معنـای «تأویـل» منجـر بـه انحـراف و اختلاف عجیبی در انعقاد اصل مسئله و نتیجه‌گیری از آن شده است. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳ / ۴۹)

– شخصی که معتقد است حسن و قبح کلی و دائمی نیست و همواره در تغییـر و دگرگـونی است، در مقام استدلال مفهوم را با مصداق خلط می‌کند. برای مثال، فردی می‌گوید کـه عـدل و ظلم (روشن ترین مصادیق حسن و قبح) دائمی نیست. زیرا اجرای یک قانون مانند زدن شلاق به مرد و زن زناکار، در جامعهٔ اسلامی عدل است و در جوامع غربی ظلم. درحـالی‌کـه ایـن نظـر بـه سبب خلط بحث فوق نادرست است. غربی‌ها نیز عدل را خوب و ظلم را بد می‌دانند، (قاعده حسن و قبح برای آن‌ها نیز دائمی است) امّا در مصداق (تازیانه زدن به زناکار) اختلاف نظر موجود است. (همان: ۵ / ۱۱) علامه طباطبایی در ادامه می نویسد: «و کسی که مثل این گوینده فـرق میـان مفهوم و مصداق را تشخیص ندهد، ما نیز با او بحثی نداریم. ...»

– نویسنده (مانند صاحب تفسیر المنار) نباید بحث تفسیری را که کـارش بـه دسـت آوردن مدلول آیات کریمهٔ قرآن است، با بحث کلامی که هدفی جز اثبات گفته متکلم دربـارهٔ مـذهبش نداشته و مبتنی بر هر دلیل ممکن از عقل، کتاب، سنت، اجماع و یا دلیلی مختلط از آن ها اسـت، «خلط» کند. بحث تفسیری اجازه استدلال به غیر قرآن را نداده و مفسر نباید نظریه ای علمـی را بر قرآن تحمیل کند. (همان: ۹ / ۲۹۳)

## ۲۷. «نگو درست نیست تا نمی‌دانی که درست چیست»

تقریر درست مسئله، متضمن بیان وضعیت‌های نادرست و رد آن‌ها اسـت. بیـان اینکـه چه چیز درست است، به طور طبیعی امر نادرست را نشان می دهـد. همـواره بایـد در کنـار جنبهٔ سلبی پژوهش، متوجه جنبهٔ ایجابی آن نیز بود و به رد مطالب نادرست اکتفا نکرد.

## ۲۸. «رعایت اولویت در سند و دلیل»

بیان اسناد و ادله باید بر پایه نظمی مشخص باشد و بهتر است اولویت ترتیب بـر پایـهٔ ارزش اسناد و دلایل، به ترتیب از عالی ترین سند موجود باشد و مـابقی اسـناد بـه عنـوان مکمل آن بیان شود. هیچ گاه نباید اسناد درجـهٔ دوم را بـر اسـناد درجـهٔ اول تـرجیح داد و

ارتباط پژوهش خود را با مراجع اصلی پژوهش قطع کرد. با وجود دلایل و مدارک متقن از دلایل ضعیف و نارسا استفاده نکنید.

## ۲۹. «اصل مقدم بر فرع»

حاشیه را نباید چنان گسترانید که از موضوع اصلی پژوهش خارج شد. معیار اصلی برای تمییز اصل و فرع پژوهش از هم «پرسش تحقیق» است. اگر قاعدهٔ «هدفمندی در تحقیق» رعایت شود، احتمال خروج از موضوع تحقیق بسیار کاهش خواهد یافت. برای مثال، اصل در هر پژوهش بنا بر بررسی پرسش‌های اصلی تحقیق است، نه دیگر پرسش ها و یا اصل در انجام هر پژوهش، بنا بر اتکا بر منابع معتبر است، نه دیگر منابع. در انتخاب منابع نیز اصل بر منابعی است که مستقیماً به حل مسئله کمک کنند.

## ۳۰. «عدم خروج از عرف زبان علمی مگر با دلیل محکم»

در هر علم، اولویت با کاربرد اصطلاحات رایج در همان علم است. در علوم اسلامی می توان از ظرفیت های واژگانی آثار علمای متقدم و متأخر استفاده کرد. باید تا حد امکان واژگان تخصصی خود را از میراث فرهنگی جهان اسلام و نه غرب استخراج کرد. برای مثال، در پژوهش های تاریخ صدر اسلام از واژهٔ انتخابات برای بیعت و جنگ برای جهاد استفاده نکرد و حتی الامکان خود مبادرت به وضع اصطلاح جدید نکرد. در صورت نیاز مبرم به ساخت اصطلاحات جدید، باید آن را به صورت دقیق و مشخص تعریف کرد. همچنین علت وضع آن را به شکل مختصر و مفید بیان کرد.

## ۳۱. «نگارش پس از تحقیق»

از زمرهٔ باورهای نادرست برخی از دانشجویان این تصور است که: «پژوهش همان نگارش (مقاله‌یا پایان‌نامه و ...) است.» این در حالی است که ما ابتدا تحقیق می کنیم و در پایان گزارش آن را در قالب مقاله، پایان‌نامه و یا کتاب می‌نویسیم. «مرحلهٔ نگارش، مرحلهٔ گزارش پژوهش است.» به طور کلی مراحل تحقیق عبارت‌اند از:

- مرحلهٔ مطالعات اکتشافی - موضوع یابی به جهت طرح پرسشی برای تحقیق.
- پرورش مفهومی و محتوایی پرسش‌های تحقیق.
- نگارش طرح تحقیق.
- بررسی منابع و مدارک.
- جمع‌آوری داده‌های مرتبط با تحقیق.
- تحلیل داده‌ها.
- نتیجه‌گیری نهایی.
- نگارش و ویرایش گزارش نهایی.

## ۳۲. اولین قدم محقق، آخرین قدم او نباشد.

انجام تحقیق مستلزم صبر و حوصلهٔ بسیار است. به محض ارائهٔ یک پرسش و یا پاسخی اولیه برای آن، نباید کار را تمام‌شده تلقی کرد. نیز مشورت با اهل فن همواره کاری ارزشمند و قابل‌ستایش است، اما روی مشورت‌ها تأمل کرد و بهترین گزینه‌ها را انتخاب کرد.

از سخنان گرانمایهٔ حضرت علی (علیه‌السلام) است:

لسان عاقل وراءِ قَلبِه و قَلْبُ الأحمقِ وَراءَ لِسانِه

گفتار عاقل پس از تفکر و تأمل است و فکر احمق پس از گفتار اوست. (آشتیانی، ۱۳۸۳: ۱/ ۱۹)

مزن بی تأمل به گفتار دَم
نکو گوی اگر دیر گویی چه غم

## ۳۳. «محقق حق تشریع ندارد.»

هرگونه تشریعی در برابر تشریع الهی مردود است و هیچ حجت و مشروعیتی ندارد. سنت رسول‌الله مشروعیت دهنده به رفتار و گفتار افراد است و نه آنکه رفتار و گفتار افراد بدان مشروعیت بخشد. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم، بر پایهٔ رأی خویش اجتهاد نمی‌کرد[۱]؛

---

۱. بر خلاف آنچه که در شرح مقاصد تفتازانی و شرح تجرید ملاعلی قوشچی تصریح شده است.

از این رو هیچ احتمال خطایی در احکام صادره از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌رود.

اجتهاد در مقابل نص مروی از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باطل است و مخالفت با آن از سوی هر کس که بوده باشد، واجب است. معیار و میزان همه چیز قول و سنت رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم است که از طُرُق صحیح به ما رسیده باشد.

## ۳۴. «قرآن مصون از تحریف است.»

کتاب صد درصد درست و بدون تحریف قرآن است و در هر کتاب جز قرآن مطالب صحیح، ضعیف، تحریف شده و جعلی وجود دارد. استدلال بی‌اساس برخی مبنی بر تحریف قرآن، منجر به بطلان حجیت قرآن و در نتیجه نبوت حضرت خاتم‌الانبیاء صلی‌الله علیه و آله و لغو و بی‌اثر شدن معارف دین می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۲ / ۱۶۵- ۱۶۶) تمامی روایات تأییدکننده «تحریف قرآن» مردودند. (همان: ۲۰ / ۵۲۰)

## ۳۵. «رعایت حدود ابراز عقیده»

در مطالعات دینی که محقق می‌خواهد نظر دین را دربارهٔ موضوعی ارائه کند، نباید نظریهٔ شخصی و یا شبههٔ خود را پیش از عرضه به قرآن و به رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم و به اهل‌بیت علیهم‌السلام، در بین مردم منتشر کند؛ زیرا ممکن است برخلاف خواستهٔ محقق، موجبات دعوت به باطل و یا ایجاد اختلاف بین مردم کند که نهایتاً جامعه را به فساد می‌کشاند. (همان، ۴ / ۲۰۶ - ۲۰۷)

## ۳۶. «تقلید ناپذیری در کسب اعتقادات»

تقلید در امور اعتقادی جایز نیست. نیز «گمان» نمی‌تواند مأخذ اعتقادات باشد. زیرا همیشه احتمال خلاف در ظن وجود دارد. پس در امور اعتقادی ظن و حدس کفایت نمی‌کند و باید به یقین و قطع رسید.

اصول عقاید بر دو قسم هستند. ۱. عقاید ضروری مانند توحید، نبوت و معاد، که مرز پذیرش اسلام است. ۲. اصول نظری که در آن اختلاف بسیار به همراه ادله و شواهد و

استدلال‌های فراوان شده است. عدم پذیرش آن‌ها منجر به خروج از اسلام نمی‌شود.

## ۳۷. «تفاوت کلام الهی با کلام بشری»

در تفسیر آیات قرآنی نباید کلام خدا را با کلام مردم مورد مقایسه قرار داد. بیان قرآنی بر خلاف کلام بشری، کلامی است که الفاظش در عین جدایی از همدیگر، به یکدیگر متصل هستند. پس نباید به مدلول یک آیه و آنچه از به کار بردن قواعد عربیت می فهمیم اکتفا کرد و بدون آنکه سایر آیات مناسب با آن را مورد دقت و اجتهاد قرار داد به معنایی که از آن یک آیه به دست می آید تمسک کرد. همچنان که آیه شریفهٔ «افلا یتدبرون القرآن و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کبیراً» (قرآن مجید، نساء: ۸۲) بر پیوستگی تمامی آیات قرآن به هم اشاره دارد. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳ / ۱۱۷ - ۱۱۸)

تفاوت کلام خدا با سایر کلام ها از جنبهٔ نحوهٔ استعمال الفاظ یا چیدن جملات و به کار بردن فنون ادبی و صناعات لفظی نیست. زیرا قرآن کلامی عربی است: «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه، لیبین لهم» (قرآن مجید، ابراهیم: ۴) «و هذا لسان عربی مبین» (قرآن مجید، نحل: ۱۰۳) «انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون»(قرآن مجید، زخرف: ۳) بلکه تفاوت کلام الهی با کلام بشری، از جهت «**مراد و مصداق**» است. علامه طباطبایی اشاره دارد که ذهن انسان ها به جهت ارتباطی که با عالم طبیعت دارد، مأنوس با مادیات شده و از هر معنایی مفهوم مادی آن را فهمیده و هر مفهومی را با مصداق جسمانی‌اش منطبق می‌سازد. مثلاً زمانی که کلامی را از فردی مثل خود می‌شنویم، آن را بر مصداقی حمل می کنیم که معهود ذهن ما و نظام حاکم در آن است. زیرا می‌دانیم که گویندهٔ کلام نیز انسانی مانند ماست و خودش هم غیر از آنچه ما فهمیدیم، نمی‌فهمد و غیر آن را هم نمی فهماند. این نظام «حاکم در مصداق» در مفهوم هم جاری است. چه بسا که به مفهوم کلی استثنا می‌زند و یا مفهوم یک حکم جزئی را تعمیم می‌دهد و یا به نحوی دیگر در مفهوم دخل و تصرف می‌کند که آن را «تصرف قرائن عقلیهٔ غیر لفظیه» می‌نامیم. بکار بردن این تصرفات در تفسیر کلماتی که خداوند متعال در معرفی اسماء صفات، افعال خود، فرشتگان، کتب، رسولان، قیامت و متعلقات آن آورده همه‌اش از قبیل تفسیر به رأی و پیروی غیر علم و تحریف کلام از مواضعش است. (نک: طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳ / ۱۲۱-۱۲۴)

## ۳۸. «ثبات اصول اعتقادی و اخلاقی و احکام اولیه اسلام»

اصول اعتقادی و اخلاقی اسلام در گذر زمان قابل تغییر نبوده و نسبی نیستند. مکتب اسلام شامل پنج رکن اساسی است:

۱. اعتقادات
۲. اخلاقیات
۳. احکام اولیه
۴. احکام ثانویه
۵. موضوعات

از آن رو که عقاید متکی به فطرت و عقل سلیم و وجدان انسانی هستند، هرگز قابل‌تغییر و دگرگونی نخواهد بود.

اخلاقیات شامل یک عده اصول و قضایایی است که انجام و یا ترک آن‌ها شایستهٔ وجود انسانی است و برای حرکت در مسیر تکامل ضرورت دارد. این‌ها نیز از آن جهت که مربوط به نیازهای اولیهٔ انسانی است ثابت و غیرقابل تغییر هستند.

احکام اولیه عبارت از احکامی است که بر مبنای نیازهای ثابت انسان به وسیلهٔ پیامبر اسلام تبلیغ و مردم به پیروی از آن مکلف‌اند؛ مانند نماز، روزه، حج و نیز ممنوعیت دروغ و زنا، قتل نفس، آشامیدن مسکرات و ... از آن جهت که این احکام بر اساس نیازهای اصلی انسان وضع شده است، هیچ‌وقت قابل تغییر و دگرگونی نخواهد بود. (جعفری، ۱۳۷۷: ۱ / ۴۲۰ – ۴۲۳)

احکام ثانویه عبارت از تکالیف و وظایفی است که با نظر به مصالح و مفاسد، توسط زمامداران اسلامی به عنوان حکم ثانوی صادر می شوند و با برداشته شدن علت و انگیزهٔ آن (مصلحت و یا مفسدهٔ مربوطه) حکم ثانوی برداشته شده و باز احکام اولیه به جریان می‌افتد؛ مانند تحریم تنباکو از طرف میرزای شیرازی با توجه به این مسئله می‌توان گفت که احکام ثانویه قابل‌تغییر است. با ایجاد علل و انگیزه‌شان به وجود آمده و با از میان رفتن آن‌ها از میان می‌روند.

موضوعات عبارت است از تمام نیازها و واقعیات و شئون زندگی انسان که با عقل سلیم و حواس و اندیشه‌اش با آن‌ها به فعالیت می‌پردازد و زندگی خود را تأمین می‌کند.

احکام تابع موضوعات همانند احکام ثانویه در معرض تغییر هستند.

## ۳۹. ضرورت توجه به مصادر مختلف مذاهب اسلامی

مصادر هر علم سرچشمه‌های آن علم هستند که در بررسی علمی نمی‌توان از آن‌ها چشم پوشید. برای مثال، کتاب‌هایی چون صحیح بخاری یا صحیح مسلم از مصادر علم حدیث اهل سنت و کتاب‌های اصول کافی یا الاستبصار از مصادر علم حدیث شیعه هستند. هستند. کتاب سیبویه از مصادر علم نحو به شمار می‌رود. کتاب الکامل اثر مُبرد از مصادر ادبیات است. کتاب المغنی اثر ابن قدامه از مصادر علم فقه حنبلی است. برای شناخت مصادر اصلی هر علم اقدامات زیر سودمند است:

- پرس‌وجو از منبع شناسان متخصص،
- استفاده از فهرست‌های کتابخانه‌های بزرگ،
- مراجعه به کتابنامهٔ آثار علمی معتبری که در زمینهٔ موضوع علمی مورد نظر نوشته‌شده‌اند.
- مطالعهٔ آخرین شماره‌های مجلات تخصصی،

رجوع به منابع و مصادر اصلی پیروان هر یک از مذاهب اسلامی برای شناخت اعتقادات آنان لازم است، ولی علاوه بر آن، باید به تفسیرها و برداشت های مورد اجماعِ علمای آن مذهب از آن منابع و مصادر رجوع شود. پس نباید شیعه به مجموعه‌ای از روایات اهل سنت و یا سنی به مجموعه‌ای از روایات شیعه استناد کنند تا به خیال خود اعتقاد به تحریف قرآن در نزد دیگری را اثبات کنند. درحالی‌که یقیناً هیچ‌یک از آن دو معتقد به چنان برداشت ناروایی از آن روایات و یا قائل به صحتِ آن روایات نیستند. پیروان مذاهب اسلامی برای شناختِ یکدیگر، باید به منابع روایی هم رجوع کنند و تفاسیر و دیدگاه‌های خود را با بیان دیدگاه‌های رقیب و در نظر گرفتن دلایل مخالف، بسنجند و بیان کنند و درعین‌حال، بی‌دلیل، پندار و گفتهٔ خود را به منزلهٔ اعتقاد دیگران نپندارند.

برای مثال، در صورتی که ما درصدد شناخت عقاید پیروان سلفیه وهابی هستیم باید به منابع اصلی آموزش عقاید آنان رجوع کرد. این نکته بسیار مهم است که برخی از اعتقادی آنان با منابع عموم برادران اهل سنت مشترک‌اند؛ ولی چنانکه گفته شد، **محقق باید متون**

**اعتقادی را از زاویه‌ای که پیروان سلفی وهابی می‌خوانند**، نه برداشت انتقادی خویش مورد توجه قرار دهد. ابتدا از طریق منابع و تفسیر آنان بداند موضوع از چه قرار است، سپس دیدگاه انتقادی خود را بیان کند.

برخی از مراجع اصلی اعتقادی، روایی و فقهی شیعه عبارت‌اند از:

۱. «کافی» که اولین کتاب از کتب اربعهٔ شیعه امامیه تألیف ثقهٔ الاسلام کلینی (متوفی ۳۲۹ ق) است که در مدت بیست سال در سه قسمت به نام‌های اصول کافی و فروع کافی و روضهٔ کافی تألیف شده است.

۲. کتاب من لایحضر الفقیه اثر شیخ صدوق ابوجعفر محمدبن علی بن حسین بن موسی بن باویه (متوفی ۳۸۱ ق) است.

۳. تهذیب اثر شیخ طوسی ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) است. محدثان و فقهای شیعه هرکجا عبارت شیخ و یا شیخ‌الطائفه به‌کاربرده برند، مرادشان هموست.

۴. استبصار چهارمین کتاب از کتب اربعهٔ شیعهٔ امامیه است که آن نیز تألیف شیخ طوسی است.

از کتاب‌های اعتقادی شیعه که باید مورد توجه قرار گیرد رساله‌هایی است که شیخ مفید و شیخ صدوق و شیخ طوسی و سید مرتضی و علامه حلی و خواجه نصرالدین طوسی نگاشته‌اند.

از آثار متأخر روایی شیعه نیز می توان به آثار مهمی چون بحارالانوار اثر علامه محمدباقر بن محمدتقی مجلسی دوم (متوفی ۱۱۱۰ ق) اشاره کرد که نام اصلی آن چنین است: «بحار الانوار فی الاحادیث المرویّهٔ عن النبی و الأئمهٔ من آله الأطهار» همچنین کتاب «وافی» تألیف محمد بن مرتضی معروف به ملامحسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱ ق) از منابع روایی متأخران است که در ۱۴ جزء تألیف شده است.

## ۴۰. توجه به روش‌شناسی‌های مختلف

پیروان مذاهب شیعه و اهل سنت در زمینهٔ حجیت برخی روش ها اختلاف نظر دارند. در بررسی نظرات آن‌ها باید به الزامات روشی‌شان توجه کرد؛ برای مثال به تفاوت

دیدگاه‌های مختلفی درباره اعتبـار و ارزش رأی، قیـاس[۱] و استحسـان[۲] در تشـریع موجـود است؛ همین موضوع درباره اجماع نیز دید می‌شود. اجماع حجتی است ظنی و شـرعی کـه دلیل اعتبارش نزد اهل سنت مبتنی بر خبری منقول از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اسـت کـه فرمودند: «امت من بر خطا و ضلالت اتفاق و اجماع نمی‌کند» و نزد شیعه به این است کـه یـا قول معصوم علیه‌السلام در میان اقوال اهل اجماع باشد و یا از قول اهـل اجمـاع بـه گونـه‌ای کشف از قول معصوم شود. پس حجیت اجماع، چه منقول یـا محصـل، موقـوف بـر قـول پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علیه‌السلام است، آن نیز موقوف بر نبوت است و صـحت نبـوت هم در این عصر متوقف بر سلامت قرآن از تحریفی است که صفات قرآن از قبیل هـدایت و قول فصل و مخصوصاً اعجاز را از بین ببرد. (طباطبایی، ۱۲ / ۱۶۰ - ۱۶۱)

## ۴۱. تسلط بر منبع‌شناسی

محقق باید بر منبع‌شناسی حوزۀ کار خود مسلط باشد. منبع‌شناسی موجب روشن شـدن نقشۀ راه می‌شود و نشان می‌دهد که:

- چه کسی مشغول چه کاری است؟
- چه حوزه‌های مطالعاتی مورد توجه چه کسانی هستند؟
- در چه حوزه‌های مطالعاتی کار چندانی صورت نگرفته است؟
- چه کسانی دوست هم هستند؟ (ادبیات مشترک و همسو)
- چه کسانی دشمن هم هستند؟ (ادبیات غیر همسو مانند ردیه‌نویسی) و ...

بی جهت نیست که اولین اقدام اسلام شناسان غربی مسـلط شـدن بـر منـابع اسـلامی است. در اینجا پاره‌ای از مصادر و مراجع علوم قرآن تقدیم حضور می‌شود:

---

۱. قیاس عبارت است از حکم به یک موضوع به جهت علتی که از حکم دربارۀ موضوع دیگری اسـتنباط شود.

۲. استحسان عموماً به معنای حدس مناسبت مابین حکم و موضوع است. برای مثال، نهادن دست‌هـا بـر روی هم و گذاشتن آن بر سینه و یا شکم در حال قرائت نماز نوعی خضوع در برابر خداوند تلقی می‌گردد. در اینجا حکم وجوب گذاشتن دست‌ها بر روی هم بر سینه و یا شکم و موضوع احترام و تعظـیم خداونـد است.

### مثال: غریب القرآن و إعراب آن

۱. معانی القرآن اثر فراء. ایـن کتـاب در سـه جلـد بـا تحقیـق محمـدعلی النجـار و همکارانش در دارالکتب المصریهٔ قاهره منتشرشده است.
۲. معانی القرآن اثر أخفش
۳. معانی القرآن و إعرابه که منسوب به زجاج است.
۴. تفسیر غریب القرآن اثر ابن قتیبهٔ که در یک مجلد با تحقیق احمد صقر در مصـر (۱۹۵۸ م) منتش شده است.
۵. إعراب ثلاثین سورهٔ من القرآن اثر ابن‌خالویه
۶. إملاء ما مَنَّ به الرحمن من وجوه الإعراب و القراءات فی جمیـع القـرآن اثـر محب‌الدین ابی البقاء عبدالله بن الحسین العکبری
۷. غریب القرآن اثر سجستانی

### مثال: تفاسیر اهل‌سنت

منبع شناسی می‌تواند ترسیم کنندهٔ گرایش‌های روشی مفسران قـرآن نیـز باشـد. بـرای مثال به نمونه‌هایی از مصادر و مراجع مهم تفاسیر قرآن کریم در نـزد اهـل سـنت، شـامل تفاسیر مأثور و معقول، توجه شود:

#### الف- تفاسیر مأثور

۱. جامع البیان عن تأویل القرآن معروف به تفسیر طبری اثـر أبـی جعفـر محمـد بـن جریر طبری (۲۴۴ – ۳۱۰ ق)
۲. معالم التنزیل اثر ابی محمد حسین بن مسعود بن محمد الفراء (متوفی ۵۱۰ ق)
۳. افسیر القرآن العظیم معروف به تفسیر ابن کثیر.
۴. الکشف و البیان عن تفسیر القرآن اثر ابـی احمـد بـن ابـراهیم ثعلبـی نیشـابوری (متوفی ۴۱۷
۵. المحرر الوجیز اثر ابن عطیه اندلسی غرناطی (متوفی ۵۴۶ ق)
۶. الجواهر الحسان فی تفسیر آی القرآن اثر ابو زید عبـدالرحمن بـن محمـد ثعـالبی

الجزایری (متوفی ۸۷۶ ق)

۷. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور اثر جلال الدین سیوطی شافعی (۸۴۹ – ۹۱۱ ق)

**ب – مصادر تفسیر معقول**

۱. الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل اثر ابوالقاسم محمود بن عمر خوارزمی، زمخشری ملقب به جار الله (۴۶۷ – ۵۳۸ ق)
۲. البحر المحیط اثر اثیرالدین أبو عبدالله محمد بن یوسف ابن علی بن حیان اندلسی ممعروف به ابی‌حیان (۵۶۴ – ۷۴۵ ق)
۳. مفاتیح الغیب اثر فخرالدین محمد بن عمر بن الحسین بن الحسن الرزازی معروف به فخررازی (۵۴۴ – ۶۰۶ ق)

## مثال: مصادر و منابع علوم قرآنی

از زمرهٔ مطالعات قرآن اهل سنت می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:

۱. البرهان فی علوم القرآن اثر بدر الدین محمد بن عبدالله الزرکشی (۷۴۵ – ۷۹۴ ق)
۲. الإتقان فی علوم القرآن اثر أبوبکر جلال الدین عبدالرحمن السیوطی (۸۴۹ – ۹۱۱ ق)

و در مورد اسباب النزول می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:

۳. اسباب النزول اثر ابوالحسن علی بن احمد واحدی نیشابوری (متوفی ۴۶۸ ق)
۴. لباب النقول فی أسباب النزول اثر جلال الدین سیوطی

موضوعات مختلفی دربارهٔ قرآن کریم نوشته شده است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۵. التبیان فی آداب حملهٔ القرآن اثر ابو زکریا یحیی بن شرف الدین النووی (۶۳۱ - ۶۷۶ ق)
۶. إعجاز القرآن اثر قاضی ابوبکر محمد بن طیب باقلانی (متوفی ۴۰۳ ق)
۷. ثلاث رسائل فی إعجاز القرآن شامل: ۱. «بیان إعجاز القرآن» اثر ابو سلیمان حمد بن محمد بن الخطابی (۳۱۹ – ۳۸۸ ق) ۲. «النکت فی إعجاز القرآن» اثر ابوالحسن علی بن عیسی الرمانی (۲۹۶ - ۳۸۶ ق) و ۳.

«الرسالة الشامیة» اثر ابوبکر عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ ق) این سه رساله با تحقیق محمد خلف الله و محمد زغلول سلام توسط دارالمعارف مصر، در یک مجلد منتشرشده‌اند.

۸. تأویل مشکل القرآن اثر ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه (۲۱۳ – ۲۷۶ ق) در یک مجلد با تحقیق السید أحمد الصقر در دار إحیاء الکتب العربیه در قاهره منتشرشده است.
۹. متشابه القرآن اثر عبدالجبار بن أحمد المعتزلی (۴۱۵ ق)
۱۰. الإکلیل فی المتشابه و التأویل اثر ابن‌تیمیه (۶۶۱ – ۷۲۸ ق)
۱۱. مقدمة فی أصول التفسیر اثر ابن‌تیمیه
۱۲. التبیان فی أقسام القرآن اثر ابن قیم الجوزیه (۶۹۱ – ۷۵۱)

و در زمینهٔ قراءات قرآن نیز مصادر و مراجع چندی موجود است:

۱. کتاب السبعة اثر ابن مجاهد (۳۲۴ ق)
۲. شواذ القراءات اثر ابن خالویه (۳۷۰ ق)
۳. الحجة اثر ابوعلی الفارسی (۳۷۷ ق)
۴. الکشف عن وجوه القراءات السبع و عللها اثر مکی بن أبی طالب القیسی (۴۳۷ ق)
۵. الإبانة عن معانی القراءات اثر مکی بن أبوطالب
۶. المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات اثر ابو الفتح بن جنی

در اینجا باید توجه داشت که منبع‌شناسی نقل مجموعه‌ای از داده‌های خام (اسامی کتاب و مشخصات انتشار آن‌ها) نیست. **منبع‌شناسی در پژوهش متضمن چینش خاص منابع بر اساس پرسش‌های تحقیق است.** امروزه به لطف پیشرفت‌های عظیم فناوری، امکانات خوبی جهت منبع شناسی و حتی یافتن متن اصلی منابع پژوهش موجود است. یکی از این ابزارها استفاده از نرم افزارهایی است که در این زمینه تولیدشده‌اند. در حال حاضر (۱۳۹۲ شمسی) از میان آن‌ها می‌توان به نرم‌افزار «تراجم و کتاب شناسی» ویرایش ۲ – مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی اشاره کرد که

نخستین نرم‌افزار کتاب‌شناسی و شخصیت‌شناسی شیعه است. ایـن نـرم افـزار بـه صـورت معجم لفظی ارائه شده است و شامل ده عنوان کتاب در شصت و شش مجلد از منابع مهم پیرامون کتاب‌شناسی و شخصیت‌شناسی شیعه است که عبارت‌اند از:

۱. الذریعة إلی تصانیف الشیعة، شیخ آقابزرگ تهرانی، ۲۵ جلد؛
۲. أعیان الشیعه، علامه سید محسن امین عاملی، ۱۱ جلد؛
۳. مستدرکات أعیان الشیعة، سید حسن امین عاملی، ۷ جلد؛
۴. أمل الآمل فی علماء جبل عامل، شیخ حرّ عاملی، در ۲ جلد؛
۵. معالم العلماء، ابن شهرآشوب مازندرانی، ۱ جلد؛
۶. موسوعة طبقة الفقهاء، شیخ جعفر سبحانی؛
۷. فهرس التراث، سید محمد حسین حسینی جلالی؛
۸. تکملة أمل الأمل، سید حسن صدر، ۱ جلد؛
۹. تعلیقة أمل الأمل، میرزا عبدالله افندی اصفهانی؛
۱۰. تتمیم أمل الأمل، شیخ عبد النبی قزوینی.

بخش‌های اصلی این برنامه عبارت‌اند از: نمایش، جستجو، اعلام، لغت‌نامه و یادداشت

همچنین برخی از پایگاه های اینترنتی که می تواند دانشجو را در این زمینه یـاری کنـد عبارت‌اند از:

- **کتابخانه ملی ایران**

بخش: جستجوی کتاب‌شناسی

http://opac.nlai.ir

- **کتابخانه مجلس شورای اسلامی**

بخش جستجو در کتاب‌های کتابخانه مجلس

www.ical.ir

- **کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**

www.ihcs.ac.ir/Pages/Features/Home.aspx?wid=۲۳

- **پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی**

www.sid.ir/fa/index.asp

- **کُنسرسیوم محتوای ملی**

www.icnc.ir/index.aspx?pid=۱

- **مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی دانشگاه فردسی مشهد**

http://c-library.um.ac.ir/

- **پایگاه مجلات تخصصی noormags**

www.noormags.com/view/fa/default

- **مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیة** (منبع‌شناسی عربی)

http://۲۱۳,۱۵۰,۱۶۱,۲۱۷/kfcris/login.htm

- **مکتبة الاسکندریة** (منبع‌شناسی عربی)

www.bibalex.gov.eg/home/default_ar.aspx

- **النیل و الفرات**

کتابفروشی برِ خط که برخی منابع جدیدتر و یا محلی‌تر که وارد فهرست‌های کتابخانه‌ها نشده‌اند، قابل مشاهده است.

www.neelwafurat.com/index.aspx

- **Internet Archive** که پایگاه بزرگی برای دریافت یا بارگذاری (دانلود و آپلود) منابع نوشتاری، شنیداری و دیداری به زبان‌های مختلف جهان است.

http://archive.org/details/texts

- **مکتبة المهتدین الاسلامیة لمقارنة الادیان** (دانلود منابع تخصصی در زمینه‌های مختلف عموماً به زبان عربی است.)

www.al-maktabeh.com

- **شبکة الفکر للکتب الکترونیة** وب گاهی برای دانلود آثار قدیم و جدید شیعی غالباً به زبان عربی است.

http://alfeker.net/

- **The British Library**

www.bl.uk/

- **Library of Congress** که از جامع‌ترین پایگاه‌های منبع‌شناسی به زبان انگلیسی است.

www.loc.gov/index.html

- **مرکز ودود للفهارس و الکتب التحقیق.** پایگاهی برای دانلود کتاب و

مقاله و خلاصه پایان‌نامه به زبان عربی است.
www.wadod.net/index.php

### تمرین

۱. منبع‌شناسی مربوط به تقریب مذاهب اسلامی را انجام دهید. (مثال‌های ارائه‌شده در متن تنها نمونه‌هایی از آن‌ها بود.)
۲. سپس آن را در قالب دسته‌بندی بر اساس ۱. نویسندگان، ۲. دوره‌های زمانی، ۳. موقعیت‌های مکانی و ۴. موضوعی بازنویسی کنید.

با این تمرین خواهید دید که هر بار اطلاعات جدیدی از داده‌های خام به دست خواهد آمد. همچنین ممکن است دیدگاه شما در اثر اشراف به منابع مطالعاتی مذکور جامع تر و فراگیرتر از گذشته شده باشد.

## ۴۲. توجه به بسامد اندیشه‌ها یا پدیده‌ها

بسیاری از مطالعات فرهنگی در جهان اسلام و نیز رشته‌هایی مانند کلام، شیعه شناسی و همواره نیازمند توجه به بَسامد اندیشه ها و پدیده ها هستند. در مطالعهٔ «هنجار» و «انحراف از هنجار» یا به تعبیر برخی «جُور» و «ناجُور»، بودن یا نبودنِ اندیشه ای و یا تحققِ واقعه‌ای آن‌قدر اهمیت ندارد که بسامد آماری آن. دانستن بسامد اندیشه و یا واقعه‌ای، موجب می‌شود تا امورِ اتفاقی و استثنایی، از رویه‌های مستمر و متناوب تمییز داده شوند و پژوهش در مسیر موضوعات پیش‌پاافتاده و کم اهمیت حرکت نکند. هر جامعه‌ای دارای بافتِ طبیعی فرهنگی و اعتقادی خود است و بسامد آماری می‌تواند تغییرات آن را نشان دهد. این موضوع در دانش تفسیر نویسی هم اهمیت دارد. برای مثال، بسامد تفسیر نویسی موضوعی و یا ترتیبی در طول تاریخ تفسیر نویسی، می‌تواند به بسیاری پرسش‌ها پاسخ دهد و یا بسامد برخی روش‌های تفسیری در طول تاریخ می‌تواند اطلاعات بسیاری را دربارهٔ رواج یا افول یک مکتب فکری، یک مشرب و روش و دیدگاه ارائه دهد.

### تمرین

با مراجعه به کتاب های «الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب» و نیز کتاب «الغدیر

فی التراث الاسلامی» به این پرسش‌ها پاسخ دهید:

- در فهرست مطالب آن‌ها آیا توجه به بسامد حدیث الغدیر در طول تاریخ را می‌توان دید؟
- اهمیت یافتن بسامد مطالعات در زمینهٔ حدیث غدیر در چیست؟
- علاوه بر توجه به بسامد مضامین ادبی حدیث غدیر در طول تاریخ اسلام (مورد توجه علامه امینی) به بسامد چه موضوعات دیگری نیز می‌توان توجه کرد؟ (پاسخی ابتکاری ارائه دهید.)

## ۴۳. تمایز میان دنیای نظریه‌پردازی با دنیای واقعی.

نظریه در پی تبیین و تحلیل واقعیت است، اما لزوماً منعکس کنندهٔ آن نیست. باید رابطه‌ای منطقی میان این دو برقرار شود و نظریه‌ها موجب غافل شدن محقق از واقعیت‌ها نشوند و از سوی دیگر مشاهده هم نباید عاری از فکر و اندیشه باشد.

## ۴۴. درک مفهوم فرصت در گرو درک مفهوم تهدید است.

سمت‌وسوی مطالعات راهبردی، شناخت فرصت‌ها از خلال تهدیدهاست. وقتی درصدد کسب چیزی هستیم باید بدانیم که در ازای آن چه چیزی را از دست می‌دهیم و یا ممکن است که از دست دهیم. توجه به این اصل کمک شایانی به فهم مباحث موافقان و مخالفان یک پدیده است.

این سخن امام خمینی (ره) که فرمودند: «ما آزادی و استقلالِ بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد؟» (صحیفه امام، ۷ / ۴۵۹) شاخص مهمی در پذیرش مفاهیم و اخذ و انتقال پدیده‌هاست.

## ۴۵. جدایی‌ناپذیری ابعاد یک پدیده در دنیای واقعیت.

مسایل علوم انسانی، دارای ابعاد و زوایای مختلف و درهم تنیده‌ای هستند که در پژوهش می‌توان یک یا چند مورد از آن‌ها را به صورت انتزاعی مورد بررسی قرار داد، ولی در نتیجه‌گیری نهایی باید به این موضوع و واقعیت آن اشاره کرد. برای مثال، تفکر دربارهٔ هر یک از ابعاد جهانی‌سازی مستلزم داشتن اندیشه و راهکار دربارهٔ دیگر ابعاد است.

باید مرز توصیف را از برداشت‌های ایدئولوژیکی، نظریه‌ها و پیش‌بینی‌ها جـدا کـرد. نـه آن اندازه در دنیای نظریه پردازی سیر کرد که از توصیف صحیح یک پدیده ناتوان شد و نه آن اندازه گرفتار اجزای عینی یک پدیده شد که به واسـطهٔ آن از سـاختارهای کلـی تـر در تبیین آن بی‌بهره ماند.

## ۴۶. ضرورت توجه به امکان عینی تحقق فرضیه‌ها و ادعاها

باید به امکان عینی تحقق فرضیه ها و ادعاها توجه کرد. آیا ادعای مـورد نظـر امکـان تحقق دارد و یا خیر؟ برای مثال، وقتی گفته می‌شود که شیعیان از روی تقیه در کتاب‌های درسی‌شان نوشته‌اند که قرآن تحریف‌نشده و هرگز نخواهد شد، این سئوال مطرح است که آیا اصولاً ممکن است به میلیون ها کودک ایرانی در مدارس گفته شود که «قـرآن تحریـف نشده است» تا از روی تقیه! اهل سنت فریب ایشان را بخورنـد و بعـد از تعطیلـی مـدارس صدها هزار خانواده بار دیگر به کودکان خود بیاموزند که: «هرچه در مدارس فرا گرفته ایـد از باب تقیه و برای دل‌خوش کردن وهابی‌ها بوده است!» واقعاً تقیه در ابعـاد وسـیع ده‌هـا میلیون نفری به چه معناست؟! و برای مثالی دیگر، در جریان قیام شیعیان بحرین بـر ضـد ظلم نظام مستبد آل خلیفه، مجموعه‌ای از منابعِ مکتـوب و صـوتی- تصـویری در معرفـی شیعه تولید شد. در یکی از این منابع با عنوان «الشيعة في البحرين من اين أتوا...؟ خرافـة السكان الاصليين!» که توسط گروهی با عنوان «هيئة الدفاع عن عروبة و تاريخ البحرين» منتشرشده است، نویسندگان مدعی‌اند کـه شـیعیان اکثریـت مطلـق در بحـرین نیسـتند و مشکل اهل سنت، «اکثریت خاموش» آن‌هاست؛ و با اشاره به سیاست ایـران در منطقـه و قدرت یافتن شیعیان عراق در دوران پس از سقوط صدام می‌نویسد:

> بهترین دلیل ما وضعیتی است که اکنون در عراق در جریان است و آن به واسطهٔ اقـدام ایران در صدور نزدیک به چهار میلیون شیعی جهت تغییر ترکیـب اهـالی عـراق ایجـاد شده است. از زمره اینان صد هزار زنی هستند که جهت نیل به نتیجهٔ نهایی کـه ازدیـاد تعداد شهروندان در جنوب عراق مطابق منافع ایران شیعی است، با حربهٔ متعه بـه ازدواج عراقی‌ها درآمده‌اند. (هيئة الدفاع عن العروبة، ۲۰۰۷: ۷-۸)

براستی نویسنده چه تصوری از اعدادی چون «صدور چهار میلیون نفر!» یا «یـک صـد هزار نفر زن ایرانی» کـه بـه خـاطر «منـافع سیاسـی ایـران» جهـت «متعـه» بـه عـراق اعزام‌شده‌اند! دارد؟ و چگونه آن‌ها می‌توانند با ناچیز شمردن سطح فهم و شعور مخـاطبش

چنین ادعاهای عجیب و غریبی را مطرح کنند؟ «دقت نمایی» و استفاده از ارقـام و آمـار و نمودار شیوه‌ای رایج در ستیزه‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی است که در جنگ روانـی مخالفـان تقریب مذاهب اسلامی کاربرد وسیعی دارد و محقق نباید گرفتار آن شود. یکی از عـواملی که موجب می‌شود تا نظراتی چنین سخیف مطرح شوند، دو قطبی کـردن جامعـه بـر پایـهٔ مذهب و از میان بردن فرهنگ تقریب است که عوام را مهیای پذیرش هـر ادعـایی علیـه مذهب مقابل می‌کند. چرا که هر یک دیگری را غوطه‌ور در هاله‌ای از ارزش‌های منفـی و ناپسند می‌بیند و چنین وضعیتی همانا مجرای ورود استعمار است.

## ۴۷. ممانعت از تبدیل نظریه‌های غربی به صورت اصل خود بنیاد.

برخی از مقالات و کتاب‌ها در حوزهٔ علوم انسانی چنان نظریه‌ها و فلسفه‌های غربـی را مسلم پنداشته‌اند که موجب شده است تا نویسندگان آن قادر به دیدن دیـدگاه‌هـای بـدیل نباشند و خود نیز نتوانند دیدگاه‌های بدیلی تولید کنند. اینـان عمـدتاً متـأثر از فلسـفه‌هـا و معارف متفکرانِ اروپایی و آمریکایی بودند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اثبـات‌گرایـی و بعدها ابطال‌گرایی؛ ماتریالیسم دیالکتیکی؛ پدیدارشناسی و هرمنوتیـک. جالـب آنکـه مـوج اقبال به هر یک از این نظرات تابع اقبالِ آن در اروپا و آمریکا بوده است. لذا فـراز و فـرود هر یک از آن‌ها در جهان اسلام متأثر از فراز و فرود آن‌ها در غرب است و در هـر دوره‌ای شکل خاص خود را داشته است. پاره‌ای از تفاسیر قرآنی علم‌گرا و تجربه‌گرا متأثر از همین وضعیت بوده‌اند که به اشتباهات عدیده‌ای دچار شدند.

## ۴۸. ضرورت توجه به گذشته علم مورد نظر

محقق باید گذشتهٔ علمی را که بدان اشتغال دارد بشناسد و بر آن احاطه یابد. با آگاهی بر تاریخ علم مورد نظر و شناخت نقاط عطف مهمی که در آن تاریخ موجود اسـت و درک علل فراز و نشیب‌های آن علم می‌توان دیدگاه‌هایی به مراتب پخته‌تر و اصیل‌تر ارائه کرد.

این امر مستلزم داشتن مطالعات وسیع و درک مطالب در قالب دسته‌بندی‌های منظم و مشخصی است. برای مثال، در علوم قرآنی شناخت طبقات مفسران و رویکردهـای غالـب در هر یک از آن طبقات بسیار اهمیت دارد. علامه طباطبایی (ره) در این زمینه می‌نویسد:
علامه طباطبایی (ره) در این زمینه در کتاب «قرآن در اسلام» می‌نویسد:

شیعه به نص قرآن مجید، قول پیغمبر اکرم (ص) را در تفسیر آیات قرآنی حجت می‌داند و برای اقوال صحابه و تابعان مانند سایر مسلمین هیچ‌گونه حجیتی قائل نیست؛ مگر از راه روایت از پیغمبر اکرم (ص) جز اینکه به نص خبر ثقلین، قول عترت و اهل‌بیت را تالی قول پیغمبر اکرم (ص) و مانند آن حجت می‌دانند و از این روی در نقل و اخذ روایات تفسیری تنها به روایاتی که از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اهل‌بیت علیهم‌السلام نقل‌شده اکتفا کرده‌اند و طبقات خود را به ترتیب زیرین به وجود آورده‌اند.

طبقه اول کسانی که روایات تفسیر را از پیغمبر اکرم (ص) و ائمه اهل‌بیت فراگرفته‌اند و در اصول خود به طور غیر مرتب ثبت کرده و به روایت آن‌ها پرداخته‌اند مانند زراره و محمد بن مسلم و معروف و جریر و امثال ایشان.

طبقهٔ دوم اهل تألیفات اولی تفسیر مانند فرات ابن ابراهیم و ابو حمزهٔ ثمالی و عیاشی و علی بن ابراهیم قمی و نعمانی صاحب تفسیر. شیوهٔ این طبقه مانند طبقهٔ چهارم از مفسرین اهل سنت این بود که روایات مأثوره را که از طبقهٔ اول اخذ کرده بودند با اسناد در تألیفات خودشان درج می‌کردند و از هرگونه اعمال نظر خودداری می‌نمودند؛ و نظر به اینکه زمان دسترسی به ائمه اهل‌بیت (ع) طولانی بود و تقریباً سیصد سال ادامه داشت طبعاً این دو طبقه ترتب زمانی نداشته متداخل بودند و همچنین کسانی که روایت را با حذف اسناد درج کنند بسیار کم بودند و درین باب برای نمونه تفسیر عیاشی موجود را باید نام برد که یکی از شاگردانِ عیاشی، از تألیف عیاشی اسناد روایات را اختصاراً حذف نموده و نسخه او به عنوان نسخه عیاشی دایر گشته است.

طبقهٔ سوم طبقه از باب علوم متفرقه است مانند سید رضی در تفسیر ادبی خود و شیخ طوسی در تفسیر کلامی خود که تفسیر تبیان است و صدرالمتألهین در تفاسیر فلسفی خود و میبدی گنابادی در تفسیر عرفانی خود و شیخ عبد علی حویزی و سید هاشم بحرانی و فیض کاشانی در تفسیر نور الثقلین و برهان و صافی و کسانی میان عده‌ای از علوم در تفاسیرشان جمع کرده‌اند مانند شیخ طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان که از راه‌های مختلف لغت و نحو و قرائت و کلام و حدیث بحث می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۵۷-۵۹)

## ۴۹. ضرورت توجه به طبقه‌بندی علوم

هر اندیشمندی طبقه بندی خاصی از علم دارد و علـوم را بـر مبنـای آن از هـم تمییـز می‌دهد. محقق باید بتواند علم مورد نظرش را در طبقه‌بندی علوم جای داده و آن را تفسیر کند. توجه به طبقه‌بندی علوم و موقعیت علم مورد نظر در اصالت و پخته شدن دیـدگاه‌هـا اهمیت دارد.

**بیندیشیم**

- به نظر شما از چند منظر می‌توان علوم را طبقه‌بندی کرد؟
- طبقه‌بندی‌های علوم چه تبعات و پیامدهایی را ممکن است دارا باشند؟

## ۵۰. توجه به حدود احکام تعمیم

سخنِ افراد لزوماً موضعِ مذاهبشان نیست. مواضع افراد با معیارهای مـتقن مذاهبشـان سنجیده می شود و نه آنکه مذاهب بر پایهٔ دیدگاه های پیروانشان دائماً در حال تغییر باشـد؛ بنابراین در بسیاری از موارد عمل افراد را باید مورد نقد قرار داد نـه مـذاهب اسـلامی را؛ و نباید با مشاهدهٔ اعمال و رفتار برخی از پیروان مذاهب اسـلامی (اسـتقرای نـاقص)، حکـم کلی دربارهٔ آن مذاهب و پیروان آن صادر کرد.

برای مثال، برخی از مسلمانان تحت تأثیر اغوای فرهنگی غـرب، بـه اخـذ شـیوه‌هـای زندگی غربی روی آورده اند. شیوهٔ زندگی آنان ملاک ارزیابی شریعت نیست. ایـن شـریعت است که ملاک ارزیابی و قضاوت دربارهٔ زندگی و اعمال و رفتار آنان است.

## ۵۱. پرهیز از استناد به شنیده‌ها و اظهارنظرهای عجولانه

هرچه منابع و استدلال تحقیق محکم تر باشد، اعتماد خواننده به آن بیشـتر اسـت؛ امـا هراندازه که منابع و دلایل ضعیف تر شوند، اعتماد خواننده به آن کمتر مـی‌شـود و مـتن از وثاقت و اعتبار ساقط می‌شود. یکی از نشانه‌های سستی آثار ناصر القفاری بـر ضـد شـیعه، استفاده بسیار او از شنیده های خود و دیگران و بیان آن ها به منزلهٔ یکـی از اسـناد قطعـی

است؛ چنانکه در آثار خود مدعی است که شیعیان به اذان شرعی پیش از نمازهایشان، این عبارت را با این الفاظ اضافه کرده‌اند: «الله اکبر خمینی رهبر»! (قفاری، ۱۴۱۵: ۱۱۵۴-۱۱۵۵)

این مثال نشان می دهد که او سخت متأثر از شنیده هایش دربارۀ شیعه است. همین طور شیعیان نیز نباید به صرف دیدن نقل قولی سریعاً درباره اهل سنت قضاوت کنند.

## ۵۲. کوشش جهت شناخت بی‌واسطه مسایل

یکی از برنامه‌های هر پژوهشگر باید کسب شناخت بی‌واسطه از موضوع تحقیق خود باشد. بسیاری از پژوهش‌ها دربارۀ اندیشه‌های افرادی صورت می‌گیرد که نویسندگان آن‌ها در قید حیات و در دسترس هستند. برای مثال، کتاب‌های درسی در حوزۀ تعلیمات دینی و قرآن را در نظر بگیریم. در صورتی که بخواهیم بر روی این آثار پژوهش کنیم، ابتدا باید سراغ خود نویسندگان آن برویم، نیز اسناد بالادستی که به موجب آن‌ها این کتاب‌ها نوشته شده‌اند و نتایج تدریس آزمایشی این کتابها و مقالاتی را که دبیران در مجلات رشد آموزش و پرورش و مانند آن دربارۀ مزایا و یا معایب این کتاب‌ها نوشته‌اند. حال دانشجویانی را در نظر بگیریم که بدون مراجعه به این منابع زنده، دربارۀ کتاب‌های مذکور تحقیق می‌کنند و نظایر این‌گونه مثال بسیار است.

## ۵۳. تمرکز بر رفع نیاز واقعی

مهم‌ترین عللِ شکل‌گیری و توسعۀ علوم و از جمله علوم انسانی، پاسخ دادن به نیازهای انسان‌ها بوده است. در حوزۀ علوم انسانی اگر رشته‌ای نسبت خود را با نیازهای انسان ها از دست بدهد، دیگر علم نیست، چیزی از سنخ تاریخ علم است. لذا اعتبار هر علم در توانایی پاسخگویی آن به نیازهای انسان‌ها است. هرچند که گاه نیازهای احساس شدۀ انسان ها نیازهای واقعی‌شان نیست و در چنین وضعی برخی از علوم یا مهجورند و یا در مسیر پاسخگویی به نیازهای کاذب قرار می گیرند. «علوم انسانی» تنها زمانی اسلامی است که در راستای حل نیازهای واقعی (نه کاذب) جامعه ی اسلامی باشد. علوم انسانی غیر اسلامی هم علومی است که در خدمت به جامعه ی اسلامی نباشد؛ بنابراین بحران در علوم انسانی دو صورت کلی دارد: یا جامعه از ارزش های اسلامی فاصله گرفته است و

علوم انسانی در خدمت نیازهای کاذب آن قرار دارد و یا آنکه جامعه، کم و بیش باارزش‌های اسلامی زندگی می‌کند ولی تولیدات دانشگاه‌ها در خدمت آن نیستند.

## ۵۴. ضرورت مشخص کردن رویکرد نظری در پژوهش.

رویکرد نظری نشان دهنده دیدگاه کلی پژوهشگر درباره موضوع تحقیق و سنت نظری خاصی است که محقق در چهارچوب آن، به مطالعه می پردازد و بر حوزه‌های پژوهش خود و نیز شیوه‌های تشخیص و بررسی مسایل تأثیر می‌گذارد. در علوم اسلامی معمولاً رویکرد نظری همان مشرب های فکری است: مانند رویکرد تفکیکی، رویکرد عقلی، رویکرد اخباری، رویکرد اشعری و ... و در جامعه شناسی رویکردهای مشهور عبارت‌اند از: «کارکرد گرایی»، «ساخت گرایی»، «کنش متقابل نمادین» و «مارکسیسم» که در حقیقت موضع‌گیری اندیشمندان علوم اجتماعی دربارهٔ جبر و اختیار را نمایان می‌کنند.

این‌چنین هر اندیشمند دارای «چشم انداز خاصی» است. هر پژوهشگر و نظریه‌پرداز باید نسبت به چشم‌اندازهای خودآگاه و بیدار باشد.

## ۵۵. ضرورت اجتناب از روحیه کتابی

تکیه بر مصادر اصلی مذاهب اسلامی و نیز اقوال دانشمندان اسلامی نباید به روحیهٔ پذیرش جزمی کتابی منجر شود و به تدریج محقق را از حقیقت دور کند. عبدالله الامام، (سلفی یمنی) رساله ای را با عنوان: «البرهان علی تحریم التناکح بین الإنس و الجان[۱]» نگاشته است که در پی حل مشکل ازدواج جن و انس با یکدیگر و معضل تربیت فرزندان آن دو است (!) اما آیا با نگارش چنین کتاب‌هایی مشکلات اصلی جهان اسلام حل خواهند شد؟ جن حقیقتی است قرآنی و وجود آن یقینی و تردیدناپذیر و البته نیازمند انجام پژوهش‌های قرآنی دقیق و معتبر بر پایهٔ کتاب و سنت نبوی (ص) منبع‌شناسی مشخص می‌کند که چه میزان از مباحث مطرح‌شده در این حوزه، متناسب با نیازهای واقعی جهان اسلام است؟ و نشان می دهد که آیا نیازهای احساس شده نویسندگان مسلمان، نیازهای

---

۱. نامبرده سه رساله دیگر در زمینهٔ جن دارد که عبارت‌اند از: «احکام التعامل مع الجن و الآداب الرقی الشرعیة»، «الإیضاح والتبیین من الأحادیث والآثار والهواتف فی الجن والشیاطین»، «إنقاذ المسلمین من وسوسة الجن والشیاطین».

واقعی جهان اسلام‌اند و یا نیازهایی کاذب هستند؟ در خصوص مثال جن، کار به آنجا رسید که راه های درمان فرد جن زده نیز ابداع شد که نه حکم قرآن بود و نه سنت پیامبر اکرم (ص)؛ برای مثال عمر سلیمان الاشقر، (۱۹۴۰–۲۰۱۲ م) در کتاب «عالم الجن و الشیاطین، من سلسلۀ العقیدۀ فی ضوء الکتاب و السنۀ»، پیرامون مداوای فرد مبتلا به صرع جنی آورده است که علمایی چون ابن تیمیه، زدن سیصد الی چهارصد ضربۀ محکم با چوب‌دستی بر پای بیمار مبتلا به صرع جنی را به جهت دفع جن، نافع می‌دانند و نشانۀ کتک خوردن جن (و نه بیمار!) آن است که بیمار نمی‌میرد! بنابراین جیغ بیمار هم در واقع جیغ آن جن است. اعتبار این روش در میان اینان آن است که ابن تیمیه خود گفته است که «من بارها چنین کرده‌ام و این عمل را آزموده‌ام» (الاشقر، ۱۳۹۸: ۶۲–۶۳ و ۱۵۱–۱۵۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۵۶) در اینجا منبع‌شناسی موجب ترغیب محقق به اتخاذ احتیاط علمی می‌شود و اهمیت آن در شیعه شناسی آن است که اگر سخن ابن تیمیه در کتک زدن فردی تا حد مرگ، مبتنی بر تجربۀ شخصی اوست و نه حجتی شرعی، پس حداقل باید دربارۀ دیگر ادعاهای او (از جمله درباره شیعه) بسیار محتاط بود و یا عبدالعزیز بن باز در پاسخ به محمد سید الطنطاوی، شیخ و مفتی وقت الأزهر، رساله ای را با عنوان «إیضاح الحق فی دخول الجنی فی الإنسی و الرد علی من أنکر ذلک [1]» نوشته است. ماجرا از آن قرار بود که زنی مدعی شده بود که جنی از بت‌پرستان هندو وارد بدنش شده و حتی کنترل بدنش را نیز در مواقعی در دست گرفته است. (برای مثال هر وقت زن با صدای مردانه سخن می گفت، به این معنا بود که جن در حال سخن گفتن است.) بن باز مدعی است که با صحبت با جن مذکور، سرانجام او را هدایت و راضی کرده است که از بدن زن خارج شود. محمد سید طنطاوی، مفتی بزرگ الأزهر به شدت با چنین ادعایی شدیداً مخالفت کرد و

۱. نک: پایگاه رسمی عبدالعزیز بن باز با عنوان: «إیضاح الحق فی دخول الجنی فی الإنسی والرد علی من أنكر ذلك» در پاسخ به محمد سید الطنطاوی به نشانی: (آخرین دیدار: شهریور ۱۳۹۲)
www.ibnbaz.org.sa/mat/۸۵۸۱

همچنین ادعای مذاکره با جن بودائی و در نهایت مسلمان کردن آن توسط شیخ عبدالعزیز بن باز در مجلۀ الدعوۀ شماره ۱۵۷۲ مورخ ۹ شعبان ۱۴۱۷ برابر با ۱۹ دسامبر ۱۹۹۶ م و نیز شماره ۱۵۸۷ مورخ ۳ ذی‌الحجه سال ۱۴۱۷ ق برابر با ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ م آمده است.

آن را رواج خرافات دانست. البته در اینجا نقد را نباید تنها منحصر به پیروان مذهبی خاص کرد. بی توجهی به نیازهای واقعی جهان اسلام و ترجیح امور فرعی بر امور اصلی و عدم رعایت اصل «الأهم فالمهم» و پرداختن به مسایل غیرضروری به جای مصالح جهان اسلام، از هرکس، شیعه یا سنی، محکوم است[۱].

## ۵۶. یافتن دوستان و دشمنان یک اندیشه

یکی از روش های آشنایی با اندیشهٔ هر متفکری، قرار دادن آن در معرض مقایسه با دیگر اندیشه‌های هم سنگ آن و یا مطالعهٔ آن از خلال اختلافاتی است که دربارهٔ یک موضوع موجود است. اختلافات کوچک و بزرگ در میان علمای همهٔ پیروان مذاهب اسلامی موجود است. مطالعهٔ اختلاف باید برای نیل به حل مسئله باشد و نه دامن زدن به تفرقه که به تعبیر رسای قرآن: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (قرآن مجید، انفال: ۴۶) یافتن دوستان و دشمنان یک اندیشه در حقیقت یافت جریان‌های اصلی متعارض در موضوع پژوهش است؛ به عبارت دیگر افراد مورد نظر، در قالب ساختارهایی وسیع تر از بررسی یک اندیشه، مورد توجه قرار می گیرند. برای تسلط بر شناخت یک اندیشه و یا یک جریان فکری، باید منبع شناس خوبی بود و اطلاعات خود را دائماً به‌روز کرد.

### تمرین

یک شخصیت علمی تأثیرگذار را انتخاب کنید. سپس از طریق منبع شناسی نشان دهید که چه افرادی دوست او و چه افرادی منتقد او هستند؟ آیا می توانید این دوستی ها و دشمنی‌ها را در ساختاری وسیع‌تر از آن متفکر مورد بحث و بررسی قرار دهید؟

## ۵۷. ضرورت داشتن الگوهایی در پژوهش

هر محققی، در پژوهش متأثر از یک یا چند متفکر پیش از خود است. گاه این تأثیرپذیری ناخودآگاه است، یعنی خود فرد دربارهٔ آن چندان تأمل و توجه نکرده است؛

---

۱. البته گاه ممکن است پرسشی از یک عالم شود و آن عالم مطلبی را در پاسخ به آن پرسش مطرح کرده باشد؛ بی آنکه درصدد ارائهٔ اولویت موضوع باشد.

بنابراین باید این پرسش را مشخصاً مطرح کرد که من به عنوان یک پژوهشگر متأثر از چه الگوهایی در پژوهش و تحقیق هستم؟

فردی که نتواند پاسخ این پرسش را به درستی مشخص کند، نوشته‌اش سبک و لحن خاص خود را پیدا نکرده است.

## ۵۸. لازمهٔ تحقیق خوب آگاهی محقق از روش‌شناسی خود است.

محقق باید نسبت به «منابع علمی» در دسترس خود و «روش تحصیل معرفت» از آن‌ها آگاه و بیدار باشد. به ویژه آنکه روش‌ها و پیش‌فرض‌های تحقیق الزامات خود را بر فرایند تحقیق تحمیل می کنند. برای مثال، منطق روشی غیرتوحیدی یا درصدد خارج کردن علوم الهی از دایرهٔ علم (مانند اثبات‌گرایی و ابطال‌گرایی[1]) است و یا در پی داخل کردن علوم الهی در زمرهٔ علوم بشری و طبیعی (مانند فلسفهٔ زبان معاصر) است. چنانکه «برنارد ویلیامز» می‌گوید:

> گرچه فلسفهٔ تحلیل زبان بیش از پوزیتیویسم منطقی به زبان دین لطف نشان می‌داد ولی پوزیتیویست‌های منطقی دست کم این احترام را به آن می‌گذاشتند که چون آن را از لحاظ تجربی بی‌معنا می‌دانستند بگویند لطفاً بفرمایید بیرون! پیروان تحلیل زبان می‌خواستند بگویند: اینجا با صورتی از گفتار مواجه‌ایم که مانند هر چیز دیگر یکی از صورت‌های زندگی است و به این ترتیب به طور ضمنی تعبیری از بیخ‌وبن انسانی از دین می‌کردند. مطابق این تعبیر دین و اعتقاد دینی هم مثل هر صورتی از زندگی، مبین نیازهای انسان است ... (مگی، ۱۳۷۴: ۲۱۴)

علامه سید مرتضی عسکری (ره) به زیبایی به توصیف روش خود دربارهٔ «بررسی اصول عقاید اسلامی از قرآن» پرداخته است و با اشاره به آنکه اصول عقاید اسلامی اثرش برگرفته از آیات قرآن کریم است، می نویسد که در شناخت بهتر تفسیر آیات الهی به سه گونه از انواع تفسیر قرآن اعتماد کرده است. او در بخشی از روش‌شناسی خود در کتاب «عقاید اسلام در قرآن کریم» می‌نویسد:

---

۱. در اثبات‌گرایی علم را مجموعهٔ قضایا و نظریه‌هایی می‌دانند که تجربه صحت آن را اثبات می‌کند. ابطال‌گرایی نیز اگر چه در ابتدا بر قیاس تاکید دارد، امّا معیار ابطال‌پذیری از طریق تجربی را ملاک علمی بودن آن قرار می‌دهد و از این رو می‌توان آن را شبه اثباتی دانست.

۱.تفسیر روایی: تفسیر آیات به وسیلهٔ روایات، مانند آنچه سیوطی در تفسیر (الدر المنثور) و بحرانی در تفسیر (البرهان) خود آورده‌اند. جز آنکه من، تنها به روایاتی که صحتش را پذیرفته‌ام، اعتماد کرده‌ام، درحالی‌که سیوطی هر روایتی را که به دستش رسیده، در تفسیر خود آورده است. آن گونه که برخی از روایات منقوله، برخی دیگر را نقض می‌کند. بدین سبب پاره‌ای از روایاتش را در این کتاب نقد و بررسی کرده‌ام. در مراجعه به کتاب های حدیث، احادیث مورد اعتمادم را از همهٔ کتب معتبر مسلمانان اعم از صحاح و مسانید و سنن و غیره بر گرفتم و به اخذ حدیث از مکتب خاصی بسنده نکردم. گاهی نیز به بررسی تطبیقی و مقارن بین حدیثی با حدیث دیگر پرداخته و دیدگاهی را که بر یکی از دو حدیث اعتماد کرده، با رأی دیگر مقایسه و با اشاره به صاحب رأی، برداشت خود را با آوردن دلیل، تقویت و اثبات کرده ام. در فهم و درایت حدیث تا سدهٔ ششم هجری را برگزیدم. این روش در مبحث: (امامان اهل‌بیت برای شناخت حدیث میزان‌ها نهاده‌اند) در جلد سوم معالم المدرستین آمده است.

۲. تفسیر لغوی: تفسیر آیات با اشاره به معنای واژه ها و اصطلاحات، بدان گونه که سیوطی در روایاتش از ابن عباس و غیر او آورده است و چون دانشمندان لغوی گاهی با آوردن معنای حقیقی و مجازی کلمه، بحث را به درازا می کشند، از این روش دوری گزیدم و آن معنایی را آوردم که با سیاق آیه سازگار است.

۳.تفسیر موضوعی. تفسیر آیات یک موضوع در کنار هم مانند فقها که در تفسیرشان از آیات احکام آورده اند... هر سه روش تفسیری مذکور، همان روش درستی است که از امامان اهل بیت علیهم السلام روایت شده است. چون اکثر آیات قرآن مجید، بیش از یک مقصود را در خود دارد، از الفاظ آیات فقط آن بخشی را که ویژه و مربوط به بحث می‌شود، آورده و غیر آن را ترک کردم تا جمع‌بندی مطالب برای دانشجویان آسان شود... (عسکری، بی‌تا: ۱۲ – ۱۳)

موارد جالب‌توجه در بیان علامه عسکری عبارت‌اند از:

- آگاهی او از روش استنباط عقاید از قرآن کریم،
- هماهنگی در روش‌شناسی او،
- نحوهٔ تمرکزش بر موضوع و اجتناب از حاشیه‌روی.

نیز به تبیین روشی مرحوم علامه مصطفوی (ره) در مقدمه کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» توجه شود:

از آنجا که استفاده از حقایق و معارف و احکام و آداب قرآن مجید، متوقف است بر درک

دقیق و تحقیقی واژه‌ها، لازم است برای درک حقیقت و معنای واقعی کلمه‌ها و تشخیص معانی حقیقی از مجازی تلاش شود.

از طرفی، آثاری که در لغت عرب تألیف شده، گوناگون است و بیشترشان صرفاً جمع‌آوری اقوال و اشاره به مطلق موارد استعمال است؛ اعم از حقیقی و مجازی و یا تحقیق نشده‌ای است که در نتیجه معنی حقیقی را روشن نمی‌کند و جز افزایش گمراهی و یا سرگردانی در واژه‌های قرآن، نتیجه‌ای ندارد. از این رو، به فضل خدا، توفیقِ تألیف این اثر شریف را در این خصوص یافتم که دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. در نقل لغات به کتاب‌های تحقیقی و پرمایه که به ریشه‌یابی و ایراد صحیح پرداخته‌اند، اعتماد کردیم، مثل صحاح و مقاییس و اشتقاق و المصباح، التهذیب، الجمهره، العین و مانند آن‌ها.

۲. سپس از کتاب‌هایی که به دقت و تحقیق نزدیک‌ترند، از باب تأیید و توضیح نقل کردیم، مانند اساس، فائق، مفردات و لسان.

۳. به منظور اختصار، از کتاب‌هایی که بسیار نقل‌شده است، جهت اختصار از علائم قراردادی در متن استفاده کردیم و مشخصات منبع را در پایان کتاب آوردیم.

۴. نقل از منابع مورد نظر تنها به میزان مورد نیاز بدون تغییر و زیادتی انجام شد و از آنچه نیازی به بیان آن نبود، خودداری شد.

۵. در چاپ اول، نقلها با استفاده از خط نسخ و توضیحات و اضافات و تحقیقات و تفاسیر آن‌ها با خط نستعلیق از هم جدا شدند و در چاپ دوم، این دو از هم با استفاده از علائم قراردادی جدا شدند.

۶. در تعلیق و تبیین مسایل، از آنچه موجب اطالهٔ کلام و خروج از بحث می‌شود و نیز از تکرار گویی خودداری شد.

۷. معیار کتاب در شمارش آیات، در غالب موارد سبک «المعجم المفهرس» است و در مواقعی نیز به سایر منابع مانند مصحف‌های مصری مراجعه شد.

۸. هدف از تألیف، چیزی جز تحقیق و کشف معانی واقعی واژه‌ها چیزی نبود و تا جای ممکن و بضاعت خویش در این راه کوشیدیم و از قرآن استمداد خواستیم و متوسل به فیوضات الهی و الهامات ربانی شدیم. سپاس خداوند را به دلیل هدایت و عنایت حضرتش که توفیق من تنها از خدای عزیز حکیم بوده است.

۹. زمانی که معنای حقیقی واژه‌ای روش شد، بر همان اساس موارد استعمال کلمه در آیات الهی مورد توجه قرار گرفت تا حق آشکار شود و باطل از میان برود.

۱۰. هنگامی که اصل واحد و ریشهٔ ماده‌ای روشن شد، سایر معانی مجازی و موارد استعمال را به همان اصل واحد ارجاع دادیم و وجه تناسب آن‌ها را بیان کردیم.

۱۱. با روشن شدن حق، متعرض سایر سخنانی که در کتاب‌های لغوی، تفسیری و ادبی در تضعیف برخی معانی و وهن و انحراف آن‌ها آمده است، نشدیم.

۱۲. بر اثر همین دقت نظر و تحقیق، حقایق روشن و معارف حقه و لطایفی شریف و اسراری پنهان که بر بیشتر مفسران پنهان مانده و موجب اشتباه می‌شد، روشن و آشکار شدند. (مصطفوی، ۱/ ۶ – ۷)

و یا به تبیین روشی مرحوم آیت‌الله العظمی خویی (ره) توجه شود:

تفسیر، روشن ساختن مفهوم آیات قرآن و واضح کردن منظور پروردگار است. بنابراین، در تفسیر نباید به مدارک ظنی و غیر قابل اطمینان استناد کرد. بلکه باید به دلایلی تکیه کرد که عقلا و یا شرعاً حجیت و اعتبار آن ثابت و مسلم است. زیرا اولاً: پیروی از دلایل ظنی و غیر یقینی، شرعاً ممنوع و نارواست و ثانیاً: نسبت دادن مطلبی به خدا، بدون اذن وی حرام و گناه بزرگ و نابخشودنی است چنانکه خداوند می‌فرماید: «قل الله اذن لکم ام علی الله تفترون» (یونس / ۵۹) «و لا تقف ما لیس لک به علم» (بنی اسرائیل / ۳۶) ... مفسر قرآن در مسیر تفسیرش باید تنها از این گونه مدارک علمی، عقلی و شرعی که در موضوعات ذیل خلاصه می‌شود، پیروی کند:

۱. ظواهر الفاظ قرآن ...

۲. عقل فطری و سالم از تأثیرات افکار و سلیقه‌های شخصی ...

۳. دستورها و گفتارهایی که به طور حتم از ناحیهٔ معصوم علیه‌السلام رسیده ...

۴. اخبار ظنی معتبر در تفسیر قرآن (خبر واحدی که دارای شرایط حجیت و اعتبار است.) ... (خویی، ۱۳۸۲: ۵۲۶ - ۵۲۷)

یکی از اشتباهات رایج در میان برخی از دانشجویان این است که مباحث روش‌شناسی خود را با یک عبارت کوتاه مانند «روش ما مطالعهٔ کتابخانه‌ای است» مختصر کرده و هیچ توضیحی را دربارهٔ شیوهٔ مطالعهٔ خود و نحوهٔ بررسی اسناد پژوهشی‌شان ارائه نمی‌کنند. (همچنین گاه دیده می‌شود که دانشجو در جایی که می‌تواند و حتی لازم است که از روش های ترکیبی استفاده کند، پژوهش خود را محدود به یک روش خاص کرده است که همین امر موجبِ کاهش اعتبار پژوهش او می‌شود.)

## ۵۹. شناخت نظام‌یافته مصادر علمی

برای شناخت منابع پژوهش، راه‌های مختلفی موجود است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- بنا بر موضوع مورد نظر، از افراد مطلع (به ویژه با سابقهٔ تدریس یا نویسندگی در

زمینۀ مورد نظر) پرس‌وجو شود. پیشنهادهای آن‌ها می‌تواند راهنمای خوبی بـرای تحقیـق باشد.

- از فهرست‌های منابع کتابخانه‌ها (فضای اصلی تحقیق) استفاده شود. رقمـی شـدن (دیجیتالی شدن) فهرست‌های مذکور امکانات بهتری را فراهم کرده است. نیز مـی‌تـوان از کتابدارهای باسابقه نیز پرس‌وجو کرد.

- معمولاً دایرةالمعارف‌های تخصصی در ذیل واژه‌های مد نظر بـه معرفـی مصـادر اصلی تحقیق می‌پردازند. این آثار پیشنهادهای خوبی جهت راهنمایی محقق ارائه می‌دهند.

- برخی از مجلات پژوهشی اطلاعات خوبی دربارۀ آثار منتشـر شـدۀ علمـی بـه مـا می‌دهد.

- برخی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در اینترنت نیز اطلاعات خوبی در این زمینه ارائـه می‌کنند.

هیچ گاه نباید تحقیق خود را بدون بررسی کافی بر منابع تحقیق خود آغاز کرد. پیش از هر کار، محقق باید منابع مکتوب و اسناد در دسترس خود را در فهرستی به تفکیک منـابع دست اول و دوم یادداشت کند. منابع دسـت اول عبـارت اسـت از سرچشـمه هـای اصـلی اطلاعات و آگاهی های ما در قبال یک مسئلۀ تحقیق. از طریق این منابع می تـوان بـدون واسطه وارد سرچشمه های مسئلۀ تحقیق شد. موفقیت هر تحقیق در گرو میزان استفاده از مصادر اصلی است. مصادر اصلی پژوهش در رشته های مختلف و مذاهب مختلف متفـاوت است. نیز اولویت منابع دست اول به زبان اصلی و نه ترجمۀ آن خواهد بـود. در صـورت در دسترس نبودن این منابع و یا برجستگی خاصی در ترجمه، از متن ترجمه استفاده می شود. (الطویل، ۲۰۰۳: ۲۳) علامه امینی (ره) در کتاب شـریف الغـدیر، ضـمن نقـد آثـاری همچـون «الصراع بین الاسلام و الوثنیه»، «الوشیعه في الردّ علی الشیعة»، «فجـر الاسـلام»، «ضحی الاسلام»، «ظهر الاسلام»، «الجولة في ربوع الشرق الادنی» به اهمیت رجـوع به منابع اصلی چنین اشاره می‌کند:

> تهی بودن تألیفات شرقی و اسلامی از ذکر منابع، همانـا موجـب از یـاد بـردن کتـاب و سنت و نابودی اصول علم و خیانت به سلف امـت و نادیـده گـرفتن آثـار و یادگارهـای اسلامی خواهد شد؛ و آن کاری ناقص و تلاشی ناتمام است که نه به خیر و صلاح امت

> عربی است و نه جامعهٔ اسلامی.
> و روزی خواهد آمد که چنین نویسنده‌ای دندان ندامت بر پشت دست بگزد. چنین تألیفی به جای آنکه بیانگر علوم و معارف حقیقی باشد، تنها منعکس کنندهٔ نفسانیت و غرض‌ورزی نویسنده‌اش است که خواننده‌اش خود را مواجه با روایتی می‌یابد که تنها ساخته‌وپرداختهٔ مؤلفش است. ... (امینی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۹)

«منابع دست دوم» عبارت از منابع مشتق شده از منابع اصلی هستند. برای مثال، چهل حدیث مرحوم حضرت امام خمینی (۱۲۷۹ – ۱۳۶۸ شمسی) به نسبت کتاب اصول کافی اثر مرحوم کلینی (متوفی ۳۲۸ ق) یک منبع دست دوم است. این منابع اطلاعات مفید و مبسوطی در زمینهٔ تحقیق به ما می‌دهند. استفاده از این منابع، در کنار منابع دست اول، مفید و لازم است. این را نیز باید افزود که گاه به اعتبار موضوع تحقیق، اثری که در یک زمینه منبعی فرعی به شمار می‌رود، در زمینه‌ای دیگر مصدر اصلی است. برای مثال، کتاب چهل حدیث حضرت امام خمینی (ره) به اعتبار علوم حدیث (روایت معصوم علیه‌السلام) مرجع فرعی، امّا به اعتبار اندیشه‌های مرحوم حضرت امام خمینی ره و یا شیوهٔ استدلالش در زمینهٔ حدیث، مصدر اصلی تحقیق خواهد بود.

تا اینجا مشخص شد که تحقیق را نباید به کتاب های غیرعلمی که اصولاً در طبقه‌بندی منابع اصلی پژوهش قرار نمی‌گیرند، وابسته کرد. حداقل معیارهای علمی بودن یک اثر عبارت‌اند از:

- میزان دقت نویسنده،
- رعایت شیوهٔ استدلال علمی در قلم او،
- آشنایی مناسب نویسنده با پیشینه و گذشتهٔ تحقیقش،
- مبتنی بودن بر مدارک و منابع دست اول.

## ۶۰. ارائه اطلاعات علمی صحیح

ارائهٔ اطلاعات علمی کم باشد بهتر است تا نادرست و یا نامطمئن باشد. ابتدا باید منابع دست اول تحقیق خود را از منابع دست دوم جدا کرد. سپس بررسی کرد که چند منبع درجهٔ اول در دسترس موجود است. ممکن است در این مرحله، محقق به این نتیجه برسد که به دلیل نداشتن منابع مورد نیاز به اندازهٔ کافی، لازم است موضوع تحقیق خود را تغییر

دهد. حتی الامکان بهتر است فهرست مذکور به ترتیب زمانی نوشته شود تا محقق متوجـه سیر تطور تاریخ علم مورد نظرش شود.

مذاهب و فرق مختلف، هر یک دارای مصادر تحقیق خاص خود هستند. بـرای مثـال، شخصی که درصدد انجام پژوهشی در زمینهٔ «فقه حنبلی» است، باید مصادر تحقیق را بـه روایت خود فقیهان حنبلی شناسایی کند تا بتواند به صورتی بی‌واسطه با آن‌ها ارتباط برقرار کند. این فهرست می‌تواند به صورت زیر تهیه شود.

۱. «المغنی» اثر ابن‌قدامهٔ (۶۲۰ ق)

۲. «الشرح الکبیر علی متن المقنع» اثر شـمس الـدین عبـدالرحمن بـن قدامـهٔ المقدسی (۶۸۲ ق)

۳. «الفتاوی الکبری» اثر ابن‌تیمیهٔ (۷۲۷ ق)

۴. «الفروع» اثر محمد بن مفلح المقدسی (۷۶۲ ق)

۵. کشف القناع علی متن الاقناع» اثر شیخ منصور البهوتی (۱۰۵۱ ق) (الطویـل، ۲۰۰۳: ۱۲۳-۱۲۴)

هیچ گاه نباید به اتکای چند مقالهٔ دست دوم بـه تحقیـق دربـارهٔ فقـه حنبلـی و دیگـر مذاهب فقهی پرداخت. کم بودن اطلاعـات علمـی صـحیح بهتـر از نادرسـت بـودن و یـا نامطمئن بودن آن است. شیوهٔ دانشمندان نامی اسلام مانند شیخ الطائفه ابوجعفر محمد بن حسن بن علی الطوسی معروف به شـیخ طوسـی (ره) (۳۸۵ - ۴۶۰ ق) کـه از بـزرگ تـرین محققان فقه تطبیقی در جهان اسلام است به ما می‌آموزد که باید علم را از مصـادر اصـلی آن دریافت کرد. در باب اهمیت این موضوع، مرحوم علامه محمدتقی جعفری (ره) می‌گوید:

> ما می توانیم عقاید هر دو طرف {شیعه و اهل سنت} را از کتاب های خودشان استخراج کرده و باهم مقایسه نماییم و ببینیم که بین ایشان چه نقـاط مشـترک و چـه تمـایزاتی وجود دارد. البته توصیهٔ من در این خصوص آن اسـت کـه در شـناخت ایـن دو مکتـب بزرگ باید تنها به محققین و مورخین خارج از اسلام {شرق شناسان} تکیه نکنند، یعنی برای مثال، اگر یک فرد شیعه بخواهد دربارهٔ اهل سنت، حقایقی به دست بیاورد، باید به کتاب های متکلمین و حکمای خود ایشان رجوع کند. هنگامی که منـابع دسـت اول در دسترس ما هست، چه نیازی به کارها و ترجمه‌های دست دوم داریم که چه بسـا بـدون

> آشنایی به زبان و مسایل و احکام، نگاشته شده و این در حالی است که در این کار، غرض ورزی نبوده باشد. اگر افراد اهل سنت نیز بخواهند دربارهٔ عالم تشیع قضاوت کنند، باز به همین ترتیب باید از کتاب های دست اول تشیع که در اختیارشان است، استفاده کنند. ما متأسفانه در دوره های اخیر، بعضی اشخاص را دیده‌ایم که به منابع دست دوم مستشرقین قناعت کرده و به ارزیابی و داوری در مذهب تشیع پرداخته‌اند و ما این مسئله را نمی پذیریم، همان طور که علمای اهل سنت {نیز} نباید بپذیرند. (جعفری، ۱۳۷۷: ۱ / ۵۱)

اگر مرحوم علامه طباطبایی [(ره)] از منبعی برای مثال، «الدر المنثور» استفاده کرده و مشخصات منبع فوق توسط محققان دفتر انتشارات اسلامی در زیرنویس ترجمهٔ این کتاب آورده شده است، کسی «حق ندارد» با رونویسی از ترجمهٔ تفسیر المیزان و بدون ذکر نام این منبع، چنین وانمود کند که مطلب را مستقیماً از کتاب «الدر المنثور» اخذ کرده است. کسی که می خواهد بزرگ باشد، باید اسباب بزرگی را فراهم آورد. درست است که مراجعه و تحقیق در منابع اصلی سخت و دشوار است، امّا مگر می‌توان بدون تحمل رنج و سختی بزرگ بود؟

همت بلند دار که مردان روزگار
از همت بلند به جایی رسیده‌اند.

پس اگر فردی درصدد بررسی تاریخ اسلام در سده های پیشین است، باید علاوه بر توجه به نظریه‌ها، مناقشات و تحلیل‌های دیگران مورخان تا آنجا که لازم است، به منابع اصلی تاریخی رجوع کند؛ منابعی مانند:

- تاریخ خلیفهٔ بن خیاط – مورخ محدث ابن‌خیاط العصفری (۲۴۰ ق)
- تاریخ الامم و الملوک – طبری محدث و مفسر معروف (۳۱۰ ق)
- کتاب البدء و التاریخ – مطهر بن طاهر المقدسی (۳۵۵ ق)
- المقتبس فی اخبار الاندلس – حیان بن خلف القرطبی (۴۶۹ ق)
- المنتظم فی تاریخ الامم – ابن‌جوزی
- المعجب فی تلخیص اخبار المغرب – عبدالواحد المراکشی (۶۲۱ ق)
- الکامل فی التاریخ – عزالدین بن الاثیر (۶۳۰ ق)
- تاریخ الاسلام و طبقات المشاهیر و الاعلام – الذهبی (۷۴۸ ق)

- البداية و النهاية – ابن‌کثیر (۷۷۴ ق)
- کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر – ابن‌خلدون (۸۰۸ ق)
- مروج الذهب و معادن الجواهر – ابی الحسن علی المسعودی (۳۴۶ ق)
- تجارب الامم و تعاقب الهمم – ابن‌مسکویه (۴۲۱ ق)
- تاریخ الامم و الملوک – ناصر الدین بن الفرات المصری (۸۰۷ ق)
- النجوم الزاهرة في ملوك مصر و القاهرة – جمال الدین ابی المحاسن یوسف ابن‌تغری بردی (۷۸۴ ق)
- الروضتین فی اخبار الدولتین النوریهٔ و الصلاحیهٔ – ابی شامهٔ المقدسی (۶۶۵ ق)
- حسن المحاضرهٔ فی اخبار مصر و القاهرهٔ – سیوطی (۹۱۱ ق)
- البیان المغرب فی اخبار المغرب – ابی‌عبدالله محمد المراکشی (۶۶۷ ق)
- نفح الطیب من غصن الاندلس الرطیب – احمد بن محمد بن محمد المقری التلمسانی (۱۰۴۱ ق)
- الاستقصا فی اخبار المغرب الاقصی – احمد بن خالد الناصری.

## ۶۱. اجتناب از نقل‌قول‌های حجم افزا.

استفاده از نقل‌قول مستقیم تنها زمانی جایز است که دلیلی برای بیان آن موجود باشد. محقق نباید وقت خود را با از بر کردن الفاظ و سرهم‌بندی نوشته‌های دیگران تلف کند و باید به جای حفظ الفاظ، خود را درگیر با مفاهیم کند و قدرت تحلیل خود را بالا برد. او باید بکوشد تا سبک نگارش خاص خود را بیابد و به زبان خاص خود سخن بگوید.

اصل در یک متن تحقیقی آن است که هفتاد درصد مطالب آن نقل‌قول غیرمستقیم باشد و تنها سی درصد مطالب آن هم به شرط ضرورت، نقل‌قول مستقیم باشد.

## ۶۲. تهیهٔ منابعی جهت مقایسه دیدگاه‌ها و وقایع

هیچ‌گاه نباید به پژوهش سمت‌وسوی یک‌طرفه داد. یکی از روش‌های غنی کردن مطالب پژوهش خویش آن است که از طریق یافتن دیدگاه های مختلف پیرامون

موضوعات مورد بررسی، خواننده را در مقابل وضعیت‌های مقایسه‌ای قرار داد. با انجام مقایسه می‌توان مسئله را از زوایای مختلفی مطرح کرد؛ مانند:

- دیدگاه‌های معارض یکدیگر را بیان کرد.
- دیدگاه‌های تأییدکننده یکدیگر را شناخت.
- دیدگاه‌های مکمل هم را شناخت.
- موارد بیان یک مسئله در آثار مختلف را شمارش کرد.

هیچ‌گاه نباید از ارزش بالای مقایسه در پژوهش غافل شد. جهت انجام تمرین، در مطالعهٔ مقالات و کتاب‌های برجستهٔ علمی این سئوالات را مطرح کنید:

- چند مورد مقایسه در متن موجود است؟
- چه دیدگاه‌هایی در مقابل یکدیگر مطرح‌شده‌اند؟
- آیا نویسنده صرفاً به نقل قول مستقیم اکتفا کرده است و یا با بررسی هر نقل، با نقل مطالب موضع خود را بیان کرده است؟
- آیا نویسنده در جریان مطالعه و پژوهش فردی منفعل است و یا فعال؟

## ۶۳. یادداشت نویسی منظم

محقق باید دفتر یادداشت مطالعاتی داشته باشد و در حین تحقیق به حافظهٔ خود متکی نباشد. البته پیشرفت‌های رایانه‌ای امکانات جدیدتری برای پژوهش ارائه کرده است و یادگیری مهارت تایپ را برای نسل جدید پژوهشگران الزامی کرده است. یادداشت نویسی اگر چه کاری وقت‌گیر به نظر می‌آید، امّا نوعی سرمایه‌گذاری ارزشمند علمی برای درازمدت است. برگه‌های یادداشت مختلفی (و در اندازه‌های گوناگون) در بازار موجود است. هر محقق بنا بر نوع کار و سلیقهٔ خود برگه‌ای را انتخاب و یا طراحی کند و به صورت منظم داده‌های ثبت‌شده را در قالب «بایگانی قابل رجوع» ذخیره کند.

## ۶۴. استنادهای توضیحی و ارجاعی

در طی مراحل تحقیق باید با استفاده از منابع معتبر و در موقعیت مفهومی مناسب (به جا و به موقع) به شکلی نظام‌مند استناد شود. قاعدهٔ کلی استناد به قرار زیر است. همواره

نقل‌قول مستقیم مستند به منبع مورد استفاده شود. ضمن آنکه باید ابتدا و انتهای آن به نحوی مانند استفاده از نشانه «گیومه» و یا اختصاص پاراگرافی برای آن مشخص شود.

مواردی که جزو دانش عمومی محسوب می شوند، نیازی به مستندسازی در نقل قول «غیرمستقیم» ندارند. برای مثال، تقسیم بندی کلمه به «اسم و فعل و حرف» جزو معارف عمومی است؛ مگر آنکه منظور دیگری از بیان آن مورد نظر باشد. همچنین است بیان شواهد شعری، در صورتی که ضبط دقیق یا ذکر نام سرایندهٔ آن مورد نظر نباشد.

باید از نقل‌قول های بی خاصیت و حجم افزا پرهیز کرد و چنانکه گفته شد، باید اساس نقل مطالب را در نقل‌قول غیرمستقیم گذاشت. نقل‌قول غیرمستقیم همواره مشکل‌تر از نقل قول مستقیم است؛ زیرا نویسنده باید مطالعهٔ دقیق متن، به کمک ذهن خود و نه رونویسی از کتاب‌ها، محتوا را در قالب نقل‌قول تحلیل‌شده، به زبان خود بازنویسی کند.

همچنین گاه نویسنده لازم می‌داند که مطالبی را به اطلاع خوانندهٔ اثرش برساند که بیان آن در داخل متن، منجر به از میان رفتن نظم ساختاری نوشتار و گسیختگی در مطالب آنان می شود. لذا توضیحات فوق به صورت مجزا یا در پای صفحه با عنوان پاورقی یا پانوشت و یا در پایان فصول و یا کتاب با عنوان تعلیقات یا یادداشت‌ها آورده می‌شوند. پانوشت بر سه قسم است:

**پانوشت ارجاعی**: استناد مطلب برای رعایت امانت و یا ارجاع خواننده به منابع دیگر.

**پانوشت توضیحی**: بیان توضیحات اضافی دربارهٔ موضوع سخن (مانند معنای یک واژه، معرفی اجمالی اعلام غیر مشهور که در متن از آن ها نام‌برده شده باشد، معادل خارجی یک اصطلاح و ...)

**پانوشت مختلط**: که مشتمل بر ارجاع و توضیح است.

لازم است تا پانوشت مترجم و یا ویراستار اثر از پانوشت نویسنده تفکیک شود. این امر از طریق قرارداد نشانه ای (مانند: (م) برای مترجم) صورت می پذیرد. همچنین مطالب پانوشت باید به صورت مجمل و فشرده ارائه شوند.

مستند کردن پژوهش بیانگر شخصیت پژوهشگر است. که ضمن بیان دیدگاه خود، در تعامل و واکنش با اندیشه‌های دیگران قرار می گیرد. هیچ‌گاه نباید متن پژوهش را تنها به

مجموعه‌ای از نقل‌قول‌های بی‌هدف مبدل کرد. از لحاظ شکلی استناد به شیوه‌های مختلفی صورت می‌پذیرد. هر شیوه‌ای که بتواند به صورت منطقی، مناسب و با رعایت وحدت رویه، اطلاعات لازم را به خواننده منتقل کند، قابل‌قبول است. (با توجه به تنوع روش‌های علمی استناد، نیازی به حصر آن در یک روش مشخص نیست.) منابع خوبی در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. احمد سمیعی (گیلانی): ۱۳۸۳، **نگارش و ویرایش**، تهران (چاپ ششم) سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

۲. غلامحسین غلامحسین زاده: ۱۳۸۳، **راهنمای ویرایش**، تهران (چاپ سوم)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

۳. آذرمه سنجری، فروغ کاظمی:۱۳۷۹، **راهنمای ویرایش: شیوه نامه انتشارات دانشگاه شهید بهشتی**، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۴. محمدجعفر یاحقی، محمدمهدی ناصح: ۱۳۶۸. **راهنمای نگارش و ویرایش**. مشهد (چاپ هفتم) مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

## ۶۵. ضرورت داشتن استدلال‌هایی صحیح

در طی نگارش یک مقاله و یا رسالهٔ دانشگاهی، بارها و بارها از «استدلال علمی» استفاده می‌کنیم. ارزش پژوهش ما به شیوهٔ استدلال به‌کاررفته در آن بازمی‌گردد. استدلال عبارت از **عمل به کار گرفتن دلیل برای اثبات درستی یک مطلب است.** همچنان که در بحث نقل با سند و مسایل پیرامون آن سروکار داریم، در استدلال متوجه استحکام و استواری دلایل هستیم. دلیل سست، قولْ مشکوک و مردود است. اموری مانند سفسطه، مغالطه، مصادره بر مطلوب، قیاس مع‌الفارق از زمرهٔ عوامل تضعیف‌کننده دلیل هستند. به طور کلی استواری استدلال منوط به دو امر است:

۱. یقینی بودن مقدمات،

۲. نتیجه‌گیری درست از آن‌ها. (در این زمینه به نظریه و نیز مطالعات توصیفی مراجعه شود.)

برای درک اهمیت استدلال به این پرسش‌ها توجه کنید:

- در حین انجام پژوهش، چرا برخی از مطالب را می‌پذیریم و برخی دیگر را رد

می‌کنیم؟

– مخاطب پژوهش، نیازمند دانستن چه چیزی است تا بتواند دربارهٔ مدعای ما «تفکر» کند؟

– نوشتهٔ ما با وجود چه مؤلفه‌هایی می‌تواند تا خواننده خود را به اندیشه وادار کند؟

باکمی دقت در این پرسش‌ها مشخص می‌شود که سطح استدلال هر متن سطح تفکر آن متن را مشخص می‌کند و نیز امکان ارزشیابی متن را برای خوانندگانش ایجاد می‌کند. به طور کلی معرف‌های یک استدلال علمی خوب عبارت‌اند از:

۱. شناخت مسئله: شخصی که خود در شناخت مسئله دچار ابهام است، چگونه می‌تواند آن را برای دیگران روشن و واضح کند.

۲. رعایت تقدم و تأخر مطالب در بیان مسئله: نباید بدون مقدمه چینی لازم وارد نتیجه‌گیری شد.

۳. استفاده از دلایل معتبر: هیچ گاه نباید از ادلهٔ نامعتبر (مانند آمار نادرست و یا مشکوک) استفاده کرد. استفاده از روایات ضعیف در تفسیر قرآن و دیگر تحقیقات اسلامی صحیح نیست. (خویی، ۱۳۸۲: ۵۲۷) همچنین هیچ گاه نباید امر جزیی را چنان توسعه داد که به کل تعمیم داده شود.

۴. کافی بودن ادلهٔ پژوهش: به جای استفادهٔ بیش از اندازه از ادوات تاکید، باید به اندازهٔ کافی دلیل آورد. هر چه دلایل بیشتر باشد، از نیازِ (کاذب) به استفاده از واژگانی چون: قطعاً، حتماً، لاجرم واقعاً، مسلماً و نظایر آن کاسته می شود. (ضمن آنکه در چنین زمانی است که واژگان کاربرد صحیح خود را می‌یابند.)

۵. آشنایی با نظریات معارض: باید استدلال خود را با توجه به نظریه‌های رقیب و معارض مطرح کرد. اگر هدف ارائهٔ مطالبی درست باشد، پس دیگر چه باک از نقادی آن که زمینه ساز رسیدن به این هدف خواهد بود. یکی از فلاسفهٔ غربی به نام آنتونی کنی (Anthony Kenny) در ضمن بررسی آثار کشیش مسیحی، توماس آکوینی (۴۳۰ – ۳۵۴ م) به نکتهٔ جالبی اشاره کرده است:

> ... هر وقت آکویناس می خواهد نظریه یا مدعای فلسفی یا کلامی خاصی را مطرح کند، اول سه تا از قوی‌ترین دلایلی را که در رد آن به فکرش می‌رسد، ذکر می‌کند. این روش انضباط عجیبی در تفکر به وجود می‌آورد و نمی‌گذارد امور را مسلم فرض کنید

وادارتان می‌کند از خودتان بپرسید: چه کسی را می خواهم نسبت به چه چیـزی متقاعـد کنم و قوی‌ترین اعتراض‌هایی که طرف ممکن است بکند، چیست؟ (مگی، ۱۳۷۷: ۹۸)

۶. کافی بودن دلایل: گاه جهت شناخت کفایت استدلال خود، مشورت بـا اهـل فـن لازم است تا مشخص شود که آیا به اندازهٔ کافی از دلایـل قرآنـی اسـتفاده شـده است؟ آیا به میزان کافی از روایات معصومین [علیهم السلام] اسـتفاده شـده اسـت؟ آیـا شواهد تاریخی بیان‌شده کافی است؟ عدم توجه به این سـئوالات و امثـال آن‌هـا، منجر به سستی استدلال و در نتیجه ضعف کل پژوهش می‌شود.

باید ادلهٔ خود را در دسته‌بندی مشخصی بیان کرد: مانند ادلـهٔ عقلـی، ادلـهٔ نقلـی، شواهد تاریخی و نظایر آن. از خلط مباحث بپرهیز کرد و ورود خود در هـر یـک از این زمینه ها را متناسب با ماهیت بحث تطبیـق داد. بـرای مثـال، نبایـد در بحـث عقلی از دلایل تاریخی استفاده کرد. اگر چه ادله و شواهد مختلف در جمـع بنـدی نهایی در کنار یکدیگر قرار خواهند گرفت. نیز اگر استدلال بر محـور چنـد حـوزهٔ علمی قرار گرفته است، بـرای مثـال، ضـرورت طـرح مباحـث ادبـی، تفسـیری و تاریخی در ضمن بحث پیرامون یک آیه از قرآن کریم، هر یـک از ایـن حـوزه‌هـا نیازمند استفاده از ادلهٔ کافی هستند. چه بسا که تزلزل ادله در یک حوزه بر اعتبـار کلیت استدلال اثرگذار باشد.

۷. **شرط تناسب اقدام با موضوع مورد بررسی:** پیش تر اشـاره شـد کـه هـر علمی را نباید باهر روشی درآمیخت.

- براهین فلسفی با عرفان عملی متفاوت است.
- تفسیر کلام بشری، با تفسیر کلام‌الله مجید متفاوت است.
- روش شناخت جامعه (آنچه اکنون در آن می‌گذرد)، با شناخت تـاریخ آن جامعه مختلف است.
- در پژوهش های عملی نیازمند تناسب روش با موقعیت پدیدهٔ مورد نظـر هستیم. برای مثال، دادن پرسشنامه به مردم «بی‌سواد» نادرست است.
- انتخاب غیرمتخصص برای گفتگو پیرامون مباحـث تخصصـی، کـاری غیرمنطقی و اشتباه است،

- اتکا بر استقرای ناقص یقین‌آور نیست و دیگر نظایر آن.

۸. **ضرورت استفادهٔ صحیح از اصطلاحات علمی**: باید از به کار بردن اصطلاحات نامأنوس در موضوع پژوهش خودداری کرد و بدون علت موجه، مبادرت به ساخت اصطلاح جایگزین اصطلاحات موجود نکرد؛ زیرا واژه سازی تصنعی، علاوه بر ناتوانی در برقراری ارتباطی منطقی با دیگر دانشمندان، (نبود امکان بین ذهنی شدن مفاهیم)، به آشفتگی واژگانی دامن می‌زند. همچنین نباید به جهت نمایش سواد و توانایی های خود، از عبارات و اصطلاحات خارجی استفاده کرد. (از مشکلات رایج در بسیاری از پژوهش‌ها)

۹. **احتیاط در صدور احکام کلی:** فردی که مسئلهٔ علمی در عرصهٔ وجود را تنها همان بداند که خود طرح کرده است، هیچ بهره ای از علم ندارد. (جعفری، ۱۳۷۹: ۷۴) در طرح و تعمیم دیدگاه‌های علمی خویش، باید نهایت احتیاط را به خرج داد.

## ۶۶. پژوهش مستلزم داشتن درک بالایی از زیبایی‌شناسی است.

زیبایی‌شناسی حداقل به دو بُعد مربوط می‌شود:

۱. زیبایی استدلال علمی که به هماهنگی اجزای آن با یکدیگر و صحت و کمال آن بازمی‌گردد.

۲. بُعد زیبایی جویی و زیبا یابی فرد محقق.

در متن پژوهش، توجه به رعایت زیبایی از دو لحاظ محتوا و لفظ مهم است که به اجمال شامل رعایت موارد زیر است:

۱. **حق‌جویی:** حق در مقابل باطل است. خیر و برکت‌ها در حق نهفته است. هیچ خیری در باطل نیست.

۲. **رعایت انصاف و امانت علمی:** بدون رعایت انصاف و امانت علمی، زشتی تدلیس نویسنده آشکار می‌شود.

۳. **ویرایش جملات:** از به کار بردن جملاتی طولانی با بیش از دو سطر اجتناب شود. نیز باید از تکرار بی‌جهت جملات همسان در لابه‌لای تحقیق خود و یا جملاتی با محتوای تکراری اجتناب کرد. (مگر آنکه مقاصد خاصی مانند اهداف آموزشی مطرح باشد.)

استفاده از جملات معترضه نیز تنها در صورت ضرورت باید صورت گیرد. ملاک حـذف یـا عدم حذف این جملات در پاسخ این پرسش‌ها نهفته است که آیا عدم بیـان آن منجـر بـه ایجاد خللی در ساختار استدلال تحقیق خواهد شد یا خیر؟ و وجود آن ها چه تأثیر مثبتی در این ساختار ایفا خواهد کرد؟ چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شـد، بسـیاری از توضـیحات اضـافی تکمیل‌کننده را می‌توان در پانوشت‌های توضیحی بیان کرد.

۴. **استدلال در سطح مخاطب پژوهش:** هر اثری به منظور تأمین نیازهای مخاطبان خاص خود نوشته شده است. انسان ها در سـنین مختلـف زنـدگانی نیازهـا و سـطح تفکـر مختلفی دارند. اقتضای نگارش برای سنین نوجوانی با بزرگ‌سالی متفاوت است. نیز سـطح سواد مخاطبان در نحوهٔ بیان نویسنده تأثیرگذار است. آیا می توان همان مثال هـایی را کـه برای کودکان ارائه می‌شود، برای بزرگ‌سـالان نیـز بیـان کـرد؟ معمـولاً پایـان‌نامـه‌هـای دانشگاهی در سطح مخاطبانی با حداقل درجهٔ کارشناسی (لیسانس) تعریف شده اند. لذا باید از بیان مطالب در سطحی پایین‌تر خودداری کرد.

۵. **دادن امکان تصمیم‌گیری به مخاطب:** هدف از تحقیق باید تنها بیان چیزی باشد که بر اساس حق جویی به آن رسیده ایم. وظیفهٔ محقق با انجـام ایـن کـار پایـان پذیرفتـه است. نباید محقق در اندیشهٔ پذیرش اجباری مخاطب نسبت به دیدگاهی خاص باشد.

۶. **توجه به پرورش مفاهیم مورد نظر:** در جریان به کارگیری استدلال، نیازمند توجه به مجموعه مسایل مهمی در کنار آن هستیم. برخی از این امور به طور خلاصه عبارت انـد از: الف– تعریف دقیق بین الاذهانی کردن مفاهیم، ب– استفادهٔ درسـت از شـواهد، توجـه شود که استشهاد گاهی برای اثبات و تأییـد نکتـه ای و گـاه بـرای آرایـش سـخن اسـت. استشهاد در استدلال نباید به گونه‌ای باشد که مراد قـائلان آن را تحریـف کنـد. {بـه «لا تَقْرَبُوا الصَّلاة» استشهاد شود و از «و أَنْتُم سُکاري» (قرآن مجید، سوره نساء: ۴۳) ذکـری بـه میان نیاید.} استشـهاد در علـوم اسـلامی کـاربردی فـراوان دارد. ج– اسـتفاده از اسـلوب مقایسه تا از این رهگذر مسایل روشن‌تر و بارزتر ارائه شوند. لازمهٔ صحت مقایسه، رعایـت شرط هم‌سنخ بودن است. د– استفاده از اسلوب‌های بیانی مناسب، چون اسـلوب پرسشـی، شرطی و نظایر آن. برای مثال، برخی از کارکردهای پرسش در متن عبارت‌اند از:

- ایجاد علاقه و کنجکاوی،

- متمرکز کردن توجه بر مفهوم یا موضوعی خاص،
- واداشتن مخاطب به تفکر و تأمل،
- ایجاد ارتقای فکری در ضمن استدلال علمی.

## ۶۷. داشتن نگاهی نقادانه

نقد یک اثر عبارت است از نشان دادن نقاط ضعف و قوت آن به گونه ای که سرانجام منجر به استخراج قوانینی شود که علل ضعف یا اعتلای یک اثر را بیان کنند؛ بنابراین، نقد علمی صرف یک مدح و ذم ساده نیست، بلکه کوششی در جهت تعالی کلیت علم است. پیام نقد یک اثر به خواننده این است که برای پیشرفت در کار از چه راهی باید رفت و نیز نرفت. معمولاً دانشمندان اسلامی به دو روش به نقد آثار مختلف پرداخته‌اند.

۱. انتقاد مستقیم: بیان نظریهٔ مورد انتقاد و سپس نقد آن مثل اینکه به مقدمات و یا استنتاج آن اشکال گیرند.
۲. انتقاد غیرمستقیم: بیان نظریه‌ای که صاحب‌نظران آن را حق و صحیح می‌دانند. به گونه‌ای که ناظران آگاه از نظریهٔ مخالف، با مطالعهٔ آن اعتراض نهفته در آن نظریه را دریافت می‌کنند. (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۵ / ۱۸۱ – ۱۸۳)

معمولاً نقد در محورهای زیر صورت می‌پذیرد. امری که باید مورد توجه هر دانشجویی در زمان نگارش رسالهٔ پژوهشی خود باشد.

- نقد مقدمات استدلال
- نقد نحوهٔ استنتاج
- نقد اصالت پرسش تحقیق
- نقد اعتبار مدارک و منابع
- نقد صحت توصیف
- نقد ساختار و قالب نوشتار

بهترین شیوهٔ نقد اندیشه‌ها پرسیدن دربارهٔ آن‌هاست. در مواجهه با یک استدلال ناسازگار با باید پیش از هر کار، آن را در قالب مجموعه‌ای از پرسش‌ها به نقد کشید؛ مانند:

- **بستر فکری – فرهنگی نویسنده چیست؟**

شناخت اندیشه‌ها و نظرات بزرگان رشته‌های علوم انسانی، منوط به شناخت سنت‌های

فکری است که به عنوان منابع تفکر آنان مطرح بـوده انـد. بـه طـور کلـی در مطالعـهٔ اندیشه‌های هر متفکر سه محور اهمیت دارد:

۱. زمینهٔ فرهنگی و اجتماعی حیات او،

۲. سرچشمهٔ اندیشه ها و عناصر سازندهٔ تفکرش. (مکتب فکری ای که بـدان تعلـق دارد.)

۳. تحول اندیشهٔ وی در گذشت زمان.

- **استدلال او بر پایهٔ چه روشی است؟**

هر متفکری گرایش به نوعی روش شناسـی دارد. بـرای مثـال، مرحـوم آیـت الله سـید عبدالحسین طیـب اصـفهانی (۱۳۱۲ ق / ۱۴۱۱ ق) در تفسـیر خـویش بنـام «اطیـب البیان» در ابتدا از روش تفسیر قرآن به قرآن و سـپس اسـتفاده از کلمـات معصـومین (علیهم السلام) بهره برده است. از سویی دیگر افرادی همچون شیخ طنطاوی (وفـات ۱۳۵۸ ق) در تفسیر خود بنام «الجواهر فی تفسیر القرآن» ضمن تفسیر آیه، اهتمام زیادی بـه ارائهٔ شگفتی های طبیعت و دانستنی های علمی، که در مـواردی بـا کشـیدن جـدول و نمایش عکس، همراه است، دارد و افراط زیادی بر مباحث علمی به خرج داده است. آیا می‌توان بدون شناخت روش‌های تفسیری، درباره تبعات آن بحث کرد؟

- **نویسنده مدعای خود را بر اساس چه ادله‌ای اثبات کرده است؟**

برای مثال، در آثار فردی که بر زوال اندیشهٔ سیاسی در ایـران حکـم مـی‌دهـد، مـوارد متعددی از عدم شناخت متون اسلامی مشاهده می شود. او در یک مورد، بـا اشـاره بـه فرمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک اشتر دربارهٔ لزوم تناسب خراج با توان رعیت، آن را به معنای مصلحت‌اندیشی در نظر می گیـرد و مصـلحت‌اندیشـی را تفکـر ایرانشهری می‌داند و با این مقدمات! چنین نتیجه می گیرد که نهج‌البلاغه رسـاله‌ای در اندیشهٔ سیاسی است که برخلاف رساله های شرعی اهل سنت (ماننـد آثـار مـاوردی و ابن تیمیه) از سنخ سیاست‌نامه های ایرانی است![1] (طباطبایی، فـروردین – اردیبهشـت ۱۳۸۲:

---

۱ . متن گفتهٔ وی چنین است: «امّا من گمان می‌کنم برجسته شدن جنبه‌هـای سیاسـی نهـج‌البلاغـه، از دیدگاه تاریخ اندیشه سیاسی، دلیل دیگری دارد. به اجمال کوشش می‌کنم به دو نکته دراین‌باره اشاره‌کنم : نخست اینکه من حدس می‌زنم که بخش‌هایی از این کتاب، بیشتر از آنکه یک سند دینی باشد، از سنخ

۵۲ – ۵۴) حال بار دیگر به استدلال او توجه کنیم:

۱. فرمان مالک اشتر متضمن مواردی از مصلحت‌اندیشی است.

۲. مصلحت‌اندیشی تفکری ایرانشهری است.

۳. سیاست‌نامه‌نویسی ایرانی بر پایه تفکر ایران‌شهری است.

۴. پس بخشی از نهج‌البلاغه هم از سنخ سیاست‌نامه‌های ایرانی است.

البته مشخص است که وی اطلاعی محدود و ضعیف از کتاب عزیز نهج‌البلاغه دارد.

این سخن علامه جعفری (ره) نیز در عدم اعتنا بـه فریبنـدگی ظـاهری برخـی سـخنان جالب توجه است. او در خصوص عبارت مشهور (منسوب به) «ولتر» مبنی بر اینکه: «بـرای من آزادی آن قدر با ارزش است که حاضرم برای اینکه شما سخن خود را آزادانه بگویید خودم را فدا کنم، اگر چه خود مخالف سخن شما بوده باشم» می‌نویسد: من آن موقع با مشـاهدهٔ چنـین عبارتی که به ولتر نسبت داده‌اند احتمال قوی دادم که ترجمه ها صحیح نبوده است و هنوز هم تا اصل عبارت ولتر را با چشم خود نبینم خطا را به مترجمان نسبت خواهم داد. زیـرا ولتـر هـر کـه باشد مردی عاقل و متفکر و فرهنگ دیده و محال به نظر می رسد کـه او سـخنی را بگویـد کـه تناقضش را در درون خود داشته باشد. توضیح اینکه فداکاری ولتر بـرای عظمـت و ارزش آزادی است اگر این ارزش و عظمت به قدری مطلق باشد که حتی شامل ابراز عقیدهٔ شخصی باشد کـه بر ضد آزادی است، عمومیت سخن چنین است که ولتر برای این که شما سخن ضد آزادی خـود

---

سیاست‌نامه‌ها است و به عبارت دیگر، از اندیشه سیاسی ایرانشهری تأثیر پذیرفته یا بر پایـه رسـاله‌هـایی درباره اندیشه سیاسی ایرانشهری تدوین شده است وجـه تمـایز اصـلی میـان اندیشـه سیاسـی – اعـم از ایرانشهری و یونانی – با اندیشه سیاسی دینی، این است که در یک سـند دینـی اصـل بـر اجـرای حکـم خداوند است. حال آنکه در اندیشه سیاسی – و نیز در نهج‌البلاغه به ویژه در عهدنامه مالک اشتر – توجـه خاصی به رعایت مصالح سیاسی شده است. در عهدنامه مالک اشتر نیز اصل «مصالح مرسله» یـا رعایـت مصلحت رعیت است. این امر را می‌توان آشکارا در تاریخ اندیشه در ایران دید و بـه گونـه‌ای کـه مـن در جای دیگری توضیح داده‌ام وزیر متشرعی مانند خواجه نظام‌الملک در یکی از مهم‌ترین رساله‌های اندیشه سیاسی ایرانشهری در دوره اسلامی، به صراحت، این نکته را کـه پـیش از او نیـز گفتـه بودنـد، برجسـته می کند که «ملک با کفر می‌ماند، امّا با ظلم نمی‌مانـد.» همـین ضـابطه عـدالت، یعنـی رعایـت مصـالح عمومی، در عهدنامه به مالک نیز به تاکید آمده است که خراج باید با توجه به توان رعیت، یعنی با رعایت ضابطه مصلحت، گرفته شود و تردیدی نیست که این ضابطه مصلحت ناظر بـر مصـالح عمـومی کشـور است و نه صرف اجرای حکم خداوند.» (ص ۵۳)

را آزادانه بیان کنید حاضر است خود را فدا کند! نتیجهٔ گزافه گویی در ابراز سخنی که تنها برای جلب شنونده گفته می‌شود.

- **پیامدهای فرهنگی و اعتقادی پذیرش دیدگاه وی چیست؟**

باهر اندیشه و تفکری که مواجه می‌شوید، متوجه تبعات فرهنگی و اعتقادی پذیرش آن بر فرد و جامعه باشید. برای مثال، پیامد صامت انگاری قرآن مجید چیست؟ پیامد تبدیل حکم شناسی به شرایط شناسی در تفاسیر هرمنوتیکی غربی از آیات قرآن چیست؟ پیامد های اعتقادی پذیرش ابطال گرایی به عنوان یک روش شناخت در مسایل دینی چیست‌اند؟

**-آنان چگونه به پاسخ (احتمالاً) نادرست رسیده‌اند؟**

تأمل بر این پرسش موجب می‌شود تا در ورود به اندیشه‌های آنان با احتیاط بیشتری قدم برداشت.

## مثال نمونه‌ای از یک متن علمی

متن زیر دربارهٔ احمد بن محمد بن موسی رازی از مورخان ایرانی‌الاصل اندلسی است که توسط مورخ عراقی دکتر عبدالواحد ذنون طه نوشته شده است. نویسنده در هر سطر از کتابش کوشیده است تا اطلاعات مفید و مستندی دربارهٔ مورخ مورد نظرش، ارائه دهد. متن زیر را بر اساس تمییز مثال‌ها، نحوهٔ توصیف و تحلیل و منابع مورد استفاده مورد توجه و بررسی قرار دهید.

**احمد بن محمد بن موسی الرازی**

احمد رازی در روز دوازدهم ذی‌الحجه سال ۲۷۴ هـ / بیست و ششم آوریل سال ۸۸۸ م به دنیا آمد.[۱] از دوران اولیهٔ زندگی و طفولیت او اطلاعات زیادی در دست نیست. با این حال از روایت پسرش عیسی مشخص می‌شود که او سه سال پیش از وفات پدرش در شهر آلبیره به دنیا آمد. از کودکی در پی طلب علم برآمد و علاقمند به ادبیات شد. پس از چندی علاقه شدیدی به تحقیق پیرامون اخبار

۱. ابن الفرضي، القسم الاول، ص ۴۰، یاقوت، معجم الادباء: ۴ / ۲۳۶.

تاریخی و تفحص در آن در او ایجاد شد.[۱] و ازاین‌رو، در نزد شیوخ محدثان قرطبه، همچون قاسم بن اصبغ (متوفای سال ۳۴۰ هـ / ۹۵۱ م) و احمد بن خالد (متوفای ۳۲۲ هـ / ۹۳۳ م)[۲] که شأن والایی در تاریخ و حدیث داشتند، شاگردی کرد.

به نظر می‌رسد که قاسم بن اصبغ بر احمد رازی تأثیر بسیار گذاشته است. قاسم با تألیفات متعددش در زمینه‌های گوناگون علوم دینی و دنیوی، مشهور بود.[۳] از آن جمله می‌توان به «انساب» اشاره داشت. ابن‌حزم بیان می‌کند[۴] که ابن‌اصبغ کتابی در انساب تألیف کرده است و بی‌تردید احمد رازی از آن کتاب، که اکنون در دسترس نیست، استفاده کرده است. ضمن آنکه از کتاب پدرش (الرایات) که کمی پیش‌تر دربارهٔ آن سخن به میان آمد، بهره برده است. دلیل آن کثرت مطالب رازی دربارهٔ انساب در کتابش با عنوان «الاستیعاب فی انساب مشاهیر اهل الاندلس» است که البته به دست ما نرسیده است، ولی بسیاری از مورخان و نویسندگان زندگی‌نامه‌ها در تألیفات موجود خود از قبیل «تاریخ علماء الاندلس» از ابن‌حیان الفرضی و «المقتبس» از ابن‌حیان و «التکملة لکتاب الصلة» از ابن‌الابار و «الاحاطة في اخبار غرناطة» از ابن‌خطیب[۵] مطالب آن را نقل کرده‌اند.

و ترجمه از امور دیگری بود که قاسم بن اصبغ بدان پرداخت. برخی از پژوهشگران با استناد به دو متن از کتاب العبر اثر ابن‌خلدون[۶] معتقدند که به

---

۱. المقتبس، تحقیق: مکي (روایة عیسي بن احمد الرازي) ، ص ۲۶۹: و نیز نک اثر خود راوي: Arabica, II, ۱۹۵۵, P. ۲۳۰.

۲. از احمد بن خالد. نک به: الحمیدي، ص ۱۲۱ ـ ۱۲۲ : الضبي، بغیة الملتمس، نشر: فرانسسکو کودیرا، مدرید، ۱۸۸۵، ص ۱۶۳ ـ ۱۶۴: ابن الفرضي، القسم الاول، ص ۳۱.

۳. همان منبع، القسم الاول، ص ۳۶۴ ـ ۳۶۷، الحمیدي، ص ۳۳۹ ـ ۳۳۱، الضبي، ص ۴۳۳ ـ ۴۳۴، معجم الادباء: ۶ / ۳۳۶ – ۳۳۷ : .Pons Bolgues, Op. Cit, p. ۶۰

۴. رسالة في فضل الاندلس، نقلها المقري في نفح الطیب: ۳ / ۱۵۶ – ۱۸۶، نک به: ص ۱۷۴. همچنین در ضمن (رسائل ابن حزم الاندلسي) آمده است.: تحقیق: احسان عباس، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر، بیروت، ۱۹۸۱،: ۲ / ۱۸۴.

۵. نک به: عبدالواحد ذنون طه، دراسات في التاریخ الاندلسي، الموصل، ۱۹۸۷، ص ۹۸.

۶. العبر و دیوان المبتدء و الخبر، بیروت، ۱۹۵۶ ـ ۱۹۶۰ : ۲ / ۱۶۹، ۴۰۲.

فرمان المستنصر، در دوران ولیعهدی‌اش،[1] قاسم با همکاری ولید بن خیزران قاضی نصاری قرطبه به ترجمهٔ کتاب تاریخ اثر هروشیش ( Paulus Horosius) مبادرت کرد. هروشیش مورخ اسپانیایی در قرون چهارم و پنجم میلادی بود که کتاب وی با عنوان لاتینی ( Historiea Adversus Paganos) از زمرهٔ آثاری بود که «ارمانیوس» (Romanos) پادشاه بیزانسی قسطنطنیه در سال ۳۳۷ هـ / ۹۴۸ م برای خلیفهٔ اموی «عبدالرحمن الناصر لدین الله» ارسال کرده بود. نسخهٔ منحصربه‌فردی از ترجمهٔ عربی کتاب هروشیش در دانشگاه کلمبیا در نیویورک با شمارهٔ (X ۸۹۳ ۷۱ ۲ H) موجود است و نویسندگان دیگر مانند ابن‌خلدون و سلیمان بن حسان الاندلسی معروف به ابن‌جلجل از این ترجمه استفاده کرده‌اند.[2]

دکتر حسین مؤنس معتقد است [3] که رازی از این ترجمه در نگارش مقدمهٔ تاریخ خود در زمینهٔ جغرافیا از آنچه که هروشیش ارائه کرده است، بهره برده است. ضمن آنکه در آن کتاب از موضوعات مربوط به شرق، که در نتیجهٔ ارتباطات و مسافرت‌های میان مشرق و اندلس کسب شده بود، به وفور یافت می‌شد. رازی با استفاده از همهٔ آن منابع، جغرافیایی کامل از شبه‌جزیرهٔ ایبریا تهیه کرد و به مانند هروشیش جغرافیا را به عنوان مقدمهٔ تاریخ خود دربارهٔ اندلس قرار داد. پس از وی روش مقدم داشتن جغرافیا بر تاریخ و یا به عبارت دیگر شرح زمینه (جغرافیایی) پیش از بیان وقایع در نزد تمامی مورخان اندلسی معمول شد و چنانکه در ادامه بیان خواهد شد آنان همزمان جغرافیدان و مورخ بوده‌اند.

اکنون وقت آن فرا رسیده است که به سهم احمد رازی در تدوین تاریخ سرزمین

---

۱. به مقدمه کتاب زیر مراجعه کنید: طبقات الاطباء و الحکماء لابن جلجل، بقلم المحقق: فؤاد السید، القاهرة، ۱۹۵۵، ص کط ـ لج:

نیز نک به: حسین مؤنس، تاریخ الجغرافية و الجغرافيين في الاندلس، مدرید، ۱۹۶۷، ص ۳۰، ۳۱ : و مقاله: G. Levi Della Vida, La Traduzione Arabe d ila storie di Orosio, Al Andalus. XIX, ۱۹۵۴, fasc, ۲, pp. ۲۵۷ _ ۲۶۰.

۲. نک به: طبقات الاطباء و الحکماء ، ص ۲، ۱۱، ۱۲، ۳۶.

۳. تاریخ الجغرافية و الجغرافيين في الاندلس، ص ۵۴ ـ ۵۵.

اندلس بپردازیم. او به حق از برجسته‌ترین افرادی است که در این زمینه صاحب تألیف است و به جهت کثرت آثارش تاریخی‌اش و تدوین کتاب‌هایی درباره تاریخ اندلس ملقب به تاریخدان است. [۱] «ابن‌حزم» اشاره دارد که احمد رازی دو کتاب، یکی دربارهٔ «اخبار ملوک اندلس» و دیگری در زمینهٔ «توصیف قرطبه» تألیف کرده است که در آن از عادات شهری و بناهای بزرگ آن سخن رانده است. [۲] ضمن آنکه وی دایرةالمعارفی بزرگ دربارهٔ انساب عرب اندلس با عنوان «کتاب استیعاب فی انساب مشاهیر اهل الاندلس» نوشته است که مشتمل بر پنج جلد بزرگ است. [۳] نیز رازی دارای کتابی بزرگ در زمینهٔ راه‌های اندلس و بندرها و شهرهای مهم و مراکز تجمع سپاهیان و ویژگی‌های هر یک از این سرزمین‌ها، بنام کتاب «مسالک الاندلس و مراسیها و امهات اعیان مدنها و اجنادها الستهٔ» است. [۴] «ابن‌الابار» اضافه می‌کند [۵] که رازی کتابی دیگر نیز دربارهٔ بزرگان موالی در اندلس بنام «اعیان الموالی» تألیف کرده است.

این مرور سریع از تألیفات رازی در وهلهٔ اول بیانگر عظمت کار او در حوزهٔ تاریخ‌نویسی است. او تاریخ و جغرافیای اندلس را تا زمان زندگی خود پوشش داده است و ناحیه‌ای از آن نبوده که وصفش نکرده باشد و یا واقعه‌ای از وقایع تاریخی نبوده که آن را بیان نکرده باشد.

---

۱. الحميدي، ص ۱۰۴: ابن الفرضي، القسم الاول، ص ۴۲، نفح الطيب (برواية ابن حيان) : ۳ / ۱۱۱، و نیز نک به: بالنثيا، همان منبع، ص ۱۹۷، .Pons Bolgues, Op. Cit, p. ۶۲

۲ رسائل ابن حزم الاندلسي: ۲ / ۱۸۴ (رسالة في فضل الاندلسي : نفح الطيب: ۳ / ۱۷۳) نیز نک به : الحميدي، ص ۱۰۴، الضبي، ص ۱۰۴، بالنثيا، همان منبع، ص ۱۹۷، بروکلمان، تاريخ الادب العربي: ۳ / ۸۷، بروفنسال، مادة: (الرازي) في دائرة المعارف الاسلامية ، روزنتال، علم التاريخ عند المسلمين، ص ۲۱۰ ، مؤنس، همان منبع، ص ۵۷.

۳. رسائل ابن حزم الاندلسي: ۲ / ۱۸۴، (نفح الطيب، ۳ / ۱۷۴)، الحميدي، ص ۱۰۴، ابن الابار، الحلة السيراء: ۱ / ۲۴۵، ۲ / ۳۶۶، نیز نک به: دائرة المعارف الاسلامية، مادة، (الرازي).

۴. ابن حزم، همان منبع: ۲ / ۱۷۲ ـ ۱۷۳ (نفح الطيب: ۳ / ۱۶۰ ـ ۱۶۱)، الحميدي، ص ۱۰۴، مؤنس، همان منبع، ص ۵۷.

۵. التكملة لكتاب الصلة: ۱/ ۴۰، نیز نک به: بروکلمان، همان منبع: ۳ / ۸۷، Pons Bolgues, Op. Cit, P.۶۳.

## ۶۸. جهت افزایش قدرت نقادی خود مباحثه کنید

مباحثه گفت‌وگوی علمی دربارهٔ موضوعی است که از دیرباز در حوزه‌های علمیه انجام شده است. چنانکه در ابتدای این کتاب بیان شد، در نقد مقالاتی که خوانده‌اید، با دوستان خود مباحثه کنید. توجه کنید که بر سر حسن و قبح چه موضوعاتی در نگارش مقاله توافق دارید و در زمینهٔ چه موضوعاتی دیگر باهم اختلاف نظر دارید.

## ۶۹. کاهش اشتباهات از طریق مشورت با دوستان اهل فن.

مشورت نیز یکی از سنت‌های حسنه‌ای است که مورد تاکید اسلام است. نباید خود را هیچ‌گاه بی‌نیاز از مشورت دید و از سوی دیگر نباید با افراد ناوارد و نااهل در موضوعات تخصصی مشورت کرد.

## ۷۰. مشاهده؛ یکی از ابزارهای مهم پژوهش

انسان موجودی چندبعدی است که دارای قوای مختلفی از جمله قوای حسی، عقلی و روحانی است. نمی توان به استناد به یکی از این قوا، مانند حس، دیگر قوای انسان را نادیده گرفت و باید متوجه حدود امکان شناخت آن‌ها بود. قوای شناختی انسان قابل تربیت و ارتقا است. برای مثال، باکمی توجه به پرسش‌های کودکان در می‌یابیم که آن‌ها به تدریج و متناسب با پیشرفت فکری شان، غالباً از امور محسوس به امور معقول و فراتر از آن در حال حرکت‌اند. مسئله‌ای که برخی از زبان‌شناسان در تحلیل «تشبیهات» بدان اشاره کرده‌اند.[۱] با این حال، نقش حس در دوران بزرگ‌سالی انسان از میان نمی‌رود، بلکه با بهره‌گیری از توانایی‌های ذهنی‌اش، آن را می‌تواند دقیق‌تر و تند و تیزتر کند.

مشاهده نوعی کسب تجربه از جهان است که انسان با آن آگاهانه، ادراک و حواس خود را متوجه مسایل می کند. برای مثال، زکریا بن محمد قزوینی (حدود ۶۰۰ – ۶۸۲ ق) در کتاب «عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات» موجودات را به دو دسته تقسیم کرده است:

---

۱. مرحوم استاد جلال‌الدین همایی (۱۲۷۸ – ۱۳۵۹ ش) در کتاب معانی و بیان (درس نامه خود) که به کوشش دکتر ماهدخت بانو همایی به چاپ رسیده است، شواهد متعددی دربارهٔ این مسئله بیان کرده است که نشان از توانمندی و فهم بالای ادبی او دارد.

۱. موجوداتی که قابل مشاهده با چشم ظاهر نیستند، (مانند عرش، کرسی و ... که راه علم به آن‌ها از نصوص و اخبار صحیح و معتبر حاصل می‌شود.)

۲. موجوداتی که به توسط چشم ظاهر قابل‌ادراک هستند؛ مانند زمین و آسمان‌ها و پدیده‌های موجود در آن‌ها.

قزوینی متوجه این معنا شده بود که در هر حرکتی در این عالم، حکمت و یا حکمت هایی موجود است که شخص ناظر، با مشاهدهٔ عمیق آن، به عظمت و وحدانیت خالق پی می‌برد. (خطابی، ۱۹۹۸: ۲ / ۷۰۹ – ۷۱۰)

در آیات قرآن مجید هر دستوری که به دیدن داده شده است، مقصود نظر کردن برای تحقیق و شناخت است، نه تماشاگری محض» (جعفری، ۱۳۶۰: ۳۸۱) و مبنای اصلی در اسلام نظر و تحقیق دربارهٔ انسان و جهان است و نه تقلید و نگرش های سطحی. (همان: ۳۸۲. نیز نک: حکیمی، ۱۳۸۳: ۵)

برخي از آيات الهي در اين زمينه عبارت‌اند از:

«فلينظر الانسان مم خلق. خلق من ماء دافق» (قرآن مجید، الطارق: ۵-۶)

«افلا ينظرون الي الابل كيف خلقت و الي السماء كيف رفعت و الي الجبال كيف نصبت و الي الارض كيف سطحت» (قرآن مجید، الغاشیه / ۱۷ – ۲۰)

«او لم ينظروا في ملكوت السماوات و الارض» }(قرآن مجید، الاعراف / ۱۸۵)

و روایات بسیاری دلالت بر عظمت تدبر در مشاهدات دارد:

أعجِبوا لِهذا الإنسانِ، يَنظر بِشَحْمٍ و يَتكلم بِلَحْمٍ و يَسْمَع بِعَظْمٍ و يَتَنَفَّسُ فی خَرْمٍ.

شگفتا از آدمی که با پیه می‌بیند و با پاره‌ای گوشت سخن می‌گوید و به استخوانی می‌شنود و از راه بینی نفس می‌کشد. (امام علی [علیه‌السلام])

از دیرباز تدبر کردن در وقایع روزمرهٔ زندگی مورد توجه متفکران اسلامی بوده است. جراح معروف مسلمان ابوالقاسم زهراوی (متوفی ۴۲۷ ق / ۱۰۳۵ م)، حس بینایی را لطیف‌ترین حواس قوای نفسانی انسان می‌داند. (خطابی، ۱۹۹۸: ۱ / ۶۷۴) و نیز ابن هیثم (متوفی ۴۳۰ ق / ۱۰۳۹ م) مشاهده را در دو صورت شناخته بود: ۱. مشاهده بدون فکر و به صورت ناگهانی و ۲. مشاهده همراه با تأمل. او واقف به این مسئله شده بود که انسان گاه به رغم قرار گرفتن چیزی در مقابل دیدگان انسان، گویی آن را نمی بیند و گاه امری را دیده ولی در آن درنگ و اندیشه نمی کند؛ امّا مسئله در مشاهدهٔ مملو از تأمل در سطح عالی‌تری از شناخت قرارگرفته و بر دو قسم است:

۱. مشاهده بدون شناخت اولیه و قبلی
۲. مشاهده به همراه دارا بودن شناخت پیشین از آن. که بسته به نوع تأمل و میزان استقرای معانی آن متفاوت است. (همان: ۲ / ۷۰۹ - ۷۱۰)

مشاهدهٔ هدفمند در تحقیق یا به دنبال یافتن پرسش تحقیق به عنوان بخشی از یک مطالعهٔ اکتشافی است و یا در پی پاسخ دادن به پرسش‌های مورد نظر است. برای مثال، شخصی که درصدد شناخت روش های اشاعهٔ حجاب اسلامی در جامعه است، باید با گشت‌وگذاری هدفمند در بازارها و فروشگاه‌های پوشاک و مشاهدهٔ رفتار فروشندگان و خریداران در معرفی و انتخاب پوشش، ضمن شناخت مسئله خود، اطلاعات مفیدی را جمع آوری کند؛ و یا پژوهشگری که درصدد نگارش مقاله ای دربارهٔ نحوهٔ سلوک مراجع بزرگوار تقلید با مردم است، لازم است تا با حضور در محضر آن بزرگان، به صورت عملی اطلاعات لازم را کسب کند و یا ممکن است فردی بارها و بارها به فروشگاه های کفش‌فروشی رفته باشد، امّا به نام‌گذاری کفش‌های فوق توجهی نکرده باشد. چرا غالب اسامی کفش‌های فروشگاه‌های کفش دست‌ساز شهر تهران، غربی است؟ نویسنده در پاییز سال ۱۳۸۳ برخی از این اسامی را از فروشگاه های کفش خیابان انقلاب تهران (حد فاصل میدان فردوسی و پیچ شمیران) چنین ثبت کرده است: «بارسلون، کارل، میتا، سیلور، پاندا، روبرتو، رئال، متالیکا، ویکتور، پولار، ژانویه، میلان، کارلوس، لرد، موریس، مارسی، موناکو، ژنو، کلارک، نیکلاس، لیون، پاپ، هیلتون، آتن، زیکو، Kent, Torento و ...» ممکن است فردی به جهت خرید اسباب‌بازی کودکان به فروشگاه‌های مربوطه مراجعه کند و بسیاری از اجناس موجود را «حاملِ فرهنگ غربی» بیابد. چه‌بسا او پیش از مواجهه با اسباب‌بازی‌ها دارای مسئله‌ای برای پژوهش نباشد؛ امّا با مشاهدهٔ وضعیت این فروشگاه‌ها، متوجه ضرورت پژوهش دربارهٔ نقش اسباب‌بازی‌های کودکان بر جامعه‌پذیری دینی کودکان شود. در اینجا مسلماً او فراتر از یک مشاهدهٔ عادی وارد مسئله شده است.

بسیاری از مسایل پیش پا افتادهٔ زندگی ما از قابلیت تدبر و پرورش موضوعی برخوردارند؛ به شرطی که مشاهده به معنای یک استقرای محدود در نظر گرفته نشود. برخی از مهم‌ترین فواید یک مشاهدهٔ خوب عبارت‌اند از:

۱. تولید پرسش‌هایی اساسی در انسان
۲. توجه به مسایل بنیادین در ساده‌ترین وقایع و پدیده‌های گرداگرد حیات انسانی

۳. قابلیت تحلیل مسئله در ساختار روابط علی، بدون افراط و تفریط در مسئله.

برای مثال، زمانی که کودکی این پرسش را مطرح می‌کند که: «خدا کجاست، من می‌خوام خدا را ببینم.» محقق را متوجهٔ اهمیت پژوهش دربارهٔ پرسش‌های دینی کودکان خردسال و نحوهٔ پاسخ‌دهی به آن می‌کند. نویسنده در سفر خود به مشهد مقدس (اسفندماه سال ۱۳۸۳ ش) با بازارها و مغازه های باز و شلوغ در هنگام نماز و نیز نماز جمعه مواجه شد. مشاهده‌گر می‌تواند مجموعه عواملی را که منجر به بی‌توجهی برخی از ایشان به انجام این فریضهٔ الهی شده است را در «خودِ محل» مشاهده کند و به صورت عملاً به مطالعهٔ این موضوع بپردازد که چه چیزهایی به عنوان مانع توجه به نماز عمل می کنند؟ و چه راهکارهایی با توجه به موقعیت های مورد مشاهده می تواند مطرح شوند؟ بدیهی است که پاسخ به این پرسش، مستلزم حضور در آن مکان‌هاست.

## ۷۱. تفکیک وضعیت‌های مشارکتی و غیر مشارکتی

مشاهده در دو وضعیت متفاوت باهم صورت می‌پذیرد که عبارت‌اند از:

۱. مشاهدهٔ مشارکتی

۲. مشاهدهٔ غیر مشارکتی

در مشاهدهٔ مشارکتی پژوهشگر، درصدد کسب موقعیت و جایگاهی همانند افراد مورد مطالعه است. لذا در وضعیت دوگانه (محقق / بازیگر) قرار می‌گیرد، از سویی محقق است و از سویی عضو گروه مورد بررسی. صرف نظر از ملاحظات اخلاقی، مسئلهٔ تأثیرات خواسته و ناخواسته حضور وی بر جریان پژوهش، همواره مورد بحث بوده است. (مانند حضور بازرس در محیط اداره) بحث اصلی در اینجا به رابطهٔ محقق با پدیدهٔ اجتماعی بازمی گردد. آیا محقق صرفاً یک «تماشاچی» است که به تدبر در مسئله پرداخته است و یا آنکه خود نیز جذب موقعیت مورد مطالعه شده است؟ در پاسخ به این پرسش باید اشاره کرد که انسان هم بازیگر است و هم تماشاگر. مرحوم علامه جعفری دراین‌باره به اصول مهم زیر اشاره دارد: (جعفری، ۱۳۷۶: ۵ / ۱۷۰)

۱. واقعیت اشیاء و رویدادها با قطع نظر از درک و تعقل ما وجود دارد. ساده‌لوحانه است اگر واقعیت، تابع قطب درک کننده در نظر گرفته شود.

۲. در انسان‌ها نوعی موضع‌گیری غیرقابل اجتناب موجود است که عبارت است از عوامل درک و هدف‌گیری ما در جهان هستی. چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: «و تری الجبال تحسبها جامدهٔ و هی تمر مرّ السحاب» (قرآن مجید، نحل: ۸۸) و تو ای پیامبر کوه‌ها را می‌بینی و گمان می‌کنی که آن‌ها جامد و ساکن‌اند، درحالی‌که آن‌ها مانند ابر در حرکتند.»

۳. خواست اصلی انسان این است که اشیاء را چنانکه هستند دریابد.

۴. این خواسته متأثر از عواملی درونی و بیرونی قرار دارند. عامل درونی مانند عینکی است که فرد از طریق آن امور را مشاهده و تفسیر می‌کند و عامل بیرونی چگونگی اجتماعی است که محقق در آن زندگی می‌کند.

۵. نتیجهٔ سه اصل اخیر (اصول ۲ تا ۴) اینکه معرفت بشری، چه بخواهد یا نخواهد، آگاهانه یا ناآگاهانه ترکیبی از بازیگری و تماشاگری است.

۶. بازیگری[۱] به دو قسم تقسیم می شود. ۱. بازیگری ناشی از جبر طبیعت، مانند کوچک دیدن اجسام از مسافت‌های دور و یا دایره دیدن پره‌های سه گانهٔ پنکهٔ برقی که در حال حرکت سریع است. ۲. بازیگری‌هایی که ناشی از خواسته‌ها، آرمان‌ها و اصول پیش‌ساخته‌ای هستند که ناظر آن‌ها را پذیرفته است.

۷. قسم اول بازیگری، به رغم آنکه نتایج مختلف و متضاد را نتیجه می دهد، امّا با توجه به موقعیت‌های گوناگون ناظران، نه تنها منفی نیست، که بهترین وسیله برای شناخت چهرهای گوناگون واقعیت از دیدگاه‌های متنوع است.

۸. عوامل بازیگری نوع دوم عبارت اند از: عامل اول: توجیهات درون ذاتی: رسوب تدریجی پدیده‌هایی از جهان عینی در درون که استعداد پذیرش آن را در درون داشته و با گذشت زمان و تقویت به وسیلهٔ شرایط دیگر، به صورت عاملی فعال، شخص ناظر را آگاهانه یا ناآگاهانه توجیه می کند؛ مانند سودجویی و خودخواهی که با جلب افراد به خود (امثال توماس هابز و ماکیاولی) عینک خاصی را به چشمان آنان می‌زند؛ عینکی که جز با وقایع محاسبه نشده‌ای که فرا روی آن‌ها

---

۱. مراد علامه محمدتقی جعفری از بازیگری عبارت است از دخالت دادن عوامل درونی و بیرونی در شناخت اشیاء و رویدادها.

قرار گیرد و مسیرشان را عوض کند، برداشته نمی شود؛ و عامل دوم، پذیرش از محیط و اجتماع: اندیشه‌ها و عقایدی که فضای جامعه را فراگرفته است، معمولاً به طور ملموس و یا ناملموس بر افراد جامعه اثرگذار خواهد بود. اگر چه در صورتی که از سوی ناظر تشدید نگردد و قدرت درست اندیشیدن را از او نگیرد، نه تنها ضرری به واقع جویی و واقع یابی نمی‌زند که مفید و سازنده هم است.

۹. چه کنیم تا از نقش بازیگری ما بر جریان شناخت کاسته شود؟ برخی از راه های از میان بردن یا تقلیل بازیگری عبارت اند از: مراعات اصول درست اندیشیدن، تنظیم حواس طبیعی، تصحیح بهره‌برداری از تماس با اشیاء از موضع‌گیری‌های گوناگون. ساخت و تنظیم وسایلی (مانند میکروسکپ و تلسکوپ) که منجر به درک ابعاد بیشتری از واقعیات می‌شود و ...

## ۷۲. تفاسیر بازیگران و تفاسیر ثانویه علمی

در بسیاری از مواقع، به هنگام مشاهده نیازمند «گفتگو» هستیم. زیرا ادراک انسان ها در درک موقعیت ها با یکدیگر متفاوت است و بسیاری از مسایل مملو از پیچیدگی هستند که تنها با مشاهدهٔ دقیق، قابل شناخت نیستند. همچنین باید بدانیم که انسان ها برای اعمال و رفتارهای خویش، معمولاً دارای دلایلی هر چند ساده، هستند. در مثال اسامی کفش های فروشگاه های کفش دست‌ساز تهران، برخی از فروشندگان دلایلی مختلفی را بیان می‌داشتند:

- «نامها انتخاب ما نبوده، کارگاه تولیدی با این نام عرضه داشته، ما هم چنین عرضه می کنیم.»
- «موضع مربوط به کاتالگ Catalogue کفش (عمدتا ایتالیایی) می‌شود.»
- «چون با این اسامی خریدار داره»
- «کفش‌ها مستقیماً از خارج با این نام‌ها وارد شده است!»
- و ...

البته خریدارها نیز برای خود دلایلی دارند؛ امّا در اینجا پرسش های دیگری نیز قابل طرح است. برای مثال، چرا تولید کنندهٔ ایرانی، حاصل کار و زحمت خود را با برچسب و

نام خارجی به فروش می‌رساند؟ و در نتیجه، چه گروه‌هایی به عنوان گروه مرجع فکری و رفتاری جامعه فعال‌شده‌اند و در حقیقت چه فرهنگی با فروش این کالاها، در حال انتقال به جامعه است؟

## ۷۳. ثبت مشاهدات

پس از انجام مشاهده، نیازمند ثبت دقیق آن در برگه‌هایی مشخص هستیم. گاه می‌توان (بنا بر موقعیت) با استفاده از ضبط‌صوت‌های کوچک، (و البته با پیشرفت‌های رایانه‌ای انواع و اقسام ابزارهای مفید جدید) مشاهده را جهت اطمینان بیشتر در محل ضبط کرد و سپس آن را در زمان مناسب مورد بازبینی قرار داد.

در نگارش مشاهده باید تاریخ دقیق آن ثبت شود. در صورتی که به اقتضای موضوع بیان تاریخ هجری قمری و یا میلادی مهم باشد، به آن اشاره می شود. همچنین باید مکان مشاهده (در کدام شهر، در کدام اداره و یا خیابان و ...) و موضوع مورد مشاهده یعنی موضوعی که مرتبط با پرسش تحقیق ما است، بیان شود. در این زمینه توجه به موارد زیر لازم است:

۱. باید از بیان حواشی واقعه که ارتباطی با موضوع تحقیق ندارد، خودداری کرد.
۲. در هنگام ثبت مشاهدات نباید آن ها را تفسیر کرد. (توصیف از تفسیر مشاهده جدا شود.)
۳. گاه می توان مشاهدات خود را از طریق گرفتن عکس و فیلم مستند کرد؛ اما به این موضوع نیز توجه داشت که گاه عکاسی از یک پدیده، می تواند القا گر مفهومی فراتر از واقعیت باشد. برای مثال، دو نفر که در پیاده رو در حال راه رفتن هستند و هیچ ارتباطی باهم ندارند در یک لحظهٔ تصویر وانمود می‌شود که باهم آشنایی بسیار دارند. همچنین است فنون عکاسی در برجسته کردن موضوعی از طریق تغییر و تنظیم زاویهٔ دید عکاس.
۴. می توان پیش از انجام مشاهده، مسئلهٔ تحقیق را در قالب یک پرسشنامهٔ بسته تعریف کرد و در حین مشاهدات گزینهٔ لازم را علامت‌گذاری کرد. هر چند به رغم سهولت در تحلیل کمی، وجود موقعیت های غیرمنتظره و نیز تفاوت در ادراک و

تفسیر یک پدیده همچنان باقی می‌ماند.

۵. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مشاهده، داده‌های دست اول محسوب می‌شوند، هر چند که در تعمیم مشاهدات خود به کل جامعه باید بسیار احتیاط کرد.

از شروط یک مشاهدهٔ خوب عبارت است از:

۱. دقت نظر و استفادهٔ درست از حواس،
۲. عدم اکتفا به مشاهدات یا نقل‌قول‌های سطحی،
۳. یادداشت‌برداری از یافته‌ها هراندازه هم که جزیی باشند،
۴. پرهیز از نتیجه‌گیری شتاب‌زده،
۵. استفاده از ابزارهای ثبت وقایع مانند ضبط صدا، تصویر و ...
۶. قرار دادن استنتاج خود از مشاهده در معرض ارزشیابی دقیق، مانند بررسی مسئله از زوایای مختلف، مقایسهٔ نتایج مشاهده با نتایج دیگر پژوهش های مرتبط، مشورت با اهل فن، توجه به نقد اهل فن.

## ۷۴. گفت‌وگوی هدفمند با نخبگان

گفتگو یا مصاحبه، یکی از روش‌های یافتن صورت مسئلهٔ تحقیق و نیز جمع‌آوری داده های پژوهش است. ماهیت گفتگو بنا بر افراد گفتگوکننده، متفاوت است. گفتگو با نخبگان علمی متفاوت با افراد عادی است. اگر چه در هدف همانند هستند و آن عبارت است از: طراحی پرسش و یا پاسخ دادن به پرسش های موجود. گفتگوی خردمندانه با دانشمندان خود یک هنر و همواره مورد تاکید منابع دینی بوده است. این مهم باید به گونه ای صورت پذیرد که منجر به «ازدیاد» علم شود. لازمهٔ تحقق این امر، احساس نیاز دانشجو به «یادگیری» است. شخصی که خود را بی نیاز از دانستن بداند، راه کسب معرفت را بر خود بسته است. لذا پیش‌نیاز هر مصاحبه و گفتگوی علمی، شوق به دانستن است.

هر چیز که دل بدان گراید
گر جهد کنی به دستت آید.

## ۷۵. گفت‌وگوی علمی باید قاعده‌مند و از روی برنامه باشد.

مصاحبه نیازمند مهارت و شناخت عملی است. لذا بهتر است در ابتدا آن را در جمع دوستان تمرین کرد. مهم‌ترین موارد قابل‌ذکر در یک گفتگوی علمی عبارت‌اند از:

۱. ابتدا باید هدف از گفت و گو مشخص باشد. محقق با انجام گفتگو درصدد رفع چه مشکل معرفتی است؟ هیچ‌گاه نباید بدون هدف وارد گفتگو با اهل علم شد. اگر کسی نداند دنبال چه چیزی است، مسلماً آن را پیدا نخواهد کرد؛ بنابراین پیش از انجام گفت‌وگو باید از خود پرسید که «چه نیازی به انجام آن است؟

۲. مصاحبه شونده به درستی انتخاب شود. محقق باید بداند با چه کسی مصاحبه می کند؟ و چه کسی می تواند مشکل معرفتی او را حل کند؟ معرف انتخاب مصاحبه شونده باید علاقمندی به موضوع و تخصص او (مانند اشتغال او به تألیف و یا تدریس در موضوع مورد نظر) باشد و از مسایل غیرحرفه‌ای مانند آنکه «چون ایشان رئیس ادارهٔ ما نیز هست!» و ... اجتناب شود.

۳. درخواست مصاحبه باید محترمانه، رسمی و مطابق با میزان آشنایی با مصاحبه باشد. بهتر است پیش تر مکاتبه ای رسمی صورت پذیرد و در آن هدف از مصاحبه و فهرست مواردی که مدنظرتان است، مختصر و مفید بیان شود. بهتر است مصاحبه، «عنوان» داشته باشد. باید مطمئن شد که هدف از مصاحبه و نیز محتوای مورد نظر به درستی به مصاحبه منتقل شده است.

۴. به مصاحبه نشانی و شمارهٔ تلفنی داده شود تا در صورت لزوم (مانند قصد تغییر زمان مصاحبه) بتواند با شما تماس بگیرد.

۵. به مصاحبه علت انتخاب او و اهمیتی را که حضور وی در این گفتگو برای پیشبرد تحقیق دارد، خاطرنشان شود.

۶. باید پیش از انجام مصاحبه در زمینهٔ آثار و اندیشه‌های شخص مصاحبه تحقیق شود. نباید بدون اطلاعات کافی دربارهٔ عقاید و افکار مصاحبه وارد گفتگو شد. این امر منجر به افزایش روحیهٔ مثبت در طرفین و در نتیجه برگزاری بهتر مصاحبه می‌شود.

۷. باید پرسش‌های مصاحبه را بر اساس زمان مصاحبه طراحی کرد تا از کمترین

زمان، بیش ترین بهره را جهت اخذ اطلاعات مورد نیاز بُرد. عدم طراحی پرسش، گاه منجر به مَکث بیش از حد برای طـرح پرسـش و در نتیجـه اتـلاف زمـان و کاهش مصاحبه‌گر در مصاحبه خواهد شد.

۸. باید به زمان و مکان مورد توافق پایبند بود. هیچ‌چیـز هماننـد بـدقولی نمـی‌توانـد سازندهٔ تصویری منفی از مصاحبه‌گر در ذهن مصاحبه باشد. همچنـین بایـد سـر وقت معین، گفتگو را به پایان برد.

۹. پرسش های مصاحبه باید با یکدیگر هماهنگ باشند. در قالـب بیـانی مناسـبی ادا شوند، بیش از اندازه طولانی نباشند، مبهم نباشند و با عبارات و یا الفاظی نارسـا ادا نشوند و به صورتی جانب‌دارانه و یا به شکلی مجادله برانگیز مطرح نشـوند و مناسب شأن مصاحبه شونده طرح شوند.

۱۰. آغازی خوب، مؤدبانه و مسلط در گفت‌وگو لازم است. محقق باید خـود را مشـتاق شنیدن پاسخ های مصاحبه نشان دهد. در طول مصـاحبه، شـرط ادب را رعایـت کند؛ و اگر محقق با مصاحبه شونده دچار اخـتلاف نظـر شـد، اجـازه دهـد تـا او نظرات خود را به طور کامل بیان کند. مراد از گفت‌و‌گو، کسبِ اطلاعـات لازم و نه ستیزه و مجادله است. پس به جای ورود به مجادلات بی‌حاصل، باید تـا حـد امکان از او توضیحات بیشتر خواست. (هرچند که در گزارش نهایی می‌تـوان بـا اطلاعِ مصاحبه‌شونده، با ارائهٔ دلایل کافی با نظر او مخالفـت کـرد و در صـورت لزوم جوابیهٔ او را نیز منعکس کرد.)

۱۱. در مصاحبه نباید به حافظه متکی بود و حتی‌الامکـان بایـد مصـاحبه را بـا کسـب «اجازه» از مصاحبه ضبط کرد و یا آن را نوشت. نام مصاحبه‌شونده، سمت علمی وی، مکان و زمان مصاحبه، به همراه گزارش نهایی مصاحبه، در برگهٔ یادداشـت به طور دقیق آورده می‌شود.

۱۲. باید متن نهایی مصاحبه را در اختیار مصـاحبه قـرار داد تـا او بتوانـد ضـمن رفـع ابهامات احتمالی، توضیحات دیگری اگر خواست اضافه کند. در این حالت ملاک متن نهایی مورد امضای اوست.

# فصل سوم
# انتخاب موضوع، پرسش، فرضیه و تعاریف

انتخاب موضوع تحقیق یکی از مهم ترین مراحل یک پژوهش علمی و از دشوارترین آن به شمار می رود. برای درک بهتر جایگاه موضوع‌یابی، بهتر است تا نگاهی کلی به مراحل پژوهش کنیم. پژوهش را می‌توان بر دو مرحله تقسیم کرد:

- مرحلهٔ اول، مرحلهٔ پژوهش به منظور یافتن پرسشی شایسته و بایستهٔ پژوهش است.
- مرحلهٔ دوم، پژوهش به منظور یافتن پاسخ پرسش مورد نظر است.

## ۷۶. پژوهش‌های اکتشافی زیربنای دیگر پژوهش‌ها

هر پژوهشی در دو مرحله انجام می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. مطالعات اکتشافی که در واقع موضوع‌یابی به منظور یافتن بهترین پرسش‌ها در مناسب ترین موضوعات به اقتضای هر پژوهشگر است. از طریق مطالعات اکتشافی می‌توان داشته های خود را از قبیل منابع و امکانات تخمین زد و محدوده های واقع‌بینانه‌ای برای پژوهش ترسیم کرد.

۲. پژوهش اصلی که شامل پژوهش برای یافتن پاسخ های پرسش های مورد نظر است؛ و آن از خلال بررسی مدارک و منابع و جمع آوری داده های مرتبط با پژوهش و در نهایت تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری نهایی است. در پایان کار نیز مرحلهٔ نگارش و ویرایش گزارش نهایی (در قالب رسالهٔ دانشگاهی، مقاله و مانند آن) انجام می‌شود.

## ۷۷. انتخاب موضوع بر پایهٔ خودشناسی و موضوع‌شناسی

لازمهٔ انتخاب صحیح موضوع پژوهش، خودشناسی است که می توان آن را در قالب دو پرسش زیر مطرح کرد:

۱. علاقهٔ معطوف به تخصص من در چه حوزه‌ای است؟

۲. توانایی‌های من در حوزهٔ پژوهش در چه زمینه‌هایی است؟

علاقه محقق باید علاقه ای درونی باشد و تحت تـأثیر اطرافیـان و بـه عبـارت دیگـر، «حرف مردم» شکل نگرفته باشد. معمولاً افرادی در پژوهش موفق می شوند که به شکلی «مستمر» در یک یا چند حوزه‌های مطالعـاتی فعالیـت مـی کننـد و آن را در طـول زمـان گسترش می‌دهند. علوم دینی با زحمت به دست می‌آید. پس نباید به فکر حل‌وفصل سریع همهٔ مسایل و به قولی یک شبه دانشمند شدن نباشید.

برای نیل به موضوع شناسی نیز باید به پاره‌ای پرسش‌ها پاسخ داد که عبارت‌اند از:

۱. در زمینهٔ مورد علاقهٔ من چه موضوعاتی وجود دارد؟

۲. در زمینهٔ انتخابی من تا کنون چه کارهایی انجام‌شده است؟

۳. انجام چه تحقیقاتی، دوباره‌کاری و تکرار مکررات محسوب نمی‌شود؟

۴. امکانات من با کدام یک از حوزه‌های کار نشده دارای بیش‌ترین هماهنگی است؟

پاسخ به این پرسش‌ها را باید با رجوع بـه کتابخانـه و مطالعـهٔ فهرسـت‌هـای عنـاوین مقالات آخرین مجلات علمی، فهرست منابع آخرین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی و پرس‌وجو و مشورت با اساتید و دوستان آگاه به دست آورد. نویسنده غالباً بـا چنـد پرسـش ساده از دانشجویان متوجه شده است که ادعای بسیاری از آن ها مبنی بر اینکـه «تحقیـق من پیشینهٔ مطالعاتی ندارد.» ناشی از عدم تحقیق کافی در این زمینه بوده است. گسـترش جهل مرکب از بزرگ‌ترین خطرات فرا روی مطالعات علوم اسلامی است.

در خصوص موضوع یابی توجه به موارد زیر لازم است:

- در انتخاب موضوع نباید عجله کرد.
- انتخاب موضوع باید بر اساس علاقه خود محقق باشد، نه علاقه دیگـران و یـا مُـد روز! و نظایر آن.

– انتخاب موضوع باید بر اساس توانایی محقق باشد؛ یعنی او بتواند در آن زمینه «فکر» کند و «منابع و مراجع اصلی» آن مورد احاطه و دسترسی او باشد. داشته باشد.

– موضوع انتخاب‌شده، باید متضمن موضوع جدیدی در عنوان و محتوا باشد. این جدید بودن می‌تواند در نوآوری یعنی آنچه تاکنون دیگران انجام نداده‌اند، یا در قالب تکمیل کارهای قبلی صورت پذیرد.

– انتخاب موضوع باید متناسب باهدف مورد نظر باشد. برای مثال، انتخاب موضوع جهت پایان‌نامه باید نه آن‌چنان وسیع باشد که قابل جمع شدن در دوران دانشجویی نشود؛ و نه چندان محدود باشد که بیشتر متناسب با یک مقالهٔ محدود به نظر آید.

– باید به فراخور توانایی علمی خویش وارد مباحث تخصصی علمی شد.

– پژوهش باید برای جامعه فایدهٔ عملی داشته باشد و از جهت فکری و فرهنگی بر آن اثر مثبت بگذارد. برای مثال، اینکه حرمسرای فلان پادشاه دارای چند نفر زن و خدمه و غیره بوده است و یا آنکه فلانی صبح پنج‌شنبه از دنیا رفته است و یا بعدازظهر آن، هیچ کمکی به مشکلات متعدد معرفتی و فرهنگی جامعه (به ویژه مسایل اساسی فرا روی نسل جوان کشور) نمی‌کند.

– یکی از ویژگی‌های پژوهش‌های علمی خوب، منتهی شدن آن‌ها به عرصه‌های جدیدی برای پژوهش و ارائهٔ پیشنهادهایی سازنده جهت پژوهشگران بعدی است. (لذا می‌توان از پیشنهادهای پژوهش‌های قبلی نیز یاری جست.)

– انتخاب موضوع باید با آگاهی بر مشکلات مادی و محدودیت‌های زمانی و توانایی‌های روشی محقق صورت پذیرد. (دویدی، ۲۰۰۲: ۴۰۰ – ۴۰۶ با تلخیص و تصرف)

موضوع‌یابی باید به پرسش‌های اصلی پژوهش منتهی شود. موضوع‌یابی زمانی به پایان می‌رسد که پژوهشگر پرسش‌های اصلی پژوهش خود را یافته باشد. داشتن پرسش مشخص موجب می‌شود تا او موضوع پژوهش و محدوده‌های خود را بشناسد. پرسش فوق را باید در چارچوب طرح پژوهش به صورت عملیاتی تعریف کرد.

## ۷۸. پرسش قطب‌نمای پژوهش است.

اکنون زمان آن رسیده است که مفهوم پرسش تحقیق تشریح شود. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «ان هذا العلم علیه قفل و مفتاحه المسألة» «علم قفلی است که کلید آن پرسش است.» نویسنده‌ای که پرسش علمی خود را به درستی طراحی نکرده است، قطعاً در اثنای پژوهش، به بیراهه خواهد رفت، زیرا پرسش قطب‌نمای هدایت مسیر پژوهش است. پژوهش از «پرسش» (Question) آغاز می‌شود. پرسش اساس پژوهش بوده و موفقیت هر پژوهشی منوط به نحوهٔ پرسشگری در آن است. آغازی خوب در کسب معرفت، از پرسشی خوب نشأت‌گرفته و چنانکه مرحوم علامه محمدتقی جعفری (ره) بیان داشته است «طرح صحیح سئوال اساسی ترین عامل تسهیل جواب است. شناخت اینکه مسئله چیست و ابهام کجاست کار بزرگی است.» (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۲) پیش از آنکه پژوهش به معنای یافتن پاسخ پرسشی باشد، یافتن «خود» پرسش است. همان گونه که بدون انجام تحقیق نمی‌توان به پاسخ پرسش رسید، یافتن پرسش مناسب نیز بدون انجام پژوهش میسر نخواهد بود و چنانکه بیان شد، مرحلهٔ موضوع یابی زمانی به اتمام می رسد که موضوعات مورد نظر در قالب پرسش هایی بیان شوند. این مسئله، مستلزم توجه بیشتری به مطالعهٔ پیشینهٔ تحقیق است. بدون در اختیار داشتن تصویر مناسبی از گذشته، نمی‌توان پژوهشی را به منظور کمک به ارتقای سطح دانش در آن رشته بنا کرد.

همچنین باید توجه داشت که برخی از پرسش‌ها بر پایهٔ پاسخ به پرسش‌های دیگری مطرح می‌شوند. برای مثال، این پرسش که تفاوت دیدگاه مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت‌الله سید محمدباقر صدر پیرامون تأویل قرآن چیست؟ مبتنی بر یافتن پاسخ حداقل دو پرسش زیر است:

۱. دیدگاه علامه طباطبایی دربارهٔ تأویل قرآن چیست؟

۲. دیدگاه آیت‌الله سید محمدباقر صدر دربارهٔ تأویل قرآن چیست؟

## ۷۹. ضرورت وجود مشکل فکری در پرسش

اصالت کار هر پژوهشگر از پرسش های او معلوم می شود. این اصالت از خلال مشـکل فکری مطرح در پرسش او قابل مشاهده است. وجـود حـداقل سـه شـرط در تبـدیل یـک پرسش به مشکل فکری (Problem) لازم است. این شروط سه‌گانهٔ عبارت‌اند از:

۱. پرسش واجد امری مجهول باشد. (تا اصولاً بحث پیرامون آن عبث نباشد.)
۲. این مجهول «معین» و «محدود» شود. (تا ذهن متوجه اصل موضوع شود.)
۳. مبتنی بر منبع‌شناسی و آگاهی از پرسش‌های پیشین (مطالعات اکتشافی) باشد.

غالباً تصور می‌شود که تحقیق عبارت است از کوشش به جهت نیل به پاسخ مسئله‌ای. حال آنکه اساس هر پژوهش در وهلهٔ اول مبتنی بر مسئله یابی و ساخت بهتـرین پرسـش است.

برای مثال، پرسش های مقالات شـماره از مجلـه تخصصـی دانشـگاه علـوم اسـلامی رضوی (ویژه الهیات و حقوق – سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۸۳) به شرح ذیل هستند:

– مقاله «معجزه ضرورتی دفاعی»: آیا معجزه یک وسیله دفاعی است و یا وسـیله ای تبلیغی است؟

– مقاله «امامت در نگرهٔ قرآنی امام کاظم علیه السلام»: امامت در تفسیر قرآن توسط حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام، چگونه تبیین شده است؟

– مقاله «حقیقت گروی، استراتژی اساسی در زبان قرآن»: آیا حفظ حقیقت قـرآن در گرو رد هر گونه اذعان به مجاز و تأویل است؟ یا برای رسـیدن بـه حقیقـت قـرآن بایـد از ظاهر متن خارج شد؟ آیا می توان بدون خروج از صورت ظاهر متن، به صورتی ضابطه منـد تأویل را پذیرفت؟

– مقاله «حکمت های سوگند در قرآن»: هدف ها و کارکردهـای سـوگندهای خداونـد متعال در قرآن چیست‌اند؟

– مقاله «تأویل و راسخان در علم»: آیا آگاهی از تأویل متشابهات، منحصر به خداوند است، یا راسخان در علم نیز تأویل متشابهات را می دانند؟ در این صورت راسخان در علـم چه کسانی هستند و دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

– مقاله «آسیب‌شناسی فهم روایات (تعارض، علل و عوامل آن)»: علل پیدایش تعارض در فهم روایت کدام‌اند؟

– مقاله «پژوهشی در حدیث طلب العلم فریضة»: بر اساس کدام ادله، مراد از علم در حدیث طلب علم، نه مطلق علوم که علوم مرتبط با اصول و فروع دین و اخلاق اسلامی است؟

– مقاله «درآمدی بر علم تجوید» پیدایش علم تجوید به چه دوره‌ای بازمی‌گردد و سیر تحول این علم چگونه بوده است؟ روش دانشمندان تجوید در تحقیقات آوایی چه بوده است؟

پرسش دربردارنده سخنی جدید باشد و تکرار باور معمول نباشد. یعنی از زاویه ای به موضوع نگریسته شود که دیگران تا کنون متوجه آن نشده بودند. لازمهٔ کسب این ویژگی انجام مطالعات اکتشافی کافی به جهت تعیین شناخت کارهای علمی انجام‌شده و پی بردن به نتایج آن هاست. اینکه بدانیم آیا مسئلهٔ ما دارای پیشینهٔ تحقیق بوده است یا خیر؟ و پژوهشگران قبلی چگونه مسئله را تشخیص داده و به حل آن پرداخته اند تا حدود زیادی در طرح خلاقانهٔ پرسش به ما یاری خواهد کرد. پرسش باید متوجه آفرینش و تولید علم باشد. تولید علم زمانی صورت می پذیرد که چیزی فراتر از آنچه موجود است ارائه شود. به نحوی که حداقل بتوان گفت که بخشی از نتیجهٔ پژوهش متضمن حرف جدیدی است. یک پرسشگر خوب قادر به دیدن اشکالات فکری در چیزهایی است که تا پیش از او مسلم، بدیهی و غیرقابل اعتنا دانسته می شد. شناخت این که «مشکل در کجاست» از بزرگ‌ترین و بنیادی‌ترین استعدادهای علمی بشر قلمداد می‌شود. علامه طباطبایی (ره) پژوهشگر برجسته ای است که درست در همان چیزی که همه بدون فکر، توجه و دغدغه از کنارش گذشته اند، مشکل را می شناسد. مقدمهٔ تفسیرش نشان از تفکر پویای ایشان در برخورد با روش تفسیری است. اگر چه ایشان یادآور می شوند که «طریقهٔ نوینی که بیانات این کتاب بر آن اساس نهاده شده، طریقه‌ای جدید نیست، بلکه قدیمی‌ترین طریقه‌ای است که در فن تفسیر سلوک شده و طریقهٔ معلمین تفسیر سلام الله علیهم است.» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۱) امّا این بازشناخت و بازکاوی میراث غنی تفسیری، خود مسئله‌ای نوین در دوران حیات ایشان بوده است.

## ۸۰. هماهنگی عناصر پژوهش با پرسش‌های اصلی

عنوان پژوهش باید از پرسش اصلی آن ساخته شود. نتیجه‌گیری پـژوهش بایـد پاسـخ پرسش‌های آن باشد. فصول مختلف آن باید ارتباط معناداری با پرسش‌های محقق داشـته باشند؛ بنابراین پرسش‌های هر پژوهش قطب‌نمـای آن پـژوهش هسـتند. هـیچ‌گـاه نبایـد موضوع تحقیق خود را با ساخت «عنوان» آغاز کرد. باید ابتدا مسئلهٔ علمی را در قالب یک یا چند پرسش بیان کرد. ساخت عنوانی برای یک مقالـه و یـا کتـاب و پایـان نامـه بـدون دانستن پرسش پژوهش عملی نادرست است. «ریمون کیوی» و «لوک وان کامپنهود» به درستی بیان داشته اند که «محقق باید در نظر داشته باشد که این پرسش آغازی است کـه در مراحل بعدی تحقیق، برای مثال، خواندن متون و یا مصاحبه های اکتشافی، راهنمای او خواهد شد. هر اندازه این راهنما دقیق تر باشد، تحقیق بهتر پیشرفت خواهد کرد. علاوه بـر این با پرداختن و پیراستن پرسش آغازی است کـه محقـق گسسـتن از پـیش داوری هـا و سوابق ذهنی را شروع می کند بالأخره، دلیل آخر ... این است که فرضیه های تحقیـق کـه ستون پایه‌های آن را تشکیل می‌دهد، به صورت پیشـنهادهای پاسخ بـه پرسـش آغـازی ظاهر می‌شود. (کیوی، ۱۳۷۹: ۳۰ – ۳۱)

## ۸۱. اسلوب بیانی پرسش: روان و مختصر و مفید

محقق باید پرسش خود را با روان ترین اسلوب بیانی و بدون استعمال واژه هایی دشـوار و یا فریبنده تنظیم کند و آن را تا حد امکان مختصر و مفید بیان کند.

همچنین در تحقیقات میدانی اصطلاحات به‌کاررفته در پرسش از قابلیت تعریف عملـی برخوردار باشند. تناسب اسلوب بیانی پرسش‌ها باید متناسب با نوع پژوهش باشد.

در هنگام طراحی پرسش، باید به نوع پژوهش، چه توصیفی (Descriptive) و چه معما گشا (Puzzle Solving Research) توجه کرد. برخی از پرسش‌ها ماهیتی نظری داشـته و برخی دیگر ماهیتی کاربردی دارنـد. هـر نـوع پژوهشـی طراحـی پرسـش خـاص خـود را می طلبد. در پژوهش های تحلیلی پرسش متضمن روابط علی و معلولی مد نظر پژوهشـگر است. یکی از اشکال بیانی آن چنین است:

آیا میان ––––––––– و ––––––––– رابطهٔ علی موجود است؟

معلول / تأثیرپذیر　　　علت / تأثیرگذار

و یا:

آیا ––––––––– بر ––––––––– تأثیرگذار بوده است؟

علت / تأثیرگذار　　　معلول / تأثیرپذیر

در بخش اول علت (و یا تأثیرگذار) و در بخش دوم معلول (و یا تأثیرپذیر) نوشته می شود. یکی از مزایای این شیوهٔ پرسشگری آن است که با حذف واژهٔ پرسش «آیا» به راحتی فرضیه ساخته می‌شود.

شیوه‌ای از پرسش‌های پژوهش‌های توصیفی چنین است:

وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه –(الف)– با دیدگاه –(ب)––در زمینهٔ –(ج)– در چه مسایلی است؟ در اینجا (الف) طرف مقایسهٔ ۱ و (ب) طرف مقایسهٔ ۲ و (ج) وجه مقایسه میان آن دو است. برای مثال، وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه علامه طباطبایی با دیدگاه سید محمدباقر صدر در زمینهٔ «تأویل قرآن» در چه مسایلی است؟ این‌گونه پرسش مناسب پژوهشی مقایسه‌ای است که دربردارندهٔ دو طرف مقایسه به علاوهٔ «وجه مقایسه» است. در این موارد، هیچ گاه بدون بیان «وجه مقایسه» نباید پرسش مطرح شود. همچنین طرفین مقایسه باید در حد و اندازهٔ یکدیگر طراحی شوند. هیچ گاه نباید دو اندیشه یا اثری را که فاقد فضای مقایسهٔ متناسبی با یکدیگر هستند، مورد مقایسه قرار داد. برای مثال، مقایسهٔ نظرات علامه طباطبایی در خصوص «تجرد نفس» با اثری ضعیف (برای مثال، درجهٔ سوم) در این حوزه (مانند مقایسهٔ یک وزارتخانه با یک شرکت کوچک) نادرست و غیرعلمی است.

نمونه‌ای دیگر از اسلوب بیانی پرسـش بـرای پژوهشـی توصـیفی چنـین اسـت: روش (دیدگاه / نظرگاه و ...) –(الف)– در زمینهٔ –(ب)– چیست؟ در اینجا (الف) موضوع تحقیق و (ب) محدودهٔ پژوهش است؛ مانند این پرسش که دیدگاه علامه طباطبایی در زمینهٔ معیـار ترجمهٔ قرآن کریم چیست؟ این گونه پرسش درصدد روشن ساختن ماهیت امری است کـه از دید پرسشگر «مجهول» است. در رابطه با آن حداقل به دو نکته توجه شـود: اول آنکـه باید مطمئن شد که پرسش پژوهش دارای مجهولی واقعی است. چنانکه پیش‌تر بیان شـد، پیش زمینه این امـر در گـرو انجـام مطالعـات مقـدماتی و شـناخت مطلـوبی از تحقیقـات انجام شده است. دوم آنکه باید به شیوه ای معقول دامنهٔ مجهول مـورد پرسـش را محـدود کرد.

برخی از پرسش‌ها موضوع پژوهش را در داخل دو گزینه مورد مطالعه قـرار مـی‌دهنـد. برای مثال، آیت‌الله معرفت در مقاله‌ای این پرسش را مطرح می‌کند که آیـا معجـزه امـری تبلیغی است و یا دفاعی؟ (معرفت، بهار ۱۳۸۳: ۷) این پرسش متعلـق بـه پژوهشـی توصـیفی است و در حقیقت پرسش دربردارندهٔ پاسخ احتمالی و نیز فرضیهٔ آن است.

## ۸۲. توجه به تخصص، امکانات و محدودیت‌ها در طرح پرسش‌ها

طرح پرسش‌ها باید واقع‌بینانـه و بـر اسـاس توانـایی‌هـای تخصصـی، زمـانی و مـالی پژوهشگر طراحـی شـود. ایـن امـر بـه ویـژه بـرای دانشـجویان کـه زمـان محـدودی در اختیاردارند، حیاتی است.

«فرضیه» همان «ظن» در مفهوم منطقی است. ابن سینا (۳۷۰ – ۴۲۸ ق) ظن حقیقی را عبارت از اعتقاد به وجود حالتی برای چیزی می‌داند که مـی‌توانـد بـه آن حالـت نباشـد. (صلیبا، ۱۳۸۳: ۴۵۰) معادل واژهٔ فرضیه در زبان انگلیسی (Hypothesis) است که متشکل از دو جزء است: Hypo بـه معنـای «کمتـر از»، «کـم اعتبـار تـر از» و Thesis بـه معنـای «اصل»، «نظریه» است. در مقابل ظن «علم» است که بر امری صد درصد یقینی دلالـت دارد. در بسیاری از پژوهش ها محقق به دنبال تبدیل ظن خود به علم است. مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌نویسند:

> کلمهٔ ظن به معنای تصدیق بیش از پنجاه درصد و نرسیده به صد درصد است، زیرا کـه اگر به درجهٔ صد در صد برسد، جزم و قطع مـی شـود... (طباطبـایی، ۱۳۶۳: ۲ / ۳۷۱) و

> کلمهٔ علم همچنان که گفتیم به معنای احتمال صد درصد است، به طوری که حتی یک درصد هم احتمال خلاف آن داده نمی‌شود. (همان: ۳۷۳)

به طور طبیعی، غالب دانشمندان علوم اسلامی نظیر مفسران قرآن، در کنار بیـان علـم خویش به ارائهٔ احتمالاتی با امکان بیش از ۵۰ درصد مبادرت کرده‌اند و خود یا دیگران بـه بررسی آن احتمالات پرداخته‌اند؛ امّا قرار دادن ظن به جای علم و یـا «فـرض گـروی» در علومی چون علوم قرآنی که منجر به دگرگونی پیوسته و انکار یقین می‌شود، امـری اسـت که از هیچ محقق صاحب‌نظـری انتظـار نمـی‌رود. (نـک: آملـی، ۱۳۷۹: ۱۵۹ – ۱۹۱) آیـت‌الله جوادی آملی در شرح دیدگاه استاد خویش علامه طباطبایی می‌نویسند:

> ششم: جناب استاد (رضوان الله تعالی علیه) آشنایی کامل به مبادی برهان، شرایط و مقدمات آن داشت و لذا هرگز برای فرضیه‌ای علمی، ارج برهان قائل نبود و آن را بـه منزلـه پای ایستا و ساکن پرگار می‌دانست که به اتکای آن پای دیگر پرگار حرکـت کـرده، دایره را ترسیم می کند. در حقیقت، ترسیم دایره از آن پای پویای پرگار است نه پای ایستای آن[1] – لذا از استناد به هر گونه فرضیه‌ای غیر مبرهن در تفسـیر آیـه پرهیـز می‌فرمود و پیشرفت علوم و صنایع را سند صحت آن فرضیّه نمی‌دانسـت و همـواره خطر احتمال تبدل آن فرضیّه را به فرضیّه دیگر در نظر داشت و می فرمود: ثابـت را که قرآن کریم است نمی‌توان به متغیّر که فرضیه‌های زودگذر علمـی اسـت تفسـیر کرد و یا بر آن تطبیق داد، مگر آنکه به حدّ برهان تام عقلی مـی رسـید کـه در ایـن حالْ صلاحیت قرینه بودن برای ترجیح برخی از احتمـال هـای تفسـیری آیـه را دارا می‌شد.[2]

## ۸۳. تنها برخی از تحقیقات فرضیه دارند.

چنانکه پیش‌تر بیان شد پژوهش با پرسش آغاز می‌شود. پرسش تحقیق به ماننـد یـک قطب‌نما، جهت ادامهٔ کار را به ما نشان می‌دهد. پس از طرح پرسش ممکن اسـت محقـق در برخی از مسایل دارای احتمالی اولیه باشد که بررسی آن را در اولویت تحقیق قرار دهد. از زمرهٔ علل اصلی‌ای که موجب می‌شود یک محقق دارای فرضیه باشد یکـی اشـراف بـر

---

۱. وجه شبه در این تشبیه، نقش‌آفرینی برهان است نه محور اتکا بودن فرضیه علمی.

۲. به نقل از تفسیر موضوعی قرآن در قرآن حضرت آیت‌الله جوادی آملی، ص ۳۹۹، از سـایت اسـراء بـه نشانی: esraco.net

پیشینه موضوع و داشتن حدسی قریب به یقین و دیگری شناخت رویکردهای متعارض دربارهٔ موضوع مورد بحث و در نتیجه اشراف بر فرضیه‌های رقیب احتمالی است. همچنین کسانی که در پی آزمون یک نظریه هستند، هنگامی که قوانین نظریه‌شان را مقید به زمان و مکان و موضوع می‌کنند، در واقع آن‌ها را مبدل به فرضیه کرده‌اند؛ بنابراین پیش‌نیاز اصلی فرضیه‌سازی خوب، تسلط بر منبع‌شناسی و داشتن نگاهی چندبعدی (از زوایای مختلف) به مسئله است. به جهت شناخت بهتر فرضیه، پرسش زیر را مورد بررسی قرار می‌دهیم: «آیا معجزه امری تبلیغی است و یا دفاعی؟» در این پرسش:

۱. محقق درصدد بیان ماهیت کاربرد معجزه است.

۲. پرسش دارای دو گزینهٔ احتمالی است. محقق اجمالاً می‌داند که «علم» در یکی از این دو گزینه قرار دارد.

۳. این دو گزینه، به عنوان مهم‌ترین گزینه‌های فرا روی محقق در این پرسش مطرح‌شده‌اند.

۴. ضمن آنکه ممکن است که پاسخ اصلی، هیچ یک از این دو گزینه نبوده و یا آنکه ترکیب و تعدیلی از هر دو باشد.

۵. انجام تحقیق به منظور تبدیل حالت احتمال به علم است.

۶. در این وضعیت، هر یک از این دو گزینه که از احتمال صحت بیشتری در نزد محقق برخوردارند، فرضیه نامیده می شود که تا پایان تحقیق واجد حکم علم نیست؛ امّا پس از تحقیق، ممکن است که به عنوان علم پذیرفته شود.

پس فرضیه پاسخ موقتی به پرسش تحقیق است که احتمال صحت آن داده می شود و تا زمانی که با روش معتبر مورد بررسی قرار نگرفته است، ارزش استناد علمی ندارد.

برخی از مواردی که نیازمند طراحی فرضیه نیستند:

- آن دسته از پژوهش‌های مقایسه‌ای که پژوهشگر قادر به بیان فرضیه تا پیش از انجام مطالعه و یا مقایسه نباشد. به عبارت دیگر، سطح آگاهی های اولیهٔ پژوهشگر از موضوع وی را قادر به پاسخ دادن به پرسش نمی‌گرداند. در این حالت – چنانکه پیش‌تر بیان کردیم – به جای فرضیه محدودهٔ دقیقی را که پاسخ پرسش در آن موجود است، مشخص می‌کنیم. توجه شود که نبود فرضیه در پژوهش به معنای نبود پرسش نیست.

- پژوهش‌هایی که مربوط به تصحیح کتاب‌های خطی هستند: مانند: «تصحیح و تحقیق در الناسخ و المنسوخ اثر ابو عبدالله اسفراینی» (رساله‌ای در دانشگاه تهران)

- برخی از پژوهش هایی که به صورت ترجمه و تحقیق هستند، نیازی به طرح فرضیه ندارند؛ مانند «ترجمه و تحقیق «الخرائج و الجرائح» اثر ابوالحسن سعید بن هبةالله مشهور به قطب‌الدین راوندی (رساله‌ای در دانشگاه تهران)

- نگارش فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌ها در درجهٔ اول نیازمند تشریح دقیق روش شناسی آن است. در صورتی که هدف نویسندگان آن اثبات یا برتری دادن نظریه ای، برای مثال، در زبانشناسی نباشد، نیازمند فرضیه نیست.

## ۸۴. فرضیه پاسخی علمی به پرسش است.

هر جمله‌ای را نمی‌توان فرضیه نامید. یک فرضیهٔ خوب عبارت‌اند از:

۱. فرضیه باید پاسخ صریح و متناسب پرسش تحقیق است. برای مثال، این پرسش و پاسخ (انتخاب از پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد) را در نظر بگیرید:

> انواع جهاد از دیدگاه قرآن کدام است؟ (پاسخ): قرآن به عنوان کتاب هدایت به بیان ریشه‌های جنگ در ابعاد فردی و اجتماعی پرداخته است.

آیا این پاسخ بر طرف کنندهٔ مجهول پرسش ماست؟ آیا در آن «انواع جهاد از دیدگاه قرآن» یک به یک شمرده شده است؟ مشاهده می کنیم که نه تنها پاسخ فوق با پرسش محقق نسبتی ندارد، بلکه در آن واژهٔ «جهاد» به واژهٔ غیرتخصصی «جنگ» ترجمه شده است. عدم رعایت وحدت رویه در پژوهش منجر به «از هر دری صحبت کردن» محقق می‌شود. آیا این‌گونه پاسخ دادن به پرسش‌ها منجر به گسترش معارف دینی می‌شود؟

۲. باید فرضیه به صورت یک جملهٔ خبری و به صورت مثبت بیان شود. فرضیه یک عبارت مصدری، یا یک جملهٔ پرسشی یا تعجبی نیست. فرضیهٔ اصلی باید «جهت دار» Directional و در اسلوب مثبت طراحی شود. محقق باید همواره اثبات حق را در کنار نفی امور نادرست و باطل، در مرکزیت کار خود قرار دهد.

لذا فرضیهٔ «اصلی» خود را به صورت منفی بیان نمی شود. فرضیهٔ منفی در برابر فرضیهٔ اصلی طراحی می‌شود برای مثال[۱]،

– میان نحوهٔ بهره برداری از مأخذ فقهی و اختلاف نظر در قضاوت قضات اسلامی رابطهٔ علی موجود است.

– قرائات قرآن بر تطور مطالعات علم نحو تأثیرگذار بوده است.

– میان توبه و اسقاط حدود در فقه اسلامی رابطهٔ علی موجود است. (این مطالعه می‌تواند به صورت مقایسه‌ای در مذاهب مختلف اسلامی صورت پذیرد.)

فرضیه می تواند در اسلوب شرطی: اگر ------- پس --------- و یا هر چه بیشتر / کمتر --- پس بیشتر / کمتر و نظایر آن (در قالب قانون علمی محدودشده) استعمال شود. برای مثال، هر چه وحدت اعتقادی جامعه ای افزایش یابد، به همان میزان بر انسجام اجتماعی آن جامعه افزوده خواهد شد.

اما این نمونه‌ها فرضیه نیستند:

«بررسی علل پیدایش اختلاف در تفسیر قرآن»؛ «میزان تاکید بر امر به معروف و نهی از منکر در متون اسلامی تا چه اندازه وسیع است!»؛ «نهضت ترجمه در قرن سوم هجری عجب تأثیری بر رشد علم کلام داشته است!»؛ «آیا فهم دینی امری عصری و سیال است؟»

۳. فرضیه باید شفاف، ساده و قابل فهم ادا شود. باید از به کار بردن عبارات طولانی غیر لازم و دو پهلو در طراحی فرضیه خودداری شود. در جمله بندی فرضیه از واژگان و عباراتی چون «بهتر است...»، «بدتر است....»، «شاید»، «خوب است که...» و نظایر آن‌ها استفاده نشود. برای مثال، فرضیهٔ زیر (به نقل از یک پایان‌نامه) نادرست است:

> با توجه به اینکه در جامعه ناگزیر از ایجاد روابط گوناگونی بین دختر و پسر هستیم و با عنایت به مسائلی که مبنی بر آزادی روابط به وجود آمده است، جامعه و خانواده باید به جوانان آموزش های کافی را در خصوص جنس مخالف و خصوصیات روحی و جسمی آن ها بدهند تا جوان با آگاهی کامل و با احترام گذاشتن به شخصیت فرد مقابل، بهترین رابطه که همان رابطهٔ آگاهانه و محترمانه است را داشته باشند تا شاهد بروز ناهنجاری‌های اجتماعی نباشیم.

---

۱. توجه شود که مثال‌های این کتاب جنبهٔ آموزشی دارد.

به طولانی بودن متن فوق، عدم دقت و تمرکز نویسنده بـر اصـطلاحات تخصصـی، روان نبودن جملات. توجه شود. امّا این فرضیه می تواند در زمان و مکان معینـی مـورد بررسـی قرار گیرد:

هر چه معارف دینی از طریق خانواده در فرزندان «درونی» شود، پس بـه همـان میـزان روابط میان انسان‌های جامعه بر پایهٔ معیارهای دینی گسترش خواهد یافت.

اکنون به این فرضیه نادرست زیر که عیناً از یک رسالهٔ دانشگاهی (با عنـوان: قـرآن از دیدگاه نهج‌البلاغه) نقل می‌شود، توجه کنید:

حضرت علی (علیه السلام) نخستین فردی بود که به خدای یگانه و به دعوت راستین پیـامبر لبیک گفت و استفادهٔ او به توحید و نبوت و معاد ناب و خالصانه و ایـن اعتقـاد نـاب در رفتار و گفتار آن حضرت متجلی شده است. پس با احتمال صد در صـد در نهـج‌البلاغـه باید سخنانی از امام پیرامون اصول اساسی دین وجود داشته باشد.

در این فرضیه به موارد زیر توجه شود: طولانی بودن متن فوق، عدم دقت نویسنده بـر تمرکز بر اصطلاحات تخصصی، عدم تناسب فرضـیه بـا «عنـوان» پـژوهش، کلـی گـویی نویسنده (در نهج‌البلاغه دربارهٔ اصول دین سخن به میان رفته است.) آیا فرضـیهٔ نویسـنده متضمن نکتهٔ جدیدی از دریای بی‌کران معارف الهی نهج‌البلاغه است؟ آیا نویسنده درصدد حل مشکلی فرهنگی و معرفتی در جامعه است؟

در ساخت فرضیه باید از استعمال واژگانی که استنباط فرضـیه را بـه خواننـده موکـول می کند، خودداری کرد و هیچ گـاه در داخـل فرضـیه از علامـت (...) و یـا واژهٔ «و غیـره» استفاده نشود؛ زیرا با این کار خواننده ممکن است به سلیقهٔ خود فرضیه را تفسیر کند.

۴. در یک فرضیهٔ خوب از اصطلاحات علمی به شکلی «دقیق» و «هدفمند» اسـتفاده می‌شود.

هیچ گاه اصطلاحات غیرتخصصی را جـایگزین اصـطلاحات اصـلی در فرضـیه نکنیـد. عنوان یکی از پژوهش‌های یکی از مراکز پژوهشی چنـین بـوده اسـت: «تحلیـل تطبیقـی تئوری عدالت از دیدگاه حضرت علی (ع) و غرب» صرف نظـر از اشـتباه در ترسـیم فضـای مقایسه‌ای در این پژوهش اطلاق واژهٔ «تئوری» بر کلام معصوم (علیه‌السـلام) – هماننـد اطلاق واژهٔ فرضیه – صحیح نیست. فرضـیهٔ یکـی از رسـاله هـای پژوهشـی «محبـت در قرآن» به این شیوه طراحی شده بود: «به نظر می رسد نیروی شگفت انگیز محبـت اسـت

که انسان را به کمال و درجات والای قرب الهی می رساند.» در این فرضیه استفاده از واژهٔ «شگفت انگیز» بی‌مورد است. همچنین نیازی به بیان «به نظر می‌رسد» نیست.

۵. فرضیه باید محدودهٔ مشخصی داشته باشد و باید بتوان فرضیه را بـا روش معتبـری مورد بررسی قرار داد.

در تعیین محدودهٔ فرضیه نباید افراط و تفریط شود. فرضیهٔ باید در حد توانـایی محقـق باشد. نیز در تنظیم فرضیهٔ خود به تناسب شیوهٔ استنباط آن (فقهی، تاریخی، تجربـی و ...) توجه کنید.

۶. فرضیه در پژوهش‌های تحلیلی متضمن روابط علی و معلولی مد نظر است.

برای مثال، این فرضیه که (هر چه روحیهٔ «تجمل‌گرایی» در انسـان افـزایش یابـد بـه همان نسبت ایمان دینی در آن جامعه کاسته می‌شود.) بیـان مـی‌کنـد کـه تجمـل‌گرایـی «تأثیرگذار» بر ایمان دینی (تأثیرپذیر) است؛ و یا در این فرضـیه کـه (سـنت «وقـف» بـر گسترش معارف شیعی در عصر صفویه تأثیرگذار بوده اسـت.) سـنت «وقـف» تأثیرگـذار و «گسترش معارف شیعی» تأثیرپذیر است.

۷. (در صورت لزوم) باید فرضیه را بنا بر متغیرهای مکمل به دیگر فرضیه‌ها پیوند داد.

در طراحی فرضیه باید توجه داشت که آیا به اندازهٔ کافی از متغیر ها استفاده شده اسـت یا خیر؟ نباید هیچ‌گاه نباید یک متغیر را چنان بزرگ کرد که قادر به دیدن دیگر متغیرهـا و جنبه‌های مسئله نشد.

در این شیوه از فرضیه‌سازی می‌توان مجموعه‌ای از متغیرها را در قالـب یـک فرضـیه بیان کرد و یا اینکه آن را به شیوهٔ چند فرضیه بیان کرد. در این حالت به ازای هر متغیر بـا یک فرضیه سروکار داریم. برای مثال، به این فرضیه (مثال آموزشی) توجه شود:

علل سیاسی رواج شرق‌شناسی در شمال آفریقا در قرن ۱۹ عبارت است از:

به فرمانروایی رسیدن حکمرانانی متأثر از فرهنگ اروپایی

تبلیغ دینی و اشاعهٔ فرهنگ مسیحی و اروپایی در جوامع اسلامی

ضعف خلافت عثمانی

اشغال الجزایر به توسط فرانسه

حملهٔ ناپلئون به مصر

## ۸۵. تناسب فرضیه‌ها با نوع پژوهش

برای طراحی فرضیه روش های مختلفی موجود است که بسته به اقتضای تحقیق خویش از آن استفاده می‌شود. یکی از شیوه‌های مناسب در ایجاد مهارت در ساخت فرضیه، مطالعهٔ «آگاهانه» کتاب های برجستهٔ دینی، باهدف شناخت نحوهٔ استدلال، شیوهٔ طبقه‌بندی موضوعات علمی و روابط علی و معلولی مد نظر نویسنده است.

اولین پاسخ شما به پرسش تحقیق آخرین پاسخ شما نباشد. سعی کنید در قبال هر پرسش علمی چندین پاسخ منطقی ارائه کنید. ممکن است که فرضیهٔ شما در نهایت ترکیبی از مجموعهٔ فرضیات اولیهٔ شما باشد. کوشش شود تا در قبال مسایل مختلف وسعت نظر بالایی کسب شود.

چند شیوهٔ بیانی فرضیه عبارت‌اند از:

----(علت / تأثیرگذار)---- در تکوین / در ایجاد / در شکل گیری ---(معلول / تأثیرپذیر)----- اثرگذار است.

مانند: (به کارگیری روش هرمنوتیک در تفسیر نصوص دینی منجر به تبدیل حکم شناسی به شرایط شناسی می‌شود.) و یا (خواندن آیات قرآن کریم بر کاهش درد بیماران اثرگذار است.)

شیوهٔ دیگر چنین است: میان - (علت / تأثیرگذار)---- و -----(معلول / تأثیرپذیر)- رابطه موجود است؛ مانند (میان مذهب اعتقادی دانشمندان علم نحو و شیوهٔ استدلال نحوی ایشان رابطه موجود است.) در چنین فرضیاتی روابط موجود میان متغیرها ممکن است متقابل باشد.

شیوهٔ دیگر بیان فرضیه

وجوه اشتراک / اختلاف میان -(طرف اول مقایسه) - و -(طرف دوم مقایسه)-- در زمینهٔ (یا از دیدگاه) -(وجه مقایسه) عبارت است از:. ۱. .... ۲. ... ۳. .... (موارد به اندازه کافی بیان شوند.)

البته معمولاً مطالعات مقایسه‌ای فاقد بیان فرضیهٔ کاملی هستند. زیرا تا مقایسه صورت نگیرد، وجوه مختلف تشابه و تضاد میان طرفین مقایسه آشکار نخواهند شد؛ بنابراین تنها کسانی قادر به طرح فرضیه در این موارد هستند که مطالعات قبلی مناسبی در موضوع

بوده باشند. در این صورت، بیان کـافی مـوارد مـورد نیـاز فرضـیه در واژگـانی سـنجیده و متناسب نقطهٔ قوت پژوهش محسوب می‌شود.

در وضعیتی که محقق قادر به بیان احتمال اولیه نیست، باید به جای فرضیه، به تعیـین دقیق محدودهٔ پاسخ پرسش که در این نوع سئوالات شامل سه بخـش طـرفین مقایسـه و وجه مقایسه است، بپردازد. پس در این حالت، به جای بیان فرضیه به تعیین حدود مسـئله مانند مکان، زمان و ابعاد موضوع مورد نظر می‌پردازیم.

شیوهٔ دیگر طرح فرضیه استفاده از قانون علمی است که جهت صحت اثبـات آن بایـد محدوده آن را مشخص کرد. (برای مثال، محدود به یک شهر و یا مدرسـه در دوره زمـانی مشخص)

هر چه --------- بیشتر (/ کمتر) شود، پس --------- بیشتر (/ کمتر) می‌شود

مانند: (هر چه «روحیهٔ تجمل‌گرایی» در یک جامعه بیشتر شود، پـس بـه همـان میـزان از «رفتارهای معنوی» اعضای جامعه کاسته می‌شود.)

در این اسلوب با «قانون علمی» سر و کار داریم و جهت صحت اثبات فرضیهٔ خـویش نیازمند محدود ساختن آن هستیم. لذا به جای یک جامعه بایـد بـه مکـان مـد نظـر خـود اشاره‌کنیم. این مکان می‌تواند با توجه به قصص قرآنی شامل یکـی از امـت‌هـای پیشـین باشد و یا در یک بررسی عملی شهر تهران انتخاب شود. همچنین باید مراد خـود از رفتـار معنوی را با تعریف دقیق به همراه مثال‌های کافی برای آن بازگو کرد.

شیوهٔ دیگر به این صورت است:

--- **الف** ------- به صورت ---- **ب** ------ است.

این شیوه ساده‌ترین شکل یک فرضیهٔ توصیفی است که به توصیف مسئله بـدون ورود به تشریح علل شکل‌گیری آن اختصاص دارد. پژوهشگر بنا بر نوع پرسش خود از این نـوع فرضیات استفاده می‌کند. برای مثال، (اسلام از دید تشیع دارای پنج رکن اساسی اسـت: ۱. اصول عقاید ۲. اخلاقیات ۳. موضوعات ۴. احکام اولیه ۵. احکام ثانویه)

اما شیوهٔ دیگر به تحلیل علل شکل گیری موضوع اختصاص دارد؛ که بـه صـورت زیـر است:

علل ----------- عبارت است از:

۱. -------

۲. ----------

۳. --------- (متغیرها به تعداد کافی آورده شوند.)

مثال:

علل «عدم تولید علم» در رشته‌های علوم انسانی در ایران عبارت است از:

۱. از میان رفتن سنت فکری پیوستهٔ بومی،
۲. عدم طرح موضوع مبتنی بر نیاز واقعی جامعه،
۳. نگاه غربی به جامعه ایران، تعمیم شرایط غرب بر تاریخ و فرهنگ ایران در نظریه‌پردازی‌ها،
۴. عدم استفاده از روش شناسایی مطلوب،
۵. نبود اعتقاد به کار گروهی.

## ۸۶. یا فرضیهٔ اصلی یا «فرضیهٔ رقیب».

فرضیهٔ رقیب توضیح دیگری از مسئله است که از نظر منطقی در مقابل فرضیهٔ اول به کار می رود. به عبارت دیگر، می توان نسبت فرضیهٔ اصلی با فرضیهٔ رقیب را چنین بیان کرد: یا فرضیهٔ اصلی و یا فرضیهٔ رقیب.

ممکن است فرضیهٔ اصلی با اتمام پژوهش، «رد» و یا «اصلاح» شود و یا حتی با فرضیهٔ رقیب «ادغام» شود و از آن وجه سومی حاصل شود. هیچ گاه نباید نسبت به فرضیهٔ پژوهش خویش تعصب بی‌مورد نشان داد و چنانکه گفته شد فرضیه‌ها مادامی که با روش صحیح علمی مورد بررسی قرار نگیرند، «علم» نیستند.

هم فرضیهٔ اصلی و هم فرضیهٔ رقیب، ظن و غیر علم هستند؛ امّا علت انتخاب یکی به عنوان فرضیهٔ اصلی بر اساس جدی تلقی کردن و نزدیک به علم دانستن آن از سوی محقق است. هر چند که با بیان معکوس فرضیهٔ اصلی می‌توان فرضیهٔ رقیب خود را ساخت، امّا توصیه می شود که فرضیهٔ رقیب از موضوعات زنده و از دیدگاه های مقابلی که در عرصهٔ مباحث دینی و فرهنگی موجود است، انتخاب شود؛ مانند دیدگاه صامت بودن قرآن در مقابل ناطق بودن آن.

## ۸۷. ضرورت بین‌الاذهانی کردن واژگان پژوهش

واژهٔ تعریف (definition) واژه ای عربی از ریشهٔ (عرف) و مترادف واژهٔ «تحدید» است. در لغت به معانی شناساندن، معرفی کردن، آگاهی، شرح، توضیح، تصریح، تشخیص، تبیین ... آمده است. این واژه در مقابل «تنکیر» قرار دارد که از معانی آن ناآگاهی و بی‌خبر بودن از چیزی است.

در پرسش و فرضیهٔ پژوهش واژگان مختلفی بیان می شوند. برخی از این واژگان مانند: «است»، «هست»، «و» و نظایر آن از زمرهٔ واژگان غیرتخصصی جملات و عبارات ما بوده و نقش ربط، اسناد و برقراری دیگر حالات بیانی را بر عهده دارند؛ امّا دسته‌ای دیگر از واژگان جملات ما (به ویژه در پرسش و فرضیهٔ تحقیق) شامل اصطلاحات اساسی علم مورد بحث می شوند. کلماتی که متضمن مفاهیم اصلی مد نظر پژوهش بوده و تا معنای این واژگان برای پژوهشگر دانسته نشود پژوهش وی پیشرفتی نخواهد داشت.

«تعریف» در اصطلاح روش تحقیق عبارت است: روشن کردن فضای مفهومی واژگان اصلی پژوهش به جهت بین ذهنی کردن آن میان مخاطبان پژوهش. (پیش‌فرض آن است که خود محقق از تعریف واژگان تحقیق خود باخبر است.)

بدون بین الاذهانی کردن واژگان تحقیق نمی‌توان مطالب آن را به خواننده منتقل کرد. انتقال علم در گروه تعریف فضای مفهومی واژگانی تخصصی است. برای مثال، شخصی درصدد انجام پژوهشی در زمینهٔ حجیت اقسام اجماع در علم اصول است. این اصطلاح در علم اصول به شیوه‌های مختلف به‌کاررفته است. اولین کار باید ارائهٔ تعریفی دقیق از واژهٔ «اجماع» (و نیز حجیت) باشد. تا تعریف این دو واژه معلوم نشود، نمی‌توان وارد پژوهش دربارهٔ آن‌ها شد

## ۸۸. توافق در تعاریف، شرط گفت‌وگو با دیگران

در برخی از پژوهش‌ها نیازمند توجه به تعاریف مشترک هستیم؛ یعنی قدر مشترک مفاهیم واژگان در نظر گرفته می‌شود. برای مثال در گفت‌وگوهای بین ادیان و یا مذاهب اسلامی، ابتدا کوشش می‌شود تا تعاریفی که مورد قبول همگان است، ارائه شوند.

هرچه معرف‌های مشترک مفاهیم واژگانی بیشتر باشد، امکان وفاق بیشتر می‌شود.

## ۸۹. مآخذ تعاریف لغوی باید مراجع معتبر باشند.

تعاریف پژوهش‌های علمی دارای مشخص‌های زیر است. اول آنکه در کوتاه‌ترین عبارات تنظیم‌شده‌اند. همچنین متمرکز بر تعریف مختار محقق هستند و عاری از نقل‌قول‌های بی‌هدف هستند. دوم آنکه با توجه به ماهیت پژوهش خویش تنها از زاویهٔ تخصص مربوطه به تعریف واژگان می‌پردازند.

در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی اصطلاحات موجود در پرسش، فرضیه و عنوان نیازمند پژوهش هستند.

به طور کلی در تعریف واژگان پژوهش، از این روش استفاده شود:

- اصطلاحات اصلی تحقیق خود را در یک فهرست (به ترتیب الفبا) آورده شود. در اثنای پژوهش، ممکن است بر تعداد آن‌ها افزوده شود.
- ابتدا معنای لغوی و سپس معنای اصطلاحی آن ها را، با استفاده از منابع و روش متناسب، استخراج شود.
- چنانکه گفته شد، نباید بخش تعاریف را به مجموعه‌ای از نقل‌قول‌های به هم چسبیده مبدل کرد.
- تنها به مواردی باید پرداخت که به پژوهش مربوط است. حواشی بحث نباید د جای متن اصلی را اشغال کند.
- و در خاتمه تعریف منتخب به همراه حداقل دو مثال بیان شود.

برخی از فرهنگ های مناسب تحقیقات دینی به جهت بررسی لغوی واژگان عربی مورد نظر عبارت‌اند از:

- الصحاح اثر جوهری ابی نصر اسماعیل بن حماد (۳۹۳ ق) لسان العرب اثر ابن‌مکرم بن منظور الافریقی (۷۱۱ ق)
- القاموس المحیط اثر فیروزآبادی مجدالدین محمد یعقوب (۸۱۷ ق) که مرتضی زبیدی در کتاب تاج العروس آن را در ده جزء شرح کرده است.
- اساس البلاغهٔ اثر زمخشری (۴۶۷ – ۵۳۸ ق) صاحب الکشاف

– المخصص اثر شیخ ابی الحسن علی بن اسماعیل نحوی و زبان شناس اندلسی معروف به ابن سیده (۴۵۸ ق)

– معجم مقاییس اللغۀ اثر ابن فارس (متوفی ۳۹۵ ق)

– العین اثر خلیل بن احمد فراهیدی (متوفی حدود ۱۷۰ ق)

– المفردات اثر راغب اصفهانی

– التهذیب اثر الازهری (نک: الطویل: ۲۰۰۳، ۹۸ – ۹۹)

– و از آثار جدید کتاب التحقیق فی کلمات القرآن مرحوم علامه مصطفوی (ره)

استاد علامه حسن‌زاده آملی در توصیف مرحوم آیت‌الله شعرانی (ره) می‌گویند:

> از خصایص دیگر ایشان این بود که دست به هر کتابی دراز نمی‌کرد، حتی المنجد در میان کتاب‌هایش نبود و خودش صریحاً فرمود: این کتاب منجد را برای دانشجوهای مدارس نوشته‌اند، نه برای عالم روحانی. ملا دست می‌برد به کتاب‌های علمی اساسی لغت، به جمهره ابن‌درید، تاج العروس و صحاح، به این جور کتاب‌ها که کتاب است، نه به منجدی که برای بچه‌های مدرسه نوشته‌اند.[1]

تعاریف لغوی و اصطلاحی باید به گونه ای مکمل یکدیگر آورده شوند. در تعاریف واژگان اساسی پژوهش خود هیچ گاه نباید به فرهنگ های غیرتخصصی مراجعه شود. در مطالعات قرآنی به جای استفاده از آثاری چون «مفردات» راغب اصفهانی (و دیگر فرهنگ های تخصصی قرآنی) به سراغ «الرائد» جبران مسعود نباید رفت. بنابراین همواره جنبۀ تخصصی فرهنگ‌های علوم انسانی را باید رعایت کرد.

## ۹۰. شرط قابلیت مشاهده و سنجش شرط در پژوهش‌های تجربی

برخی از تعاریف مناسب پژوهش های کاربردی در حوزۀ علوم اجتماعی هستند. به این تعاریف، تعاریف اجرایی operational گفته می شود. برای مثال، تعریف واژۀ «ثروتمند» در لغت با نشان دادن عملی شخص ثروتمند در جامعۀ ما دو مقولۀ به هم مرتبط ولی

---

۱. در واقع آن مرحوم درصدد ترغیب شاگردان خود به استفاده از کتاب‌های اساسی و رعایت استفاده از منابع درجه اول بوده است. نک: روزنامه اطلاعات: ۲/ ۸ / ۱۳۸۴. شماره ۲۳۴۷۵، ص ۶. (با عنوان: شیخ بهایی روزگار. به مناسبت بزرگداشت مرحوم آیت‌الله شعرانی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.)

متفاوت هستند. در فرهنگ لغت با تعاریف قراردادی در فرهنگ هایی نظیر لغتنامه دهخدا سروکار داریم؛ امّا در تعاریف عملی نیازمند یافتن معرف‌هایی هستیم که به طور دقیق نشان دهد که از نظر مردم آن جامعه (یا نظر رسمی حکومت که می تواند متفاوت از عرف جامعه باشد) داشتن چه سقفی از مادیات، فرد را در زمرهٔ افراد ثروتمند قرار می‌دهد. لذا برای انجام تعاریف عملی نیازمند پژوهش در سطح جامعه هستیم. که در بسیاری از موارد مانند مثال بیان‌شده با مشکلات بسیاری همراه است. زیرا اگر در جامعه‌ای ثروت، ملاک اصلی مقایسه های مثبت اجتماعی شود، در آن صورت افراد وارد رقابت «پز عالی، جیب خالی» می‌شوند. در نتیجه نمایش ثروت، موجب می‌شود تا وضعیتی گول زننده حاکم شود.

برخی از معرف‌های تعریف عملی ثروت عبارت‌اند از: نوع منزل و ارزش مادی آن وسایل منزل و ارزش مادی آن‌ها؛ لباس و زیورآلات و ارزش مادی آن‌ها؛ ماشین شخصی و نظایر آن. این معیارها با گذشت زمان دچار تحول می‌شوند و از آنجا که نهایت تعریف عملی تبدیل آن به مقادیر کمی و مشخص است، نیازمند تبدیل آن به کمیت مناسب با زمان و مکان جامعهٔ مورد مطالعه هستیم. برای مثال، چه میزان درآمد ماهیانه، چه مُدلی برای اتومبیل، چه منزلی، در کجا، با چه مساحت و مصالح ساختمانی شخص را در زمرهٔ ثروتمندان قرار می‌دهد؟ (نک: رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۶ به بعد)

برای مثال، دکتر فرامرز رفیع پور در پژوهشی با عنوان «تغییر ارزش ها در آیینهٔ سینما و مطبوعات» به جهت مشخص ساختن فضای مفهومی ارزش می‌نویسد:

ارزش‌های مورد بررسی: مهم‌ترین ارزش‌های مورد بررسی عبارت بودند از:

-- میزان مشروعیت بخشیدن به ثروت و تبدیل آن به یک ارزش مثبت،

-- میزان تأیید و مشروعیت دادن به نابرابری‌های اجتماعی یا کاهش آن،

-- میزان گستردن ارزش مادی‌گرایی و سودجویی یا کاهش آن،

-- میزان گسترش ارزش و روحیهٔ مصرف‌گرایی یا کاهش آن،

-- میزان تقویت و یا تضعیف ارزش‌های مذهبی.

به منظور بررسی میزان انتقال ارزش‌های نوع اول تا چهارم، یعنی انتقال ارزش ثروت، نابرابری، مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی، معرف‌های زیر در نظر گرفته شدند:

-- نوع منزل و ارزش مادی آن،

-- وسایل منزل و ارزش مادی آن‌ها،

لباس و زیورآلات هنرپیشه‌ها و ارزش مادی آن‌ها.

برای بررسی میزان انتقال ارزش‌های مذهبی از نمادهای مذهبی (نظیر حجاب و ریش) استفاده شد. البته معرف‌های دیگری نیز همچون وسایل نقلیهٔ مورد استفاده و ارزش مادی آن‌ها، آرایش هنرپیشه‌ها، رفتارها و عمل‌های مذهبی (از جمله الفاظ به کار گرفته‌شده)، میزان انتقال ارزش‌های انقلابی و میزان انتقال ارزش‌های مربوط به گروه مرجع غربی یا هویت ملی بررسی شدند که نتایج آن‌ها به طور انفرادی برای هر فیلم مفید است امّا از آنجا که برای مقایسهٔ فیلم‌ها با یکدیگر، مناسب نبودند، از نتایج آن‌ها چشم‌پوشی شد. ...» (رفیع پور، ب ۱۳۷۸: ۹) «... همکاران و دستیاران محقق پس از استخراج اشیاء و وسایل در هر فیلم یا مجموعه، به فروشگاه‌های مختلف مراجعه کرده و قیمت تک تک وسایل را که در هر فیلم بسیار متنوع و تعدادشان بسیار زیاد بوده است، از چندین فروشگاه پرسیده‌اند، گر چه فروشندگان نمی توانستند برخی از وسایل قدیمی و کم ارزش را ارزیابی کنند. دیگر این که چون قیمت ها به سرعت در حال تغییر بوده و هستند، به منظور دست یافتن به مقیاس ثابت تر، قیمت‌ها نسبت به سال مورد نظر و همچنین به قیمت دلار آن زمان استخراج و تبدیل شده است. ... (همان: ۱۲)

## ۹۱. نام‌گذاری و انتخاب واژگان باید دقیق باشد.

تعریف بی هدف از واژگان تحقیق از منظر رشته های علمی غیر مرتبط محقق را از هدف اصلی خود دور می کند. باید معادل های واژگان مورد تفکر در زبان‌های دیگر را دانست؛ امّا نباید واژگان بیگانه را زبان اصلی خود کنیم. ما متعلق به ملت و تمدنی هستیم که از سنت های محکمی در ادبیات، حکمت و فلسفه، تاریخ، برخوردار است. چرا یک فرد دانشگاهی به جای واژهٔ «مرحله» از واژهٔ «فاز» Phase و یا به جای واژهٔ «مجرا» یا «مسیر عبور ...» از واژه «کانال» Canal استفاده می‌کند؟ البته غالب این استعمالات ناآگاهانه (و احتمالاً تا حد زیادی ناشی از عدم همکاری نظام مند اهل فرهنگ در زمینهٔ معادل‌یابی واژگان بیگانه) هستند.

در یک رسالهٔ علمی نباید از اصطلاحات غیرتخصصی مانند استفاده از نبرد به جای جهاد و یا در متون تاریخی قدیم استفاده از ملت (Nation) به جای رعیت و یا در مطالعهٔ تاریخ صدر اسلام استفاده از انتخابات به جای بیعت استفاده کرد.

بدون وجود دلیل موجهی نباید اصطلاحات رایج در علم مورد نظر را تغییر ندیـد. بـرای مثال، صبحی صالح می نویسد که در زبان عرب معروف است که فرقی بین «حدثنا فلان» یا «اخبرنا» یا «أنبانا»، یا «ذکر لنا» یا «قال لنا» وجـود نـدارد. (صـالح، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۰) ایـن بیان از منظر علم الحدیث اهل سنت مطرح‌شده است؛ امّا همـان‌گونـه کـه مرحـوم اسـتاد غفاری (ره) بیان داشته اند، در نزد علمای امامیه اصطلاحات به شکلی دقیق مطرح است که ضمن افادهٔ تحدیث، احتمال تدلیس را از میان می‌برد. برای مثال:

حدثنی: زمانی است که شیخ را ملاقات کرده و حدیث یا کتاب را با اجازهٔ روایـت از او گرفته باشد.

حدثنا: زمانی است که حدیث را فقط در درس رسمی از او شنیده است.

اخبرنی: زمانی است که شیخ را ملاقـات نکـرده و شـیخ کتـاب خـود را بـرای او (راوی) با اجازهٔ روایت کتباً فرستاده باشد.

اخبرنا: هر کجا که برای جماعتی فرستاده باشد که بر آن‌ها قرائت شود و خود بـر آن‌ها نخوانده باشد. (همان: ۶۹، پاورقی ۹)

## مثال و تمرین

دکتر محمد عابد الجابری در پایان کتابی که دربـارهٔ ابـن‌خلـدون تـألیف کـرده اسـت، فرهنگ اصطلاحات پرکاربردی را که ابن خلدون در مقدمه کتاب تاریخش به کاربرده بـرده است، در ۶۱ اصطلاح آورده است. در این بخش چند نمونه از تعاریف او را نقل می شود که در مطالعهٔ آن به مواردی چـون «کوشـش نویسـنده در ارائـهٔ مختصـر و مفیـد مطالـب»، «کوشش نویسنده در تعریف واژگان بر اساس متن مقدمه ابن‌خلدون؛ ولو آنکه ابن‌خلـدون خود مستقیماً واژه را تعریف نکرده باشد.» و «کوشش نویسنده در اسـتفاده از اصـطلاحات اصلی آثار ابن‌خلدون و ارائهٔ مثال‌ها، شواهد بیان و نقل‌قول‌های مسـتقیم مناسـبی از آن.» توجه شود. با مطالعهٔ نمونهٔ تعاریف زیر، چند اصطلاح علوم قرآنی را انتخاب کنیـد و آن‌هـا را از زاویهٔ نگاه یک شخصیت برجستهٔ قرآنی تعریف کنید.

**توحش:**

ابن خلدون بدون در نظر گرفتن معنای تحقیر، این واژه را بسیار استعمال کرده است و مراد وی از آن، شیوهٔ عـام رفتـار و سـلوک قبایـل منفـرد و در انـزوا در بادیـه و

خصوصاً صحرانشینان است.

«الامم الوحشیّة»: قبایلی که در زندگی بادیه نشینی فرو رفته، با غیر خود آمیزش نکرده و در سرزمین‌های کم آب و علف در حال کوچ‌اند:

شتربانی منجر شده تا عرب توحش وار در صحراها و زمین‌های بی‌آب و علف بادیه زندگی کند. (ج ۳، ص ۹۲۹)

و ازاین‌رو: عرب بیش از دیگر ملت‌ها به بادیه‌نشینی متصف هستند و در دورترین دشت‌های خشک رفت‌وآمد می‌کنند. (ج ۲، ص ۴۵۶)

– «خلق التوحش»: «طبیعة التوحش»، «عوائد التوحش» ... عبارت است از تمامی صفات و ویژگی‌های روحی و جسمی که به بادیه‌نشینان در حال کوچ در سرزمین‌های خشک تعلق می‌گیرد. این ویژگی‌ها نتیجهٔ شرایط طبیعی و معاش سختی است که صحرا برایشان تحمیل می کند. نظیر: شجاعت، کرم، زیر بار ظلم و ستم نرفتن، جنگجویی و افتخار به آن و ...  (ج ۲، ص ۴۵۴–۴۵۵)

**جاه:**

نیرویی است که دارندهٔ خود را بر انجام هر تصرف و عمل آزادانه در قبال همنوعان زیردستش چه با اجازه و یا منع و بازداشتن قادر می‌سازد.  (ج ۳، ص ۹۱۰) از این‌رو جاه در این معنا «سلطه» است.

«الجاه مفید للمال»:

ابن‌خلدون جاه را مهم‌ترین منبع ثروت و غنی می‌داند:

... اگر جاه توسعه داشته باشد نتایج و سود آن فراوان خواهد بود و اگر محدود باشد، به همان نسبت سود اندکی خواهد داشت.» کسانی که فاقد جاه باشند: «بهره ای بیش از حداقل زندگی نمی‌برند. (ج ۳، ص ۹۱۰)

**جیل:**

نسل، امّت. مراد از امت، قبیله‌ای بسیار بزرگ یا مجموعه قبایلی است که از طریق «نسب» با یکدیگر در ارتباط‌اند.

الف. در این معنا ابن‌خلدون واژهٔ «جیل» را استعمال کرده است.

... تفاوت قبایل و شعوب [۱] با یکدیگر در امور و احوالشان، نتیجهٔ تفـاوت ایشـان در شیوهٔ معاششان است. (ج ۲، ص ۴۰۷)

ب. گاهی این واژه به معنای اخص استعمال شده و به مرحلـه یـا سـطح معینـی از مراحل و سطوح پیشرفت بشری چون شهرنشینی و تمدن دلالـت مـی کنـد. کـه از زمرهٔ این استعمالات عبارت‌اند از:

«اجیال البدو» (مراحل بادیه‌نشینی)

«اجیال الحضر» (مراحل شهرنشینی)

«جیل العرب فی الخلقه طبیعی» (ج ۲، ص ۴۰۹) و معنای عبارت اخیر آن است که اسـلوب خـاص «عـرب و آنچـه بـه معنـای عـرب افـزوده مـی‌شـود.» (م ۳۶) مرحله ای طبیعی در کردار پیشـرفت بشـری اسـت چـرا کـه اسـلوبی در زنـدگی و شیوه ای در حیات بوده که تحت تأثیر شرایط طبیعی و معـاش منـاطق سکونتشـان قرار دارد.

ج. الاجیال الحادثة. (ج ۲، ص ۴۸۴) به معنای نسل‌های جدید (بعدی).

**حسب:**

به نسب شریف و صفات و ویژگی‌های پسندیده اطلاق می‌شـود و صـفات نیکـو در پیدایش آن اهمیت دارد:

شرف و حسب از راه خصال و ملکات نیکو حاصل می شود.» و «پس معنای حسـب به اصل و نسب بازمی‌گردد. (ج ۲، ص ۴۳۱)

– الحسب بالحقیقة او بالاصالة: مبتنی بر ثمره و نتیجهٔ نسب یعنی عصبیت است.

«حسب و نسب در میان خداوندان عصبیت حقیقی و اصالت داراست. چرا که ایشان از «ثمرهٔ نسب» = عصبیت برخوردارند و به تفاوت عصبیت – که راز بزرگی ایشان است – خانواده در شرف و بزرگی مختلف‌اند.» (ج ۲، ص ۴۳۲) از ایـن‌رو در نظـر ابن‌خلدون، حسب خاص خداوندان عصبیت بادیه‌نشین است.

– الحسب بالمجاز: به بزرگی حاصله از نسب که «فاقد عصـبیت» باشـد، اطـلاق

---

۱. الاجیال

می‌شود. این نوع حسب به شهرها اختصاص دارد.

... اگر حسب را در میان ساکنان شهرها (اهل الامصار = م ۳۸) در نظر گیریم، به این معنا خواهد بود که فردی از ایشان، آباء و اجداد خود را که متصف به خصال نیکو و هم‌نشین نیکوکاران بوده‌اند در حسب خود بر می‌شمرد ... درحالی‌که این حسب به معنای استعمال حقیقی آن نیست. (ج ۲، ص ۴۳۲) «زیرا شرف و بزرگی حقیقی تنها به اهل عصبیت اختصاص دارد. (ج ۲، ص ۴۳۳).

– الحسب بالمَجاز: همچنین بر بزرگی‌ای که «موالی» (م ۵۶) و بندگان از خواجگان به دست می‌آورند، دلالت دارد.

**حضارة:**

ضد «بداوة». شهرنشینی در مقابل بادیه نشینی است و حضر بر اهل شهرها یعنی افرادی که در شهرها و بلاد «حضور» دارند، دلالت می‌کند.

الف. حضارة در اصطلاح ابن خلدون عبارت است از: «تفنن در ناز و نعمت و احکام صنایع متداول در قالب شیوه ها و انواع گوناگون آن از قبیلِ امور آشپزخانه ها، پوشیدنی‌ها، ساختمان‌ها و گستردنی‌ها و وسایل و سایر امور خانه‌داری» (ج ۲، ص ۴۸۸) از این‌رو «حضارة» بیانگر شیوهٔ زندگی آریستوکراسی حاکمان مقیم در پایتخت و نوع زندگی از قبیل «امارة» است. یعنی جماعت حاکمی که با گذشت دورانی از زندگی در شهر، بادیه‌نشینی و خشونت آن را (م ۱۰) فراموش کرده و به صورت سربار اطرافیان خود و جامعه، مصرف‌کننده و بدون تولید درآمده‌اند.

ب. از دیدگاه ابن‌خلدون شهرنشینی [۱] مقرون با فرمانروایی است. پس ساکنان شهر، مردمان دولت[۲] در مرحلهٔ ناتوانی‌اش می‌باشند.

«امور شهرنشینی ازتوابع آسایش و خوش گذرانی[۳] و کشورداری و حکمرانی [۴] است.» (ج ۲، ص ۴۹۲)

ج. رقة الحضارة: در مقابل خشونت بادیه نشینی است و به مجموعهٔ صفات جسمی

---

۱. حَضَارة
۲. اهل الدولة
۳. الترف
۴. الملك

و روحی و شیوه های سلوک فردی و اجتماعی حاصله از زندگی شهرنشینی، به معنای که گذشت اطلاق می‌شود.

د. الحضارة مفسدة للعمران: شهرنشینی، عمران را از نظر ماده و صورت تباه می کند. مراد از فساد مادهٔ عمران، فساد اخلاق فردْ فردْ اعضای جامعه از درون (ج ۳، ص ۸۷۷) و مراد از فساد صورت عمران، فساد دولت و زوال امکانات و ابزار آن و یا به عبارت دیگر جدایی عصبیت از حکمران است.

**حل و عقد:**

از نظر ابن‌خلدون اهل حل و عقد و شوری عبارت از «اهل عصبیت حاکمه» (حاکمانی که دارای نیروی عصبیت‌اند) می‌باشند.

... زیرا عمل شوری و حل و عقد را تنها صاحب و دارندهٔ عصبیت می تواند انجام دهد. کسانی که به دلیل عصبیت توانایی حل و عقد و یا انجام و ترک عملی را داشته باشند؛ اما کسانی که فاقد عصبیت اند نظیر: فقها، قضات ... «چه دخالتی می‌توانند در کار مشاوره و شوری داشته باشد. (ج ۲، ص ۵۷۴)

# فصل چهارم
# نکاتی دربارۀ نگارش طرحنامه و مقاله

طرح تحقیق عبارت از گزارش جامعی از برنامۀ پژوهشی محقق و توصیف منظم و منطقی آن است. نحوۀ نگارش طرح تحقیق منعکس کنندۀ هویت علمی پژوهش و به نوعی سند دانش و اعتبار علمی پژوهشگر است.

## ۹۲. بخش‌های مختلف یک طرحنامه

طرحنامه‌ها معمولاً شامل سه بخش هستند.

**الف – کلیات نظری طرح پیشنهادی:**

شامل:

۱. بیان مسئله
۲. مرور تحقیقات پیشین
۳. پرسش‌ها
۴. فرضیه‌ها (در صورت دارا بودن)
۵. متغیرها (در صورت دارا بودن آن‌ها)
۶. تعاریف
۷. سازمان‌دهی تحقیق

**ب – روش‌شناسی:**

شامل:

۱. نوع پژوهش
۲. نوع روش شناخت علمی بکار رفته در پژوهش
۳. ابزار گردآوری داده‌ها

۴. پیش‌فرض‌ها
۵. محدوده‌ها و محدودیت‌ها

**ج – اهمیت بررسی:**

شامل:

۱. کاربرد پژوهش
۲. مخاطبان پژوهش
۳. نوآوری‌های پژوهش

برخی از پژوهشگران، نقاط ضعف متداول طرح های پژوهشی را در شش محور خلاصه کرده‌اند. این محورها عبارت‌اند از:

۱. مسئله، بی‌اهمیت و موضوعی حاشیه‌ای است و شایستهٔ پشتیبانی مالی نیست.
۲. حدود مسئله مشخص نیست.
۳. اهداف، فرضیه‌ها و سئوال‌ها بیش از حد گسترده تبیین شده‌اند. (کلی‌گویی موجب می شود تا مسئلهٔ تحقیق پیش از آنکه واقعی باشد، آرمانی و غیرقابل انجام شود. همچنین کلی‌گویی خواننده را گیج می‌کند)
۴. روش انجام پژوهش فاقد جزئیات است و کاملاً تشریح نشده است.)
۵. از یک طرح ساده برای بررسی یک مسئلهٔ پیچیده استفاده شده است؛ به عبارت دیگر طرح پژوهش متناسب با مسئله نیست.
۶. محقق یا به متغیرهای مسئله نپرداخته است و یا آنکه برخی از آن‌ها را نابجا حذف کرده است. او باید نشان دهد که از وجود متغیرهای نامربوط دخیل در بررسی آگاه است و توضیح دهد که چگونه می خواهد آن ها را در طرح خود بگنجاند.) (آری، ۱۳۸۰: ۶۱۷ – ۶۱۸)

نگارش طرح پژوهش نیازمند چندین بار ویرایش است. نباید اولین نگارش طرح پژوهشی را آخرین کار خود قلمداد کرد و باید به منظور ارزیابی طرح تحقیق خود، نوشتهٔ خود را در معرض نقد افراد آگاه و علاقمند قرار داد. یکی از رایج‌ترین اشتباهات دانشجویان، عدم مشورت سازنده با دوستان اهل فن در زمینهٔ طراحی طرح پژوهش است.

## ۹۳. تنظیم طرحنامه بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش است.

تا زمانی که به پرسش های مشخصی نرسیده اید، به دنبال پـر کـردن برگـهٔ طرحنامـه پژوهشی نباشید. نگارش طرح پژوهش پس از انتخاب موضوع تحقیق و اطلاع از پرسـش و مسئلهٔ خود است. بنابراین تا زمانی که پرسش تحقیق معلوم نشده و حوزهٔ کلی و جزئـی مطالعه مشخص نشده است، نباید وارد نگارش طرح تحقیق شد.

## ۹۴. اجزای طرحنامه پژوهش باید باهم هماهنگ باشند.

اجزای طرح پژوهش باید باهم هماهنگ باشند. باید پرسش و فرضیه آن کاملاً به هـم مربوط باشند. پرسش و پاسخ باید به گونه‌ای مرتبط با یکدیگر قرار گیرند که سکوت بر آن جایز باشد. یعنی انسان مطلع با شنیدن پرسش و پاسخ عرفا آن ها را در ارتباط باهم بیابـد. (هر چند که می تواند از لحاظ مفهومی پاسخی نادرست به پرسش باشد.) بـرای مثـال، بـه تناسب میان پرسش، فرضیه و عنوان این پژوهش توجه شود:

عنوان پژوهش: «بررسی تأثیر استفاده از وسایل کمک آموزشی بر پیشـرفت یـادگیری قرآن کریم دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران – ۱۳۸۰

پرسش: آیا میان استفاده از وسایل کمک آموزشی قرآن کـریم بـا پیشـرفت تحصـیلی دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران (در سال ۱۳۸۰) رابطهٔ علی موجود است؟

فرضیه: میان استفاده از وسایل کمـک آموزشـی قـرآن کـریم بـا پیشـرفت تحصـیلی دانش‌آموزان پسر مدارس راهنمایی تهران (در سال ۱۳۸۰) رابطهٔ علی موجود است

متغیرها: متغیر مستقل (تأثیرگذار) استفاده از وسایل کمـک آموزشـی / متغیـر وابسـته (تأثیرپذیر) پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

عنوان پژوهش باید بیانگر همان موضوعی باشد که قرار اسـت در بیـان مسـئله طـرح شوند. متغیرهای آن باید دقیقاً همان متغیرهایی باشند که در فرضیهٔ پـژوهش بـه کاررفتـه است واژگان تعاریف انتخابی باید همان واژگانی باشند که در پرسـش و فرضـیهٔ پـژوهش به کاررفته‌اند. (واژگانی تعریف نشوند که اصلاً ربطی بـه پـژوهش مربوطـه ندارنـد!) میـان انتخاب محدودهٔ پژوهش با محدودیت‌های فرا روی محقق باید تناسب و سـنخیت موجـود باشد و همهٔ این مسایل نیازمند هماهنگی با یکدیگر هستند. هر چه این همـاهنگی بیشـتر

باشد، بر جنبهٔ زیبایی‌شناسی کار شما افزوده خواهد شد.

برای مثال، به نحوهٔ ساخت عنوان پایان‌نامه توجه شود. پیش‌تر اشاره شد که عنوان بر اساس پرسش‌های اصلی پژوهش تنظیم می‌شود و بهتر است که با توجه به عرف رساله های پژوهشی بهتر است که عنوان تحقیق از ۱۶ کلمه فراتر نرود. در ساخت عنوان پژوهش باید از رساترین واژگان استفاده کرد و در صورتی که مطالعه به شکل «مقایسه‌ای» (میان دو نظریه، دو اثر، دو پدیده و ...) باشد، عنوان باید منعکس‌کنندهٔ طرفین و وجه مقایسه باشد؛ مانند: «بررسی مقایسه‌ای عوامل پیشرفت و انحطاط جوامع اسلامی در اندیشهٔ امام خمینی و علامه طباطبایی»

پس از انتخاب عنوان بهتر است آن را برای دوستان اهل فن بازگو کرد و بررسی کرد که آیا آنچه آن‌ها دریافته‌اند، همان مراد نویسنده بوده است؟ یا خیر؟

اهمیت انتخاب عنوان در آنجاست که عنوان در فهرست‌های کتاب‌شناسی ثبت می‌شود و بهترین عنوان پژوهش، عنوانی است که به راحتی توسط علاقمندان به موضوع پیدا شود. یک عنوان خوب باید بتواند محدودهٔ تحقیق را به روشنی بیان کند. (محدودهٔ موضوع، محدودهٔ مکانی، محدودهٔ زمانی) در صورت لزوم می توان از عنوان فرعی در داخل دو قوس () و حروف با اندازه کوچک‌تر استفاده کرد.

بخش بیان مسئله نیز در واقع تشریح پرسش اصلی پژوهش است. در بخش بیان مسئله اشاره می شود که کسب چه معرفتی برای محقق مطرح است؟ و جایگاه این معرفت در قبال کارهای انجام‌یافته و موجود کجاست؟ باید توجه داشت که هرچند محقق از موضوع کار خود مطلع است، امّا خواننده از آن بی اطلاع است و از این رو باید قدم به قدم او را مطلع کرد. (ناگهان مسئله را از نیمه راه آغاز نکرد.) برای نگارش بیان مسئله، باید با در نظر گرفتن پرسش اصلی، آن را حداقل در ده سطر توضیح داد. این پرسش به چه معناست؟ محقق در نگارش بیان مسئله باید به مخاطب خود نشان دهد که به موضوع کاملاً آگاهی دارد. بعد از اشاره ای مختصر به آنچه تاکنون صورت گرفته است (ادبیات موجود) ویژگی‌ها و مشخصات کار خود را در عباراتی کوتاه و بامعنا بیان کند. پس از نگارش اولین متن، آن را با مشورت با دوستانتان بارها و بارها ویرایش کنید تا متنی بدون ابهام و اشکال آماده شود.

در بخش مرور پیشینهٔ پژوهش نیز باید تنها بر مهم‌ترین و شایسته‌ترین پژوهش‌های

مرتبط با طرحنامه متمرکز شد و از آنجا که هـدف فصـل فروشـی نیسـت، تنهـا بـه ارائـهٔ اطلاعاتی پرداخت که مستقیماً به موضوع مربوط می شوند. می توان تحقیقات پیشین را بـا ترتیب موضوعی و به صورتی تخصصی و کـاربردی بیـان کـرد. بـرای مثـال، در پیشـینهٔ پژوهشی دربارهٔ «مفهوم زمان در قرآن» به چهار دسته مطالعات اشاره شده است:

۱. مطالعات کلامی،

۲. مطالعات فلسفی (کلاسیک / معاصر)،

۳. مطالعات ستاره‌شناسی و

۴. مطالعات روانشناسی. (بابا عمی، ۲۰۰۰: ۱۹-۲۰)

این را نیز باید در نظر گرفت که به لحاظ کار پژوهشی، بررسی پیشینهٔ تحقیق مقدم بر تدوین طرح تحقیق است؛ امّا از نظر ارائهٔ گـزارش در پایـان‌نامـه مـی‌توانـد پـس از طـرح تحقیق واقع شود. هر چه گزارش پیشینهٔ تحقیق یـک طرحنامـه جـامع‌تـر باشـد، ضـریب اطمینان به پژوهش مذکور بیشتر خواهد بود. مراد از پیشینهٔ تحقیق، رسـیدن بـه پاسـخی برای این پرسش‌هاست: آیا در زمینه مـورد نظـر، پـیش‌تـر کـاری انجـام‌شـده اسـت؟ آیـا پژوهشگران قبلی همان مسئله را تشخیص داده‌اند؟ چگونه به حل مسئله پرداخته‌اند؟ چـه جنبه‌هایی از مسئله به اندازهٔ کافی پرورانده نشده است؟

مطالعهٔ ادبیات نظری و سوابق پژوهشی مرتبط با مسئله برای محقق فواید بسـیاری را به همراه دارد:

۱. اشراف بر موضوع تحقیق

۲. جلوگیری از دوباره‌کاری

۳. آشنایی با مفاهیم و اصطلاحات مشابه در دیگر تحقیقات

۴. شناسایی روابط علت و معلولی

بهتر است که بخش پیشینهٔ تحقیق در صورت داشـتن حجـم بـالای مطالـب آن، بـه صورت فصلی مجزا ضمیمه طرحنامه شود. در این صورت این بخش بر دو قسم است:

الف- کتاب‌شناسی مهم‌ترین آثار موجود. در زمینهٔ مد نظـر چـه آثـاری موجـود اسـت. می‌توان آن را فهرست‌وار و با ترتیب الفبایی بیان کرد.

ب- بیان خلاصه‌ای از مهم‌ترین نظریه‌های یادشده.

بنابراین توصیه می‌شود که در این بخش از نگـارش طـرح تحقیـق، ابتـدا موضـوع یـا

موضوعات پژوهش خود را مشخص کرده، (رفتار دانش آموزان یک مدرسه؟ اعراب قـرآن؟ دیدگاه علامه طباطبایی؟ اخبار تاریخی؟ تفسـیر قـرآن؟ و ...) سـپس مناسـب بـا موضـوع تحقیق، منابع شناختی ایشان را بیان داشته و روش منتخب خـود در قبـال منـابع فـوق را بیان کنید. توجه داشته باشید که مهم ترین مـوارد ارزیـابی رسـالهٔ شـما بـه صـحت روش انتخابی آن بازمی‌گردد.

همچنین در این بخش ابزار و وسایل مورد نیاز پژوهش (و در برخـی از پـژوهش هـای عملی، نوع پرسشنامه) بیان می شود. در جریان پژوهش، اگـر از پرسشـنامه اسـتفاده شـده باشد، حتماً نمونه‌ای از آن در ضمیمه کلیات طرح پژوهشی آورده می‌شود. (گاه نمونه‌ای از آن را در پایان رسالهٔ پژوهشی می‌آورند.) و در ادامه نوع مطالعه بیان می‌شود.

## ۹۵. محدودیت حجم مقاله (حداکثر ۷۰۰۰ واژه)

خیر الکلام، ما قل و دل

کم گوی و گزیده گوی چون درّ

مقالهٔ علمی گزارش دستاوردهای یک تحقیق است که در عرف بـیش از سـه صـفحه تنظیم می‌شود. عُرف رایج در مجلات علمی - پژوهشی مابین ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار واژه و مقاله به معنای عام حداقل ۲۰۰۰ کلمه است. پژوهشگر زمانی مبادرت بـه نگـارش مقالـهٔ علمی می‌کند که تحقیق خود را به پایان رسانده باشد. این گـزارش ممکـن اسـت جهـت ارائه به یک همایش علمی یا موسسه‌ای پژوهشی و یا سازمانی اداری، انتشـار بـه صـورت چاپ در یک کتاب (مجموعه مقـالات و یـا مقالـه‌ای در یـک دایـرةالمعـارف و ...) و یـا رایج‌ترین حالت آن یعنی انتشار در یک فصلنامه و نشریهٔ تخصصی تهیه شود. برای یـافتن مجلات معتبر علمی به پایگاه‌های اینترنتی زیر مراجعه شود:

- دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم تحقیقات و فناوری)
http://journals.msrt.ir
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
http://www.sid.ir/fa/index.asp
- بانک اطلاعات نشریات کشور (بخش نشریات دارای اعتبار علمی)
http://www.magiran.com

### ۹۶. نگارش مقاله به معنای اتمام پژوهش است.

مقاله گزارش پژوهش است. بنابراین بهتر است تا بار دیگر با اشاره به مراحل مختلف یک تحقیق، جایگاه نگارش مقاله را در آن را شناسایی کنیم. مراحل یک پژوهش علمی عبارت‌اند از:

– **مطالعات اکتشافی به جهت یافتن موضوع.** البته موضوع می تواند به سفارش و یا پیشنهاد موسسه یا نشریه ای ادواری صورت پذیرد؛ امّا پذیرش آن باید با علاقهٔ معطوف به تخصص نویسنده همراه باشد. موضوع خوب موضوعی است که به رشد فرهنگ و ارتقای علوم اسلامی در جامعه یاری می رساند. به جهت نیل به چنین هدفی، محقق باید مطالعهٔ ادبیات موجود و پیشینهٔ تحقیق خود را دست کم نگیرد.

– **کار بر روی پرسش تحقیق (و احیاناً فرضیه‌های مرتبط)** در فصول قبلی این کتاب اشاره شد که هر چه اصالت یک پرسش بیشتر باشد، احتمال موفقیت و برجستگی آن بیشتر خواهد بود. بنابراین هیچ گاه در یافتن بهترین پرسش تحقیق، تعجیل نکنید.

– **نگارش طرح اولیهٔ مقاله:** بر خلاف رساله های دانشگاهی که دارای بخش خاصی با عنوان کلیات طرح تحقیق هستند، طرح تحقیق مقاله عیناً در آن آورده نمی شود و تنها مهم‌ترین موارد آن در مقدمهٔ مقاله به شرحی که می‌آید، بیان می‌شوند.

– **بررسی مدارک و منابع تحقیق** در صورتی که با انجام تحقیق کافی به این نتیجه رسیدید که فاقد منابع کافی برای پژوهش هستید، در طرح پرسش‌های تحقیق متناسب با امکانات موجود تجدیدنظر کنید.

– **جمع‌آوری داده‌ها باهدف یافتن پاسخ تحقیق** یادداشت نویسی را به صورت هدفمند انجام دهید. دقیقاً بدانید که چرا برخی از مطالب را می نویسید و برخی دیگر را نمی نویسید. نظام یادداشت نویسی مرتب و منظمی ایجاد کنید. یادداشت ها را به صورت منظم، هر یک در داخل پوشه‌ای عنوان دار و پوشه‌ها را در داخل پرونده‌های مربوطه قرار دهید. همواره به گونه‌ای عمل کنید که بتوانید بعدها نیز از حاصل زحمات یادداشت نویسی خود استفاده کنید پس یادداشت نویسی باید در نظامی کلی‌تر و درازمدت

(و نه مقطعی) تعریف شود.

– **تحلیل داده‌ها بر اساس روش شناسایی صحیح و متقن،** در این زمینه به نکات زیر توجه کنید: ۱. تحلیل داده‌های جمع‌آوری شدهٔ خود را بر اساس یک روش‌شناسی مشخص و تعریف‌شده انجام دهید. ۲. از خلط مباحث خودداری کنید.

– **نتیجه‌گیری نهایی**.

– **مرحلهٔ نگارش و ویرایش** آخرین مرحلهٔ یک پژوهش، مرحلهٔ نگارش آن است. از این رو صورت مسئلهٔ یک مقاله‌نویس چنین است:

~ تحقیق را انجام داده‌ام،

~ محتوای مطالب را در اختیاردارم،

~ حال آن را در چه قالبی به صورت مقالهٔ علمی درآورم؟

برای رسیدن به بهترین پاسخ، ابتدا بررسی شود که مناسب‌ترین مکان چاپ مقالهٔ شما در کجاست؟ چه مخاطبانی را برای تحقیق خود مناسب می دانید؟ ضمن اینکه ممکن است که مقاله را به سفارش مؤسسه ای علمی تهیه کنید. همهٔ نشریات علمی و نیز مؤسسات معتبر پژوهشی دارای شیوه نامهٔ مخصوص به خود در جهت نگارش مقاله هستند. بنابراین:

۱. بهترین شیوه منحصر در یک شیوه نبوده و به اقتضای موضوع مقاله و محل چاپ آن شیوه‌های علمی متعددی موجود است.

۲. بهترین شیوهٔ نگارش مقاله، شیوه نامهٔ فصلنامه و یا موسسهٔ معتبری است که قصد چاپ آن را دارد.

به طور کلی در جریان نگارش یک مقاله به موارد زیر توجه کنید:

معمولاً مقالات علمی شامل سه بخش هستند:

الف – طلیعهٔ مقاله: که شامل بیان چهار عنصر اساسی است:

۱. عنوان مقاله،

۲. نام نویسنده (و یا نویسندگان) به همراه بیان میزان تحصیلات،

۳. بیان چکیده مقاله، (که مشتمل بر خلاصه‌ای کلی از هدف، روش علمی و نتیجهٔ نهایی تحقیق را به صورت جملات کوتاه در حداکثر ۱۵۰ تا ۲۰۰ واژه است.)

۴. کلید واژگان تحقیق. (بیان واژگان مهم تحقیق که محور مفاهیم تحقیق بر گرد

آن‌هاست.)

ب – متن اصلی مقاله: که شامل عناصر زیر است:

۱. مقدمه (طرح مسئله): شامل بیان مختصری از پیشینه، اهداف، پرسش‌ها و تبیین روش‌شناسی محقق است.

۲. لازم است تا انتخاب عناوین بخش های مختلف یک مقاله هماهنگ با مسئله باشند.

۳. گزارش تحقیق: شامل بیان بررسی‌ها، اسناد، دلایل موافق و مخالف و ... می‌شود که در طول تحقیق از سوی محقق صورت پذیرفته است.

ج – نتیجه‌گیری نهایی:

مشتمل بر بیان یافته‌های تحقیق بر مبنای مطالب موجود در متن اصلی مقاله است.

در جریان نگارش مقالهٔ خود کمتر از نقل‌قول مستقیم استفاده کنید.

۱. هیچ‌گاه مطالب را بدون تأمل و تحلیل به همدیگر ارتباط ندهید.

۲. از آنجا که محدودهٔ نگارش و تنظیم مقالات محدود است، بکوشید تا هر سطری از تحقیقتان در خدمت یافتن پاسخ پرسش تحقیق باشد.

۳. از به کار بردن جملاتی با مضامین و محتوای یکسان پرهیز کنید.

۴. مقالات علمی بر اساس منطق و برهان محکم و نه تخیل و عاطفه هستند.

۵. در مقالات علمی به رعایت اصطلاحات علمی توجه کنید.

۶. در استنباط و استنتاج مطالب دقیق باشید.

۷. نگارش هر مقاله نیازمند حداقل به سه بار ویرایش از سوی نویسنده است. در زمان ویرایش به این موارد توجه کنید:

الف – ساختار بیانی نوشتار،

ب – غنای محتوای مفهومی متن،

ج – نحوهٔ استنادات ارجاعی و توضیحی در متن.

در اینجا خلاصه‌وار، برخی از موارد مهمی که منجر به موفقیت یک مقاله می‌شوند و در اثنای موارد پیشین به آن‌ها اشاره شد، بازگو می‌شوند که عبارت‌اند از:

- بدیع بودن و تازگی موضوع،
- کوشش در جهت رفع نیازهای معرفتی جامعه،

- استفاده از منابع دست اول،
- دقت در نقل‌قول و رعایت امانت علمی،
- رعایت وحدت رویه: نتیجه‌گیری مقاله، منطقی‌ترین پاسخ به پرسش مقاله باشد.
- رعایت وحدت رویه: عنوان مقاله هماهنگ با پرسش‌های مطروحه در آن تنظیم شود،
- رعایت وحدت رویه: استفاده از روش‌شناسی صحیح و متناسب با موضوع مورد نظر،
- رعایت وحدت رویه: رسم‌الخط نوشتار یکدست و یک نواخت باشد،
- خلاقیت در طرح پرسش‌های تحقیق،
- پرورش کافی مفاهیم،
- روان و سلیس بودن نوشتار و ویرایش مناسب مقاله

## ۹۷. نتیجه گیری پاسخ پرسش های اصلی و یا بیان صحت و سقم فرضیه‌هاست.

نتیجه گیری مقاله باید مبتنی بر مباحث موجود در مقاله و نه خارج از آن باشد. در ارائهٔ نتیجه‌گیری نباید شتاب‌زده عمل کرد. نتیجه‌گیری هر تحقیق چیزی جز پاسخ به پرسش‌های اصلی آن تحقیق نیست. پیش از آماده شدن مقدمات مورد نیاز، اقدام به نتیجه‌گیری نکنید.

## ۹۸. نگارش بندها (پاراگراف‌ها) باید هدفمند باشند.

هر مقاله از مجموعه‌ای از بندها (پاراگراف‌ها تشکیل شده است و هر پاراگراف از مجموعه ای از جملات تشکیل شده است. هر بند باید یک مضمون مشخص را دنبال کند؛ بنابراین از میان جملات هر بند، یک یا چند جمله کلیدی است که نقش انتقال مضمون اصلی را بر عهده دارند. جملات دیگر در ربط پاراگراف ها به یکدیگر و یا ارائهٔ شواهد و دلایل و استنادها به یاری جملات کلیدی می‌آیند؛ بنابراین:

- باید از نگارش بندهای غیرضروری اجتناب شود.
- پاراگراف‌ها باید به گونه‌ای به هم متصل شوند که با خواندن مقاله این احساس به خواننده منتقل نشود که اجزای مقاله باهم مرتبط نیستند و یا در چینش مطالب رعایت اصل اول مقدمات لازم سپس نتیجه‌گیری نشده است.

## ۹۹. سهل‌الوصول بودن مطالب مقاله

مطالب مقاله باید سهل‌الوصول باشد. برخی گمان می‌کنند که اگر به گونه‌ای بنویسند که مطلب در دسترس خواننده نباشد بر اهمیت مقاله افزوده اند و از این رو از تعابیر سخت و نامأنوس استفاده می‌کنند و خواننده را با نقل‌قول‌های طولانی معطل می‌کنند؛ این در حالی است که هدف از نگارش مقاله انتقال مطالب به خوانندگان است. پس نویسنده باید متناسب با سطح خوانندگان مورد نظرش (نوجوانان و یا اهل فضل و کمال) به بهترین صورت اطلاعات خود را منتقل کند.

برای این کار باید **موضوع را در دسته‌بندی‌های مشخصی ارائه کرد.**

**استفاده از جداول و نمودارها** می‌توانند در این زمینه بسیار کمک کنند؛ به ویژه آنکه خواننده با یک نگاه متوجه اصل موضوع می‌شود.

باید در مقدمهٔ مقاله نقشه و نمای کلی از مقاله یا کتاب به خواننده ارائه شود.

## ۱۰۰. پایان هر پژوهش ارائهٔ رهنمود به آیندگان است.

پژوهشگر باید در پایان کتاب یا پایان‌نامه خود به اختصار نقشهٔ راه آیندگان را ترسیم کند و پیشنهادهایی عملی برای گسترش حوزهٔ علمی پژوهش ارائه دهد. از همین رو معمولاً پژوهش‌های خوب متضمن تأملاتی دربارهٔ آینده پژوهش هستند که به عنوان راهنمایی برای دیگر پژوهشگران به شمار می‌روند.

# مطالب جزوه

۲۲. «اگر نقل کننده هستی پس سند»
۲۳. «اگر مدعی هستی پس دلیل»
۲۴. «بیان حقیقت، همهٔ حقیقت»
۲۵. «پرهیز از ابهام و تعقید در متن»
۲۶. «وحدت رویه در تحقیق»
۲۷. «نگو درست نیست تا نمی‌دانی که درست چیست»
۲۸. «رعایت اولویت در سند و دلیل»
۲۹. «اصل مقدم بر فرع»
۳۰. «عدم خروج از عرف زبان علمی مگر با دلیل محکم»
مثال – نمونه‌ای از نام‌گذاری نادرست
۳۱. «نگارش پس از تحقیق»
۳۲. اولین قدم محقق، آخرین قدم او نباشد.
۳۳. «محقق حق تشریع ندارد.»
۳۴. «قرآن مصون از تحریف است.»
۳۵. «رعایت حدود ابراز عقیده»
۳۶. «تقلید ناپذیری در کسب اعتقادات»
۳۷. «تفاوت کلام الهی با کلام بشری»
۳۸. «ثبات اصول اعتقادی و اخلاقی و احکام اولیه اسلام»
۳۹. ضرورت توجه به مصادر مختلف مذاهب اسلامی
مثالی از اتکا به منابع و استدلال ضعیف در شناخت شیعه
۴۰. توجه به روش‌شناسی‌های مختلف
۴۱. تسلط بر منبع‌شناسی
۴۲. توجه به بسامد اندیشه‌ها یا پدیده‌ها
۴۳. تمایز میان دنیای نظریه‌پردازی با دنیای واقعی.
۴۴. درک مفهوم فرصت در گرو درک مفهوم تهدید است.
۴۵. جدایی‌ناپذیری ابعاد یک پدیده در دنیای واقعیت.
۴۶. ضرورت توجه به امکان عینی تحقق فرضیه‌ها و ادعاها
۴۷. ممانعت از تبدیل نظریه‌های غربی به صورت اصل خود بنیاد.
۴۸. ضرورت توجه به گذشته علم مورد نظر